



۶

رشد

معلم

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای معلمان، دانشجو معلمان و
کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره ۴۴ | شماره پیاپی ۳۷۶
اسفندماه ۱۴۰۴ | ۴۸ صفحه

ISSN: 1606-9129

www.roshdmag.ir

آموزش آینده

در

آینده دیجیتال
سواد



رشد کافی

سالم،

تغذیه

تغذیه سالم به امکانات خاص نیاز ندارد. همین که در کلاس بچه‌ها را تشویق کنید میان وعده‌های خانگی بیاورند یا چند دقیقه درباره خوراکی‌های مفید صحبت کنید، از بسیاری کارگاه‌ها اثرگذارتر است.

و مهم‌تر از همه، خود معلم‌ها نیز باید مراقب تغذیه‌شان باشند. معلمی شغلی پر مسئولیت است؛ بدون «سوخت سالم»، خستگی ذهنی و فرسودگی زودپدید می‌شوند.

سه عادت ساده، اما مؤثر:

/ مصرف آب کافی؛

/ وعده‌های منظم؛

/ میان وعده‌های مغذی.

این‌ها حال معلم را بهتر و به سلامت نسل آینده کمک می‌کنند.

(صفحه ۲۶ را بخوانید)



مجله رشد

www.roshdmag.ir

۶

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان،
دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش | دوره ۴۴
شماره پی در پی ۳۷۶ | اسفندماه ۱۴۰۴

خانواده مجلات رشد همه تلاش خود را کرده است تا این مجلات
در **دسترس عموم** جامعه آموزشی و تربیتی کشور قرار گیرد و همه
مخاطبان در میهن عزیز اسلامی مان **امکان تهیه** آن را داشته باشند.
قیمت: ۳۰۹۰۰۰ ریال

مدیر مسئول: سیدسعید بدیعی
سرمدیر: دکتر عباسعلی مظفری
شورای برنامه ریزی:
دکتر حامد عباسی
دکتر جعفر چراغیان
دکتر مختار ذاکری
دکتر منوچهر فضلی خانی
دکتر لیلا میرزائی
دکتر زهراسادات الطافی
مدیر داخلی: الهام الیکایی
ویراستار: کبری محمودی
مدیر هنری: کوروش پارسا نژاد
طراح گرافیک: مجتبی زند
دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۷۰
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۲
نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸
پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۲۰
وبگاه: www.roshdmag.ir
رایانامه: moallem@roshdmag.ir
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
امور مشترکین:
۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
پیامنگار: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳
چاپ و توزیع: شرکت افست



نشانی کانال مجله رشد
@roshd_moallem



وبگاه نظرسنجی
مجلات رشد

- یادداشت سردبیر** / **چهره های محبوب در قرآن** / دکتر عباسعلی مظفری * ۲
- نقد و نظر** / **مدرسه تراز: از نظر تا عمل** / تنظیم کننده: شهلا فهیمی * ۴
- رویکرد تربیتی** / **معلمانی که باور می سازند** / دکتر مختار ذاکری * ۸
- فناوری های نوین** / **بازی با سنجش** / مریم صالحی نسب * ۲۴
- مهارت های معلمی** / **معلم آینده: شایستگی های امروز** / دکتر حامد عباسی، حمیده عباسی * ۱۰
- از مار و پله تا چرخ شانس** / ایمان میرنیا * ۳۰
- کلامی که مشارکت می سازد** / دکتر زهراسادات الطافی * ۱۴
- لحظه ای که خطا به فرصت تبدیل می شود** / دکتر مرتضی مجدفر * ۲۰
- از آتش نشان، بک، معمار، مدیریت بحران های کلاس درس** / دکتر محمد نیرو * ۲۱
- کتابداران کوچک** / خدیجه غلامپور * ۳۹
- کشف دنیای کوچک با ذهنی بزرگ** / عبدالرضا شیرکوند * ۳۵
- سگوتی که باید شنیده شود** / حنا سرحسابی * ۴۳
- طنز: چاشنی یادگیری** / الهام الیکایی * ۴۴
- درس زندگی** / **آرامش واقعی** / دکتر عباسعلی مظفری * ۳۴
- طراحی آموزشی** / **ارائه، ضلع سوم یادگیری** / فرزانه نوراللهی * ۳۸
- یادها و خاطره ها** / **تقویم اسفند** / دکتر لیلا میرزائی * ۴۷
- کافه کتاب** / **معلمی و آداب زندگی** * ۴۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند. مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. حجم مطالب ارسالی حداکثر ۱۰۰۰ کلمه باشد. اثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. محل قراردادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. شماره تماس و نشانی الکترونیکی نویسنده حتماً نوشته شود. مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. رای مندرج در مقاله ها ضرورتاً مبین نظر دفتر انتشارات و فناوری آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ گویی به پرسش های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.



رشد زمینه را پویا کند
برای اشتراک مجلات



دکتر عباسعلی مظفری

اسفندماه ۱۴۰۴ مصادف است با ماه مبارک رمضان و بهار قرآن. آرزو می‌کردم توفیق نوشتن یادداشتی درباره کلام وحی برایم فراهم شود. در این اندیشه بودم که در لابه‌لای آثار و کتاب‌های منتشرشده قرآنی، کتاب زیبای «چهره‌های محبوب در قرآن»، اثر آیت‌الله کریمی جهرمی را مشاهده کردم که مدتی پیش در دیداری که با نویسنده فرهیخته، به اتفاق جمعی از معلمان با ایشان داشتیم، از دستان مبارکشان دریافت کرده بودیم.

مطلع کتاب چه زیبا آغازی است:

محبت از دل‌نشین‌ترین مفاهیم و متداول آن‌ها در زبان‌هاست؛
 محبت موجب امید دل‌ها و سبب فرح و شادمانی
 قلب‌هاست؛
 محبت اساس حیات انسانی و مایه اصلی در شکل‌گیری
 زندگی به‌شمار می‌رود و تعبیرهای زیبای دیگر.
 به این موضوع فکر می‌کردم که اگر محبت، دوستی،

صمیمیت و مهربانی در زندگی ما انسان‌ها کم‌رنگ شود، زیستن و باهم زیستن و زندگی چقدر طاقت‌فرسا و تا چه اندازه بی‌معنا می‌شود.

اینکه چگونه صمیمیت، دوستی و محبت در تعلیم و تربیت پررونق شود، داستان مفصلی است که از عزت‌نفس (دوست داشتن خود) که یکی از مهارت‌های اساسی زندگی است آغاز می‌شود و با دوست داشتن خالق و مخلوقات عالم، چون چشمه‌ای جوشان جریان خواهد داشت. با کمی تأمل می‌توان به این برداشت رسید که در این زمینه می‌توان از این اثر الهام گرفت.
 نویسنده از رشته محبت پایدار سخن گفته است و به عوامل پیدایش آن و از زبان قرآن، ویژگی‌های کسانی را که محبوب پروردگار مهربان هستند، معرفی می‌کند.

قرآن در

محبوب

چهره‌های

**بحث و بررسی
پیرامون
ویژگی‌ها و
کسانی که
نزد پروردگار
مهربان محبوب
هستند، با
استفاده از
روش‌های
تدریس فعال،
از جمله بحث
گروهی، بارش
فکری، پروژه،
ایفای نقش و
مناظره، برای
دانش‌آموزان
جذاب و آموزنده
است**

* چه کسانی نزد پروردگار محبوب هستند؟

- ما دوست داریم در کدام گروه قرار داشته باشیم؟
۱. نیکوکاران: کسانی که کارهایی را که به نفع دیگران است انجام می‌دهند. به عبارت دیگر، کارهای عام‌المنفعه، خدمت بی‌منت و مفید بودن برای جامعه. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (بقره، آیه ۱۹۵): به درستی که خداوند نیکوکاران را دوست دارد.
 ۲. توبه‌کنندگان: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ (بقره، آیه ۲۲۲): به راستی که خداوند توبه‌کنندگان را دوست دارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «توبه‌کننده محبوب خداست و ثواب از گناه مانند کسی است که اصلاً گناهی نکرده باشد.»
 ۳. پاکان و پاکیزگان: ... وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ (توبه، آیه ۱۰۸): «خداوند پاکیزگان را دوست دارد.»
 ۴. پیروی‌کنندگان از پیامبر (ص): چنانچه در آیه ۳۱ سوره نورانی آل عمران می‌فرماید: «بگو ای پیامبر، اگر راستی خدای را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خداوند شما را دوست بدارد...»
 ۵. پرهیزکاران: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (توبه، آیه ۸): «به درستی که خداوند پرهیزکاران را دوست دارد.»
 ۶. بردباران: وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (آل عمران، آیه ۱۴۶): «و خداوند شکیبایان را دوست دارد.»

نیک می‌دانیم که صبر و بردباری پیامبر اعظم (ص) و ائمه اطهار برای اصلاح امت اسلام بسیار شنیدنی است.

۷. توکل‌کنندگان بر خدا: وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (آل عمران، آیه ۱۵۹): «و اهل ایمان تنها باید به خدا اعتماد کنند.» مصداق بارز توکل ابراهیم خلیل الله است که توکل آن انسان زنده شگفت‌انگیز و حیرت‌آور است.

۸. مقسطین: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (مانده، آیه ۴۲): «آنان که به عدالت حکم کنند، خدا آن‌ها را دوست دارد.»

امام علی (ع) الگوی ممتاز قسط و عدل است. ۹. رزمندگان اسلام: ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيل صفا كانهم بنيان مرصوص (صف، آیه ۵): «به راستی که خداوند دوست می‌دارد آنانی را که در راه او می‌جنگند؛ آن چنان که گویی بنایی محکم و استوارند.»

بحث و بررسی پیرامون ویژگی‌ها و کسانی که نزد پروردگار مهربان محبوب هستند، با استفاده از روش‌های تدریس فعال، از جمله بحث گروهی، بارش فکری، پروژه، ایفای نقش و مناظره، برای دانش‌آموزان جذاب و آموزنده است. *

دکتر علیرضا کمرئی از چهره‌های شناخته‌شده و باتجربه نظام تعلیم و تربیت کشور است که بیش از چهار دهه از عمر خود را در مسیر آموزش، مدیریت و سیاست‌گذاری آموزشی گذرانده است. از تدریس در کلاس‌های ابتدایی تا مدیریت کل آموزش و پرورش شهرستان‌های تهران و شهر تهران و معاونت آموزش متوسطه وزارتخانه. همواره دغدغه اصلی او ارتقای کیفیت آموزش و منزلت معلمان بوده است. در گفت‌وگوی پیش‌رو، او از شکل‌گیری الگوی مدرسه تراز سخن می‌گوید؛ الگویی که تلاش می‌کند سند تحول بنیادین را به کف مدرسه برساند و نقش معلم را به عنوان محور اصلی یاددهی، تربیت و هدایت دانش‌آموزان تثبیت کند. این مصاحبه می‌کوشد تصویری روشن از چالش‌ها، راهکارها و فرصت‌های تحول آموزشی در ایران امروز ارائه دهد.

مدرسه

از

تراز:

نظر

ت

عمل

گفت‌وگو با دکتر
علیرضا کمرئی، مشاور
وزیر، در زمینه ارتقای
کیفیت آموزش

این روزها مفهوم مدرسه تراز در آموزش و پرورش بسیار مورد توجه است. به نظر می‌رسد این طرح پاسخی به دغدغه دیرین مدرسه مطلوب و اجرای سند تحول در سطح مدرسه باشد. از نگاه شما، این الگو چگونه شکل گرفت و چه ویژگی‌هایی دارد؟

نظام آموزشی ایران در چند دهه گذشته همواره در تلاش برای بهبود کیفیت آموزش و تطبیق با نیازهای جامعه بوده است. از دهه ۶۰ تا امروز، در ساختار آموزش و پرورش طرح‌ها و تغییرهای گوناگونی شکل گرفته‌اند تا مسیر رشد و تحول را هموار کنند. در دهه ۸۰ ایده داشتن سند ملی برای جهت‌دهی نظام آموزشی مطرح شد که سرانجام در اوایل دهه ۹۰ به تدوین «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» انجامید. با وجود تلاش‌های فراوان، همواره این نقد وجود داشته که سند در سطح مدرسه اجرا نمی‌شود و «کانون مدرسه» از آن بی‌بهره مانده است. همین دغدغه موجب شد

تنظیم‌کننده: شهلا فهمی



این الگو بیش از سی شاخص کلیدی برای ارزیابی دارد که حرکت مدرسه در جهت آن‌ها نشانه پیشرفت در مسیر مدرسه مطلوب سند تحول است. تراز در واقع یک مقصد نیست، بلکه مسیری است که ما را هم‌راستا با چشم‌انداز سند تحول، یعنی «حیات طیبه»، قرار می‌دهد؛ چشم‌اندازی که چندوجهی است و برای هر مدرسه متناسب با قابلیت‌های آن متفاوت خواهد بود.

البته مفاهیم انتزاعی سند مانند حیات طیبه، باید برای مدرسه‌ها به مفاهیم انضمامی، عملیاتی و قابل فهم ترجمه شوند تا مدیران و معلمان به‌سادگی آن را دریافت و در برنامه‌های خود پیاده کنند. با این تعبیر، مدرسه تراز تلاشی است برای بازتعریف مدرسه‌ای کارآمد و معنامحور که بتواند فاصله واقعیت‌های میدانی و اسناد بالادستی را کم کند.

هر ساله تعداد زیادی از دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان وارد نظام آموزشی می‌شوند؛ کسانی که هنوز تجربه مستقیمی از مدرسه ندارند و با مفاهیمی چون «مدرسه تراز» چندان آشنا نیستند. از نگاه شما، نقش دانشگاه فرهنگیان و دانشجو معلمان در تحقق این الگو چیست؟

الگوی مدرسه تراز در واقع تلاشی است برای بازاندیشی در نقش همه ارکان مدرسه، از جمله معلمان و مدیران. در سند تحول بنیادین، به‌ویژه در بخش «رهنامه»، این نقش‌ها و چرخش‌های تحولی مورد انتظار نظام تعلیم و تربیت به‌خوبی تبیین شده‌اند. به دانشجو معلمان توصیه می‌کنم، برای آگاهی صریح از «جهت تغییر مورد انتظار»، به جای مطالعه مفصل مبانی نظری، همین بخش را که «رهنامه» نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی است، عمیق و با دقت بخوانند، چون در آن جهت‌گیری‌های کلیدی سند و نگاه صحیح به مدرسه و معلم به‌روشنی تبیین شده است. از منظر سند، مدرسه مطلوب باید در شرایط گذار از نهادی صرفاً آموزشی به نهادی فرهنگی و اجتماعی قرار بگیرد. اگر معلمان با این ضرورت بیگانه باشند، ناخواسته در مدیریت کلاس، همان الگوهای سنتی تدریس را بازتولید می‌کنند و آنچه در حوزه یادگیری و رویکردهای نوین به مقوله تربیت و یادگیری از دانشگاه آموخته‌اند، به‌تدریج به‌استحاله می‌رود. دانشگاه فرهنگیان در این میان رسالت بزرگی دارد، چون نیروهای جوان تازه‌وارد می‌توانند اهرم تغییر فرهنگ مدرسه باشند؛ به‌شرط آنکه با روش‌های کارآمد و جهت‌گیری‌های درست تربیت شوند. در غیر این صورت، نو معلمان به‌سرعت جذب فرهنگ سازمانی موجود مدرسه می‌شوند و مدرسه همچنان بر مدار پیشین خود حرکت می‌کند.

بنابراین، آموزش‌های دانشگاه فرهنگیان باید بر محور همین چرخش‌های تحولی تنظیم شود تا دانشجو معلمان هنگام ورود به مدرسه بتوانند بر اساس زیست‌بوم سند تحول نقش‌آفرینی کنند. در مدرسه تراز، معلم مهم‌ترین کنشگر است. حدود ۱۲ شاخص مدرسه تراز با نقش معلم مرتبط هستند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند، حدود یک‌سوم از موفقیت آموزشی دانش‌آموزان به کیفیت تدریس و رابطه معلم با آنان بستگی دارد. برنامه درسی هر قدر هم دقیق باشد، تحقق آن در کلاس و از طریق مدیریت یادگیری توسط معلم شکل می‌گیرد. از این رو، مدرسه تراز بیش از هر چیز بر توانمندسازی و بازتعریف نقش معلم تأکید دارد.



معلم، محور تحول: از تربیت حرفه‌ای در دانشگاه تا حضور اثرگذار در مدرسه

در سال‌های پایانی دهه ۹۰، دغدغه یافتن سازوکاری برای ورود آموزه‌های سند تحول به مدرسه قوت بگیرد. سرانجام در سال ۱۴۰۳ چارچوب فلسفی «مدرسه تراز» در قالب یک الگوی مفهومی شکل گرفت و ابعاد و مؤلفه‌های آن به انضمام شاخص‌هایی برآمده از سند تحول، در کتابچه‌ای با همین عنوان منتشر شد. پس از آن، این سند الگویی برای ترجمه عملی سند تحول در محیط واقعی مدرسه تلقی می‌شد که به‌عنوان نخستین پروژه از نقشه راه سند تحول مصوب شد.

مدرسه تراز به دنبال پاسخ به این پرسش است که مدرسه مطلوب در تراز نظام جمهوری اسلامی ایران چه ویژگی‌هایی دارد. در این الگو ابعاد گوناگون مدرسه، از مدیریت و راهبری گرفته تا نقش کنشگران و از مقوله برنامه درسی تا محیط تربیتی (فیزیکی و فرهنگی) و نیز نتایج آموزشی و تربیتی مبتنی بر سند تحول تعریف شده‌اند.



عکاس: مر تقی سلطانی



در الگوی مدرسه تراز، معلم بیشتر در کدام بخش باید نقش آفرینی کند؟

به نظر می‌رسد، اصلی‌ترین نقش معلم، در طراحی و اجرای «برنامه درسی» است؛ معلم از ارکان کلیدی مدرسه تراز است که تحقق اهداف تربیتی و درسی در آن، مستقیم یا غیرمستقیم، با نقش وی به عنوان تسهیلگر جریان تربیت و یادگیری پیوند خورده است. در اینجا معلم کارگزاری فکور است که به شیوه‌هایی کاملاً حرفه‌ای به پدید آمدن سامانه‌ای پویا و اثرگذار برای هدایت جریان یاددهی یادگیری در کلاس و مدرسه مبادرت می‌کند. اگر سند تحول را سند تربیت بدانیم، معلم عنصری بی‌بدیل است که قادر است تربیت تمام‌ساحتی و هویت‌ساز را در متن کلاس و مدرسه عنینت بخشد.

نقش دیگر معلم، ایجاد «فضای پرسشگری و یادگیری فعال» است. معلم با ترکیب خلاق فناوری و روش‌های نوین، محیطی پویا می‌سازد و یادگیری را معنادارتر می‌کند. در مدرسه، عناصر گوناگونی چون برنامه درسی پنهان، تعاملات دانش‌آموزان و جو فرهنگی، هر یک در تربیت سهمی دارند، اما معلم همچنان مجری اصلی و زنده تأثیرگذار در تربیت است. تقریباً جایگزینی برای معلم وجود ندارد. در واقع، معلم در مدرسه تراز «تسهیلگر جریان یادگیری» است و این کارکردی بی‌بدیل در مدرسه تراز است.

در کنار این کارکردها، معلم نقش «مربی و مشاور» را هم ایفا می‌کند. او روند یادگیری دانش‌آموزان را رصد می‌کند، بازخورد می‌دهد و در صورت نیاز برنامه مداخله آموزشی طراحی می‌کند. او از نظر عاطفی و رفتاری نیز همواره همراه و در کنار دانش‌آموزان است. در واقع، نخستین مشاور دانش‌آموز، خود معلم است. در سند تحول، معلم تجسم عینی ارزش‌ها و محور شکل‌گیری فضای اخلاقی و زبانی مدرسه است. یکی از دلالت‌های مهم سند، هم‌افزایی معلم با خانواده و جامعه محلی است؛ چرا که خانواده از ذی‌نفعان کلیدی تربیت به‌شمار می‌رود و این معلم است که خانواده را به جریان تربیت و آموزش پیوند می‌دهد. در نهایت، اگر مدرسه تراز را کالبدی پویا بدانیم، معلم روح زنده آن است. هر چند از نظر من تغییر و تحول در مدرسه با تغییر یا تحول در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی آن آغاز می‌شود، زیرا «برنامه‌ریزی» مانند لوکوموتیور است که بقیه عناصر را به دنبال خود می‌کشد، اما اهداف تربیتی مدرسه، عموماً در کلاس درس و به دست معلم محقق می‌شوند. بدون حضور فعال و آگاهانه او، هیچ چشم‌انداز تحولی‌ای در مدرسه محقق نخواهد شد.

در آموزش و پرورش امروز سه محور اصلی دیده می‌شود: «مدرسه تراز»، طرح «نماد» برای مراقبت از دانش‌آموزان؛ حوزه «نماز». در بازدید از دو مدرسه، در فضای نمازهای جماعت تفاوت چشمگیری دیدم؛ یکی بی‌رمق و دیگری پرشور و داوطلبانه. جالب اینکه عامل اصلی در مدرسه دوم، حضور دبیر خوش‌برخوردی بود که خودش اهل نماز و ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان بود. این نشان می‌دهد نقش تربیتی معلم تا چه اندازه تعیین‌کننده است.

در شرایط امروز، که رقابت فرهنگی شدیدی وجود دارد و نوجوانان تحت تأثیر چهره‌ها، رسانه‌ها و... قرار گرفته‌اند، چگونه می‌توان این نقش الهام‌بخش معلم را حفظ کرد؟

دقیقاً به نقطه حساسی اشاره کردید. امروز نسل‌های «آلفا» و فردا نسل «بتا»، هم‌از هوش مصنوعی، با دنیایی پر از جاذبه‌های زنده و هیجان‌انگیز روبه‌رو هستند و طبیعی است ذهنشان درگیر این فضا بشود. اما با همه این تغییرات، «مرجعیت معلم» بایرجاست؛ اگر به‌روز و پاسخ‌گو باشد. معلم هنوز الگوی اصلی زندگی و نیک‌منشی دانش‌آموز است؛ همان نقشی که سند تحول بنیادین نیز بر آن تأکید دارد. در مدرسه‌هایی که فضای دینی زنده و خودجوش دارند، معمولاً معلمانی با نقش الگویی برجسته ایفای نقش می‌کنند که به‌روز، نواندیش و در عین حال متواضع‌اند. دانش‌آموز در رفتار آن‌ها نوعی «کمال» می‌بیند؛ کمالی علمی، اخلاقی و انسانی که شایسته احترام است. چنین معلمانی همان معلمان صالح و شایسته‌اند که در مدرسه تراز از آن‌ها سخن گفته می‌شود.

در دنیای پیچیده امروز، کارآمدی نقش مدرسه و معلم به‌صرف توصیه و تذکر مؤثر واقع نمی‌شود. مدرسه باید محیطی دلپذیر و الهام‌بخش برای تجربه زیست طبیعی، فرهنگی و مؤمنانه فراهم کند؛ فضایی که در آن دین نه به‌صورت دستوری، بلکه از مسیر تجربه، هنر، ورزش و فعالیت‌های گروهی در جان دانش‌آموز بنشیند. در چنین محیطی، رفتار دینی به‌تدریج به‌باوری عمیق و پایدار تبدیل می‌شود.

بنابراین، نقش معلم بیش از هر زمان دیگر در طراحی موقعیت‌های تربیتی، الگوسازی و ایجاد پیوند میان خانواده، مدرسه و جامعه اهمیت دارد. اگر مدرسه و معلم هوشمندانه و خلاقانه عمل کنند، حتی در فضای پررقابت فرهنگی امروز نیز می‌توان الهام‌بخش و اثرگذار ظاهر شد.

اکنون با وجود انتقادهای حوزه‌های حرفه‌ای و تخصصی، در محتواهای درسی دانش‌آموزان، مفاهیمی وجود دارند که در ظاهر ساده‌اند، اما در نگاهی عمیق، پیام‌های تربیتی و مهارتی ارزشمندی درون آن‌ها نهفته‌اند؛ مفاهیمی که اگر درست دیده شوند و فکورانه به کانون تربیت وارد شوند، می‌توانند یادگیری را از حالت حافظه‌محور به تجربه‌ای واقعی و معنادار بدل کنند. برای مثال، بسیاری از حکایت‌های فارسی یا مفاهیم ریاضی، در کنار آموزش دانش، حامل نوعی تربیت فکری و اخلاقی‌اند. به نظر شما، در «مدرسه تراز» معلم چگونه می‌تواند این ظرفیت پنهان را در برنامه درسی فعال کند و از محتوای موجود برای پرورش تفکر، مهارت و تربیت دانش‌آموزان بهره‌بردار؟

نکته بسیار دقیقی است. من پس از فراغت از مأموریت رسمی خودم، مدتی در یک مدرسه ابتدایی حضور داشتم و همه راهنماهای کتاب‌های درسی و راهنمای معلم دوره ابتدایی را مرور کردم تا ظرفیت واقعی آن‌ها را



مدرسه تراز تلاشی است برای بازتعریف مدرسه‌ای کارآمد و معنا محور که بتواند فاصله میان اسناد بالادستی و واقعیت‌های میدانی را پر کند



اگر بخواهید براساس سال‌ها تجربه، پیامی برای معلمان امروز بفرستید، چه خواهید گفت؟

اگر به آغاز مسیر بازگردم، باز هم معلمی را انتخاب می‌کنم، اما این بار سعی خواهم کرد آگاهانه‌تر و حرفه‌ای‌تر ادامه دهم. امروز بزرگ‌ترین آسیبی که منزلت معلمی را تهدید کرده، علاوه بر مشکلات معیشتی، نادیده گرفته شدن جنبه تخصصی و علمی این حرفه است.

متأسفانه در جامعه هرکس به راحتی به خود اجازه می‌دهد بی‌پروا درباره ابعاد متنوع، پیچیده و تودرتوی تعلیم و تربیت و مدرسه نظر دهد، بی‌آنکه در ابعاد دانشی، نگرشی و مهارتی این حرفه عمیق باشد و حداقل اصول روان‌شناسی یادگیری و دانش یاددهی یادگیری را بفهمد. گاهی معلمان هم ناخواسته با بیان‌های عامیانه درباره نقش خویش به این تصور دامن می‌زنند که معلمی نیازی به مهارت و دانش عمیق ندارد. در حالی که این حرفه از پیچیده‌ترین و ظریف‌ترین مشاغل دنیاست؛ ترکیبی از روان‌شناسی، هنر ارتباط و علم یاددهی.

اگر دوباره به دانشگاه فرهنگیان بازگردم، آموختن این فنون را بسیار جدی‌تر می‌گیرم. تلاش می‌کنم همان‌گونه تدریس کنم که معلم تراز باید باشد. با تحلیل علمی، بینش تربیتی و نگاهی آینده‌نگر وارد کلاس می‌شوم. معتقدم، چنین معلمی از کار خود لذت می‌برد، چون رشد دانش آموز را در آینده رشد خودش می‌بیند.

امروز وقت آن است که نسل جدیدی از معلمان، با انرژی و رویکردهای نو، جریان تازه‌ای در آموزش و پرورش ایجاد کنند؛ نسلی که اگر حرفه‌ای و متعهد عمل کند، می‌تواند آینده مدرسه ایرانی را دگرگون کند.



در شکل‌دهی به یادگیری‌های مهارت‌محور بسنجیم. نتیجه مطالعاتم در دوره ابتدایی اول و دوم این بود که همین کتاب‌های موجود، اگر با کاربرد حرفه‌ای و هوشمندانه از دانش یاددهی یادگیری (پداگوژی) با غلبه رویکرد تربیتی به اجرا در آیند، می‌توانند مهارت‌ها و شایستگی‌های فراوانی را در دانش آموزان پرورش دهند که بخش مهمی از انتظار سند تحول را برآورده می‌کند و این می‌تواند ترجمان مدرسه مطلوب سند در عمل قرار گیرد. این موضوع به‌ویژه در شایستگی‌های پایه یادگیری که در دوره ابتدایی تضمین‌کننده یادگیری مادام‌العمر و پاسخ‌گو به شکاف موجود نظام آموزشی در آزمون‌های بین‌المللی مانند تیمز و پرلز است، بیشتر صدق می‌کند؛ هر چند در هر حال لازم است درجه انطباق کتاب‌های درسی با استلزامات اجرایی، از نظر چگالی درس‌ها و امکان اتخاذ رویکردهای تعاملی، همچنان بهبود یابد.

در واقع، بسیاری از مهارت‌هایی که نظام‌های آموزشی پیشرو مانند فنلاند در مهارت‌های زندگی روزمره، مهارت‌های عملی و فنی، مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی یا مهارت‌های عاطفی و خودمدیریتی و نیز مهارت‌های فکری و انتقادی و هنری و خلاق بر آن‌ها تأکید دارند، در محتوای کتاب‌های درسی ما نیز وجود دارند، اما مسئله این است که در عمل، تدریس معلمان بیشتر به انتقال دانش متمرکز می‌شود و حتی مهارت‌های پایه یادگیری نیز مغفول می‌ماند و کمتر به آن‌ها توجه می‌شود. برای مثال، در درس فارسی، مهارت زبانی (خواندن، نوشتن، شنیدن و سخن گفتن) و در علوم مهارت‌هایی مانند مشاهده، جمع‌آوری اطلاعات و فرضیه‌سازی، که پایه یادگیری‌اند، غالباً به هر دلیل در کانون توجه معلمان قرار ندارد. اگر معلمان دوره ابتدایی فقط بر همین شایستگی‌های اساسی یاددهی یادگیری تمرکز کنند، شکافی که در آزمون‌های بین‌المللی مانند تیمز و پرلز دیده می‌شود، تا حد زیادی برطرف خواهد شد، زیرا این آزمون‌ها غالباً همین مهارت‌ها را می‌سنجند. بنابراین، مدرسه تراز باید به جای تمرکز بر حجم، بر شایستگی‌های مشترک و پایدار یادگیری تأکید کند؛ مهارت‌هایی که با رشد دانش آموز عمق پیدا می‌کنند و پایه یادگیری مادام‌العمر را می‌سازند. تحقق این هدف به فهم چرخش‌های تحولی و حضور و ظهور نسلی نواز معلمان حرفه‌ای در نظام آموزشی کشور منوط است.

معلم حرفه‌ای کسی است که تدریس را ساده و اثربخش می‌کند، نه پیچیده و زمان‌بر. او می‌داند لحظه واقعی تعلیم و تربیت همان لحظه «یافتن!» در نگاه دانش آموز است؛ زمانی که جرعه فهم روشن می‌شود. در رویکرد سنتی، دانش آموز ظرفی خالی فرض می‌شود و معلم صرفاً انتقال‌دهنده دانش و اطلاعات است. در حالی که در نگاه حرفه‌ای، معلم زمینه‌ساز تجربه یادگیری است و به هر دانش آموز کمک می‌کند متناسب با استعداد خود معنا و درکی شخصی از درس پیدا کند. در چنین فضایی، حتی اگر همه صفحه‌های کتاب پوشش داده نشود، با توجه به حدود محتوایی، می‌توان تصدیق کرد که اهداف تربیتی و یادگیری محقق شده‌اند. پایه این تحول، حرفه‌ای‌سازی معلمان است. اگر دانشگاه فرهنگیان، مراکز تربیت معلم و نظام مدرسه هم‌زمان در این مسیر حرکت کنند، فاصله آموزش و پرورش با نیازهای واقعی جامعه کاهش می‌یابد و رضایت دانش آموز، خانواده و نظام حاکمیتی افزایش پیدا می‌کند.

بزرگ‌ترین آسیبی که منزلت معلمی را تهدید کرده، علاوه بر مشکلات معیشتی، نادیده گرفته شدن جنبه تخصصی و علمی این حرفه است

اسلامی ایرانی فراگیرندگان، نشان می دهد. همانند سند برنامه درسی ملی، در متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز به موضوع هویت اسلامی اشاره های متعددی شده است. در متن این سند آمده است که تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش، مبتنی بر آرمان های بلند نظام اسلامی، باید به چشم اندازی معطوف باشد که ترسیم کننده ایرانی توسعه یافته با هویتی اسلامی انقلابی است. آموزش دین در نظام رسمی تعلیم و تربیت، فعالیتی برنامه ریزی شده و نظام مند است که به منظور شکل دهی به نظام باورها، احساسات و اعمال دینی در محیط مدرسه انجام می شود و پیامد آن، شکل گیری

در نظام آموزش و پرورش مایکی از اولویت هایی که به ویژه از دوره مشروطه به این طرف به آن پرداخته شده است، مسئله هویت دینی است، به طوری که در سند برنامه درسی ملی کشور، بیش از ۴۷ بار از واژه هویت و به طور ویژه هویت دینی و هویت ملی استفاده شده است که میزان اهمیت دست اندرکاران نظام تعلیم و تربیت را از سطح های بالای تصمیم گیری تا سطح اجرایی و کلاس درس، به مسئله پرورش هویت

دکتر مختار ذاکری
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه
فرهنگیان، هرمزگان

معلمانی که

باور می سازند

مرتبه تحقق‌پذیر حیات طیبه در دوره دبستان است که به‌عنوان هدف غایی انسان در نظر گرفته شده و به نظام آموزش و پرورش رسمی محول شده است (طباطبایی نژاد و نوذری، ۱۴۰۳: ۹۷). آموزش دینی، به‌ویژه در دوره ابتدایی، از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا در این دوران، کودکان به‌عنوان پایه‌گذاران هویت دینی و فرهنگی جامعه شناخته می‌شوند. دوران کودکی نه تنها پیش‌نیاز مراحل بعدی زندگی (نوجوانی، جوانی و بزرگسالی) محسوب می‌شود، بلکه کیفیت آن، تأثیرات عمیقی بر دیگر مراحل زندگی دارد. در این میان، کیفیت فرایند تعلیم و تربیت ارائه شده، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به این دوران ایفا می‌کند (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۷).

معلمان مهم‌ترین عامل در بالابردن کیفیت یادگیری دانش‌آموزان و بهبود فرایند هویت‌یابی آنان هستند. رشد حرفه‌ای معلمان و شناخت مواعینی که بر سر این رشد قرار دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است. از سوی دیگر، شایستگی در تدریس و تدریس شایسته با مفهوم کیفیت معلم پیوندی تنگاتنگ دارد و کارگزار اساسی در اجرای تدریس شایسته، معلم است که بخشی از کیفیت آن از طریق آموزش و توسعه حرفه‌ای معلم، در دوره آماده‌سازی و آشناسازی بدو خدمت تأمین می‌شود (یاسینی و پناه، ۱۳۹۸: ۴).

در مقاله حاضر سعی شده است راهکارهای مناسب بهبود عملکرد معلمان و مربیان در آموزش دینی ارائه شوند. معلمان دینی باید از روش‌های تعاملی تدریس، شبیه روش ایفای نقش، که به پرورش ارزش‌ها در وجود دانش‌آموزان، با تقویت تفکر انتقادی ایشان، منجر می‌شود، استفاده و ارتباط نزدیکی با فراگیرندگان ایجاد کنند.

گام‌های روش تدریس ایفای نقش به این شکل هستند:

- ۱/ تعیین موضوع آموزش دینی از جمله مفهوم امانت‌داری و صداقت و نوشتن آن به صورت نمایشنامه؛
- ۲/ فراهم کردن شرایط و وسایل لازم برای اجرای نمایش؛
- ۳/ تعیین نقش‌هایی که باید ایفا شوند؛
- ۴/ آماده کردن فراگیرندگان برای ایفای نقش، از قبیل آرایش (گرم کردن) و تمرین کردن؛
- ۵/ توضیح مختصر در مورد موضوع و هدف نمایش برای شاگردان؛
- ۶/ اجرای نمایشنامه؛
- ۷/ بحث درباره محتوا و چگونگی اجرای نمایشنامه و ارزشیابی نتایج آن.

از روش‌های جذاب در قالب یک رابطه صمیمی و دوسویه و دوستانه بهره‌برده شده و مطالب به شیوه‌ای جذاب با بهره‌گیری از فناوری روز به فراگیرندگان ارائه شوند؛ از جمله این روش‌ها تفحص گروهی است که مراحل آن چنین است:

- ۱/ شاگردان با مسئله رویارو می‌شوند (موضوع‌های دینی به‌گونه‌ای چالشی و

سؤالی برای فراگیرندگان مطرح شوند).

۲/ دانش‌آموزان چگونگی واکنش به مسئله را کشف می‌کنند (از چه منابع و شیوه‌ای با بهره‌گیری از ابزار فناوری آموزشی برای پاسخ به سؤال‌ها استفاده شود)؛

۳/ دانش‌آموزان طرح وظیفه بررسی را تدوین و برای بررسی سازمان‌دهی می‌کنند؛

۴/ موضوع به‌طور گروهی و مستقل بررسی می‌شود؛

۵/ دانش‌آموزان پیشرفت و فرایند کار را تحلیل می‌کنند؛

۶/ فعالیت فراگیرندگان با بررسی نتایج از سر گرفته می‌شود.

همراهی و همدلی بین مدرسه و خانواده و سایر نهادهای مربوط و مسئول در حوزه آموزش دین کاملاً ضروری است. در گام اول، الگوهای مناسب دینی و مذهبی در دوره‌های گوناگون اسلامی احصا و معرفی می‌شوند.

در مرحله بعدی الگوهای روز جامعه شناسایی و ضمن پرورش، به نسل نو معرفی می‌شوند. از طرف دیگر، ضد الگوها نیز شناسایی و با استدلال کافی به فراگیرندگان معرفی شوند. التزام عملی تمامی متولیان آموزش دینی، از خانواده گرفته تا معلم و مربی و روحانی و... به آموزش دینی به انجام رسد. دانش و معرفت دینی با روش‌های جذاب و به‌روز به فراگیرندگان ارائه و در ایشان نهادینه شود. گفتمان‌های دینی در فضای خارج از تقدس‌گرایی و خشک و یکطرفه بین دانش‌آموزان، خانواده‌ها و معلمان ایشان، به معنای واقعی کلمه رواج باید و با استدلال‌های دقیق و عام‌پسند به شبهات معلمان و فراگیرندگان پاسخ داده شود. زمینه حضور دانش‌آموزان در مراسم و جلسه‌ها و بازدیدهای مذهبی فراهم و نمادهای دینی به ایشان معرفی شود.

هم معلمان و هم والدین، به‌عنوان دو قطب اساسی آموزش دین به نسل جدید، خودشان اساساً به مسائل و شئون و فریضه‌های دینی پایبند و الگوی عملی فراگیرندگان باشند. هم در حوزه کتاب درسی و هم رسانه‌های آموزش دینی، لازم است محتوای مکتوب و دیجیتال تقویت شود. در امور مربوط به آموزش دینی، هم بین مدرسه و خانواده و هم بین نهاد آموزش و پرورش و سایر نهادهای متولی آموزش دینی باید هماهنگی به‌وجود آید. همچنین الگوهای مناسب دینی در سطح عموم به‌خوبی و به‌گونه عمل‌گرا معرفی شود. گاه به‌جای الگوهای موردانتظار سبک زندگی اسلامی، ضدالگوهای پیش‌روی دانش‌آموزان ما واقع شده‌اند. باید اساساً نحوه استفاده صحیح از تلفن همراه به دانش‌آموزان، معلمان و خانواده‌های ایشان آموزش داده شود. محتوای کتاب‌های دینی بازبینی و بر اساس نیازها، علاقه‌ها و چالش‌های دینی عصر حاضر و شبهه‌های ذهنی نسل جدید بازنویسی شود. همچنین، نرم‌افزارها و رسانه‌های جذاب و باکیفیت برای معرفی مقولات دینی تهیه و تاجای امکان از قالب بازی و تکه‌فیلم‌های جالب و مبتکرانه بهره‌برده شود. به‌علاوه، تولید محتوای فاخر دینی در قالب‌های شعر و داستان، فیلم و فایل‌های صوتی کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. *

منابع

۱. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۹۷). راهنمای معلم هدیه‌های آسمان پایه دوم. شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. تهران.
۲. طباطبایی نژاد، سید سجاد؛ نوذری، محمود (۱۴۰۳). روش تدریس هدیه‌های آسمان. انتشارات حوزه و دانشگاه. قم.
۳. یاسینی، علی؛ پناه، پسر؛ پناه، امین (۱۳۹۸). ارائه الگوی معنویت در کار، التزام شغلی و هوش معنوی مدیران مدارس دولتی شهر ایلام. پژوهش‌های تربیتی، (۳۸).

❁ مقدمه

برای موفقیت در هر شغلی، برخورداری از مؤلفه‌های دانش، مهارت، نگرش و اخلاق در آن شغل، که در مجموع آن‌ها را شایستگی‌های حرفه‌ای می‌نامیم، ضروری است. حرفه معلمی نیز این‌گونه بوده و حساسیت‌های آن، ضرورت کسب شایستگی‌های لازم را دوچندان می‌کند. بر این اساس، کسب دانش، مهارت و نگرش در زمینه فناوری‌های نوین، از جمله هوش مصنوعی، برای معلمان، در آینده نزدیک به الزامات حرفه معلمی تبدیل خواهد شد، چراکه هوش مصنوعی در محیط‌های یادگیری می‌تواند در بهبود فرایند و دستیابی به اهداف خاص آموزشی یاریگر آن‌ها باشد؛ مشروط بر اینکه از حداقل‌های دانش، مهارت، نگرش و اخلاق حرفه‌ای موردنیاز یا همان شایستگی‌های این حوزه برخوردار باشند. معلمان می‌توانند از انواع هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین برای برانگیختن علاقه دانش‌آموزان، بهبود حرفه‌ای‌بودن و توانایی خود، ایجاد زمینه‌های معتبر برای فعالیت‌های آموزشی و ارزشیابی استفاده کنند.

امروزه هوش مصنوعی به‌عنوان دستیار و شریک معلمان انسانی، سازوکار آموزشی مشترک «هوش مصنوعی + معلم»^۱ را تشکیل می‌دهد (Si & Zhong, 2023). در همین راستا، تعیین دانش، مهارت و نگرش‌های لازم برای درک و استفاده موفقیت‌آمیز از هوش مصنوعی در آموزش، به‌عنوان شایستگی‌های هوش مصنوعی نامیده می‌شود (Jugo & Bai, 2024)؛ یعنی مجموعه‌ای از مهارت‌ها که معلمان را قادر می‌سازد به‌طور اخلاقی و مسئولانه هوش مصنوعی را در فرایندهای تدریس و یادگیری به کار ببرند، توسعه دهند و ارزیابی کنند. به همین علت، امروزه داشتن شایستگی‌های هوش مصنوعی به شایستگی کلیدی معلمان تبدیل شده است (Delcker, Heil & Ifenthaler, 2024).

دکتر حامد عباسی
پژوهشگر، نویسنده و مدرس تکنولوژی آموزشی

حمیده عباسی
دبیر و کارشناس ارشد فیزیک

کلیدواژه‌ها:

شایستگی‌های حرفه‌ای، هوش مصنوعی، آموزش و معلمان

معلم

پایه: نهم

شایستگی‌های

آموزشی

❁ معرفی کلی

چهارچوب شایستگی‌ها

چهارچوب شایستگی هوش مصنوعی برای معلمان را یونسکو در یک ماتریس دوبعدی ارائه کرده است. این چهارچوب پنج جنبه از شایستگی را دارد که در سه سطح پیشرفته تکامل می‌یابند و در مجموع پانزده بخش را تشکیل می‌دهد. برای درک بهتر موضوع، نخست به تصویر ۱ توجه کنید.

سطح پیشرفت

ذهنیت انسانی	پایه (کسب‌کردن)	مبانی (عمیق‌شدن)	نهایی (خلق‌کردن)
اخلاق	پایه (کسب‌کردن)	مبانی (عمیق‌شدن)	نهایی (خلق‌کردن)
دانش و کاربرد	پایه (کسب‌کردن)	مبانی (عمیق‌شدن)	نهایی (خلق‌کردن)
آموزش	پایه (کسب‌کردن)	مبانی (عمیق‌شدن)	نهایی (خلق‌کردن)
توسعه حرفه‌ای	پایه (کسب‌کردن)	مبانی (عمیق‌شدن)	نهایی (خلق‌کردن)

❁ جنبه‌ها

پنج جنبه شایستگی‌ها عبارت‌اند از: «ذهنیت انسان‌محور، اخلاق هوش مصنوعی، مبانی و کاربردهای هوش مصنوعی، آموزش هوش مصنوعی و هوش مصنوعی برای توسعه حرفه‌ای». لازم به ذکر است، این پنج جنبه درهم‌تنیده و مکمل همدیگرند و مجزا از هم نیستند.

❁ ذهنیت انسان‌محور: ارزش‌ها و جهت‌گیری نگرشی به تعاملات انسانی-هوش مصنوعی را تعریف می‌کند که معلمان باید آن را پرورش دهند.

❁ اخلاق هوش مصنوعی: اصول اخلاقی، مقررات، قوانین و قواعد اخلاق عملی را که معلمان به درک، اعمال و تلاش برای انطباق خود با آن نیاز دارند، تبیین می‌کند.

❁ مبانی و کاربردهای هوش مصنوعی: دانش مفهومی و مهارت‌های قابل انتقالی را مشخص می‌کند که معلمان باید در انتخاب و کاربرد خلاق ابزارهای هوش مصنوعی در محیط‌های آموزشی و آموزش به کمک هوش مصنوعی درک و از آن‌ها استفاده کنند.

❁ آموزش هوش مصنوعی: مجموعه‌ای از شایستگی‌های لازم برای تلفیق هدفمند و مؤثر آموزش هوش مصنوعی را پیشنهاد می‌کند. این موضوع توانایی اعتبارسنجی و انتخاب ابزارهای مناسب هوش مصنوعی و تلفیق آن‌ها با راهبردهای آموزشی را برای پشتیبانی از آماده‌سازی آموزش، یادگیری، جامعه‌پذیری، مراقبت اجتماعی و ارزیابی یادگیری پوشش می‌دهد.

❁ هوش مصنوعی برای توسعه حرفه‌ای: شایستگی‌های معلمان را به‌منظور استفاده صحیح از هوش مصنوعی در هدایت یادگیری حرفه‌ای مادام‌العمر خود و حمایت از توسعه حرفه‌ای و تحول حرفه‌ای تشریح می‌کند.





✱ سطح‌های پیشرفت

بعد دیگر این ماتریس سطح‌های پیشرفت است که سه سطح «کسب‌کردن، عمیق‌شدن و آفریدن یا خلق کردن» را شامل می‌شود که معلمان برای کسب شایستگی‌ها نیاز دارند این مراحل را طی کنند.

سطح پیشرفت کسب‌کردن: مجموعه‌ای ضروری از شایستگی‌های هوش مصنوعی موردنیاز همه معلمان را به‌منظور ارزیابی، انتخاب و استفاده مناسب از هوش مصنوعی در آموزش تعیین می‌کند. هدف سطح اول پرورش سواد پایه هوش مصنوعی معلمان است.

سطح پیشرفت عمیق‌شدن: شایستگی‌های میانی موردنیاز برای طراحی راهبردهایی آموزشی را که هوش مصنوعی را با آموزش ادغام می‌کنند، مشخص می‌کند. هدف این سطح حمایت از معلمان برای مشارکت عمیق‌تر با ابزارهای هوش مصنوعی به‌منظور به‌حداکثر رساندن ظرفیت آن‌ها برای ارتقای آموزش و یادگیری است.

سطح پیشرفت آفریدن یا خلق کردن: شایستگی‌های پیشرفته موردنیاز برای پیکربندی خلاقانه سامانه‌های هوش مصنوعی و استفاده نوآورانه از هوش مصنوعی در آموزش را تعیین می‌کند. هدف از این سطح، پرورش معلمان خبره‌ای است که برای کاربرد قابل توجه هوش مصنوعی در تدریس و یادگیری صلاحیت‌های لازم را دارند.

این پنج جنبه و سه سطح پیشرفت، نقشه راه توسعه حرفه‌ای معلمان را تشکیل می‌دهند. در جدول ۱ چهارچوب پیشنهادی یونسکو برای شایستگی‌های هوش مصنوعی معلمان نشان داده شده است (Miao & Cukurova, 2024). لازم به ذکر است، این چهارچوب برای معلمان متخصص هوش مصنوعی نیست، بلکه به‌صورت عمومی کلیه معلمان را در نظر می‌گیرد.

جنبه‌ها ^۲	پیشرفت ^۳		
	کسب‌کردن ^۴	عمیق‌شدن ^۵	آفریدن ^۶
۱. ذهنیت انسان‌محور	عملیات انسان	پاسخ‌گویی انسان	مسئولیت‌پذیری اجتماعی
۲. اخلاق هوش مصنوعی	اصول اخلاقی	استفاده ایمن و مسئولیت‌پذیر	هم‌آفرینی قوانین اخلاقی
۳. مبانی و کاربردهای هوش مصنوعی	فن‌ها و کاربردهای پایه‌ای هوش مصنوعی	مهارت‌های کاربردی	آفرینش با استفاده از هوش مصنوعی
۴. آموزش هوش مصنوعی	آموزش به کمک هوش مصنوعی	یکپارچه‌سازی یادگویی - هوش مصنوعی	تحول آموزشی یا هوش مصنوعی
۵. هوش مصنوعی برای توسعه حرفه‌ای	هوش مصنوعی در خدمت یادگیری حرفه‌ای مادام‌العمر	ارتقای یادگیری سازمانی با هوش مصنوعی	پشتیبانی از تحول حرفه‌ای با هوش مصنوعی

جدول ۱. چهارچوب پیشنهادی یونسکو برای شایستگی‌های هوش مصنوعی معلمان

✱ شرح مختصر بخش‌های ماتریس دوبعدی

ماتریس‌های دوبعدی حاصل از جنبه و سطح پیشرفت شایستگی را در سه بخش پنج‌قسمتی تشریح می‌کنیم. لازم به ذکر است، پیشرفت معلمان به‌احتمال زیاد از یک توالی هم‌زمان در هر پنج جنبه پیروی نخواهد کرد، چرا که برای مثال ممکن است معلمی در جنبه مبانی و کاربردهای هوش مصنوعی در سطح آفریدن به پیشرفت‌های خوبی برسد، اما در جنبه توسعه حرفه‌ای چندان موفق نباشد و در سطح پایه (کسب‌کردن) باقی بماند.

✱ جنبه‌های سطح پیشرفت کسب‌کردن

عاملیت انسان: درک دقیق اینکه هوش مصنوعی انسان‌محور است و تصمیم‌های سازمانی و فردی سازندگان هوش مصنوعی بر استقلال و حقوق انسان تأثیر عمیقی دارد. این درک مهم، بر آگاهی از اهمیت عاملیت انسان در هنگام ارزیابی و استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی دلالت دارد.

نمونه مصداقی شایستگی: معلمان با در نظر گرفتن اینکه هوش مصنوعی ساخت انسان و برای انسان است، ابزارهایی را که برای مخاطبان خاصی ممنوع و غیرمفید است، مانند چت‌چی‌پی‌تی^۷، که تمرین‌ها را حل می‌کند و قدرت تفکر و حل مسئله را از دانش‌آموز می‌گیرد، بشناسند.

اصول اخلاقی: توسعه درک پایه‌ای از مسائل اخلاقی معمول مربوط به هوش مصنوعی و تعاملات انسان-هوش مصنوعی در ارتباط با حفاظت از حقوق بشر، داده‌های شخصی، مسائل انسانی، تنوع زبانی و فرهنگی و حمایت از پایداری محیط‌زیست.

نمونه مصداقی شایستگی: حذف ابزارهایی از برنامه درسی که ناقض حریم خصوصی یا دارای تعصب، سوگیری فرهنگی و بی‌توجهی به مسائل فرهنگی باشند.

فن‌ها و کاربردهای پایه‌ای هوش مصنوعی: کسب دانش پایه در مورد اینکه فناوری هوش مصنوعی چیست و مدل‌های هوش مصنوعی چگونه آموزش داده می‌شوند. دانش مرتبط با داده‌ها و الگوریتم‌ها. دسته‌بندی‌های اصلی فناوری‌های هوش مصنوعی و مثال‌های هر کدام. همچنین، ظرفیت اساسی ارزیابی مناسب بودن ابزارهای هوش مصنوعی خاص برای آموزش و استفاده از ابزارهای معتبر هوش مصنوعی. **نمونه مصداقی شایستگی:** استفاده از چند مدل زبانی هوش مصنوعی مثل چت‌چی‌پی‌تی یا جمنا^۸ برای یافتن پاسخ سؤال‌های خود.

آموزش به کمک هوش مصنوعی: شناسایی استفاده از مزیت‌های آموزشی ابزارهای هوش مصنوعی برای تسهیل برنامه‌ریزی، تدریس و ارزیابی موضوع‌ها به همراه کاهش خطر.

نمونه مصداقی شایستگی: توانایی طراحی و ارائه آموزش مناسب با استفاده از مثال به کمک هوش مصنوعی تکمیل^۹.

هوش مصنوعی در خدمت یادگیری حرفه‌ای مادام‌العمر: بررسی استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی برای افزایش توسعه حرفه‌ای و شیوه‌های بازتاب یا به‌کارگیری آن‌ها، ارزیابی نیازهای یادگیری و شخصی‌سازی مسیرهای یادگیری در حال تحول.

نمونه مصداقی شایستگی: شرکت در دوره‌های توانمندسازی معلمان برای کاربرد هوش مصنوعی در آموزش، مثل هوش مصنوعی دستیار تدریس

پی‌نوشت‌ها

- Artificial intelligence + teacher
- Aspects
- Progression
- Acquire
- Deepen
- Create
- ChatGPT
- Gemini
- Teachmateai
- Eduaide.Ai
- Grammarly

۱۲. Deepfake جعل عمیق یک فن مبتنی بر یادگیری عمیق است که برای تولید یا دستکاری تصاویر، ویدئوها و صداها به گونه‌ای طراحی شده است که به نظر می‌رسد واقعی هستند، اما در واقع جعلی‌اند

13. Diffit

14. Perplexity

منابع

- Delcker, J., Heil, J., & Ifenthaler, D. (2024). Evidence-based development of an instrument for the assessment of teachers' self-perceptions of their artificial intelligence competence. Educational technology research and development, 1-19. <https://doi.org/10.1007/s11423-024-10418-1>
- Jugo, G., & Bai, A. (2024). Opportunities for the Professional Development of Teachers in Digital Competences Related to the Use of Artificial Intelligence in Education in Croatia. In International Conference on Digital Transformation in Education and Artificial Intelligence Application (pp. 97-109). Cham: Springer Nature Switzerland. https://doi.org/10.1007/978-3-031-62058-4_8
- Miao, F., & Cukurova, M. (2024). AI competency framework for teachers. UNESCO Publishing. <https://doi.org/10.54675/ZJTE2084>
- Si, L., & Zhong, S. (2023). Research of Artificial Intelligence Empowering Teachers ICT Competence of Rural Area in China. In International Conference on Artificial Intelligence in Education Technology (pp. 310-322). Singapore: Springer Nature Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-99-7947-9_23
- <https://eduhightech.com/technology-training/artificial-intelligence-in-education/artificial-intelligence-teaching-assistant>

ارتقای یادگیری سازمانی با هوش مصنوعی: استفاده آگاهانه از ابزارهای هوش مصنوعی برای مشارکت مناسب در جامعه‌های یادگیری حرفه‌ای، استفاده از آن برای به اشتراک گذاشتن منابع، مشارکت در یادگیری همتا به همتا و کمک به سازگاری پویا.

نمونه مصداقی شایستگی: در یک دوره آموزشی معلم قادر باشد با استفاده از ابزار هوش مصنوعی پربلکستی^{۱۲} منابع و اطلاعات تکمیلی مربوط به دوره را دریافت کند و بین همکاران به اشتراک بگذارد.

جنبه‌های سطح پیشرفت آفریدن

مسئولیت‌پذیری اجتماعی: مشارکت فعال در ساخت جامعه‌های فراگیر مبتنی بر هوش مصنوعی، با تکیه بر درک انتقادی از پیامدهای آن برای هنجارهای اجتماعی؛ و ترویج طراحی و به کارگیری هوش مصنوعی به منظور افزایش رفاه و تحقق عدالت اجتماعی.

نمونه مصداقی شایستگی: ایده پردازی با نگارش مقاله‌هایی درباره نحوه ارتقای رفاه اجتماعی با استفاده از هوش مصنوعی.

هم آفرینی قوانین اخلاقی: رعایت اصول اخلاقی هوش مصنوعی از طریق حمایت و همدلی انتقادی، هدایت بحث‌ها و اقداماتی که به نگرانی‌های اخلاقی، اجتماعی و زیست محیطی، از طراحی تا استفاده از هوش مصنوعی، می‌پردازد و به ایجاد استانداردهای اخلاقی برای فعالیت‌های هوش مصنوعی در آموزش کمک می‌کند.

نمونه مصداقی شایستگی: تدوین منشور اخلاقی و ایفای نقش فعال در راه‌اندازی پویش‌های اطلاع‌رسانی در زمینه اخلاق هوش مصنوعی برای معلمان.

آفرینش با استفاده از هوش مصنوعی: سفارشی‌سازی یا اصلاح ابزارهای هوش مصنوعی، استفاده از دانش و مهارت‌های مفهومی پیشرفته برای ایجاد محیط‌های یادگیری فراگیر به کمک هوش مصنوعی و پرداختن به چالش‌های گسترده‌تر در زمینه‌های آموزشی.

نمونه مصداقی شایستگی: همکاری با گروهی از مهندسان برای ساخت ابزار هوش مصنوعی با کاربری آموزشی در رشته موردنظر بر اساس نیاز معلمان و مدرسه‌ها.

تحول آموزشی با هوش مصنوعی: ارزیابی انتقادی تأثیر هوش مصنوعی بر آموزش، یادگیری و ارزیابی، برنامه‌ریزی و تسهیل سناریوهای یادگیری مبتنی بر هوش مصنوعی برای حمایت از یادگیری، تفکر انتقادی و حل مسئله در میان دانش‌آموزان و کشف مداوم نوآوری آموزشی.

نمونه مصداقی شایستگی: بازکردن افق‌های آموزشی جدید با نگارش کتاب در مورد کاربرد هوش مصنوعی در تعلیم و تربیت.

پشتیبانی از تحول حرفه‌ای با هوش مصنوعی: سفارشی‌سازی و اصلاح ابزارهای هوش مصنوعی برای افزایش توسعه حرفه‌ای آن‌ها، آزمایش و اعتبارسنجی مداوم راهبردهای استفاده مؤثر از هوش مصنوعی برای رفع نیازهای توسعه حرفه‌ای متحول‌کننده خود و جامعه شغلی.

نمونه مصداقی شایستگی: برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی کاربرد هوش مصنوعی برای توسعه حرفه‌ای معلمان.

به امید روزی که تمام معلمان این مرز و بوم به حد اعلا جنبه‌های شایستگی در سطح آفریدن برسند و آموزش و یادگیری را در مدرسه‌ها متحول کنند.*

اجوای‌آی‌دی‌ای^{۱۰} که یک سکوی (پلتفرم) مبتنی بر هوش مصنوعی است و به معلمان کمک می‌کند برنامه‌های درسی، طرح درس، منابع آموزشی و ارزیابی‌ها را ایجاد کنند.

جنبه‌های سطح پیشرفت عمیق شدن

پاسخگویی انسان: درک عمیق‌تر از مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی و اراده انسان در به کارگیری و استفاده صحیح از هوش مصنوعی را نشان می‌دهد.

نمونه مصداقی شایستگی: معلمان باید در تصمیم‌گیری‌های خود در تعیین مناسب بودن ابزارهای هوش مصنوعی در تدریس، طراحی روش‌های آموزشی متناسب با سن و تعامل انسانی پاسخگو باشند. برای مثال، معلمی که به دانش‌آموزان توصیه می‌کند از ابزار گرامرلی^{۱۱} استفاده کنند تا نوشته‌هایی واضح و بدون اشتباه داشته باشند و دستور، املا، سبک، لحن و موارد دیگر را در متن اصلاح کنند، باید دلایل محکمی برای این کار داشته باشد که به یادگیری و قدرت تفکر دانش‌آموزان آسیب نرساند.

استفاده ایمن و مسئولیت‌پذیر: قوانین اخلاقی ضروری برای استفاده ایمن و مسئولانه از هوش مصنوعی، از جمله احترام به حریم خصوصی، حقوق مالکیت فکری و همچنین سایر مقررات قانونی را هنگام ارزیابی و استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی و محتوای تولیدشده با آن در آموزش درونی‌سازی می‌کند.

نمونه مصداقی شایستگی: تشخیص محتوای جعلی عمیق^{۱۲} و آگاه‌سازی دانش‌آموزان.

مهارت‌های کاربردی: بهره‌برداری حرفه‌ای از ابزارهای هوش مصنوعی پذیرفته‌شده در محیط‌های آموزشی، تعمیق دانش و درک بخش‌های فناوری‌های هوش مصنوعی و همچنین داده‌ها و الگوریتم‌های مرتبط با آموزش.

نمونه مصداقی شایستگی: استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی دیفیت^{۱۳} برای تولید محتوای درس‌نامه.

یکپارچه‌سازی پداگوژی-هوش مصنوعی: ادغام هوش مصنوعی در تعلیم و تربیت، طراحی و تسهیل شیوه‌های تدریس یادگیرنده‌محور به منظور حمایت از یادگیری و افزایش تعاملات دانش‌آموز-معلم با هدف ارتقای مهارت‌های همدلی، تفکر انتقادی و حل مسئله.

نمونه مصداقی شایستگی: استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در ابعاد گوناگون تعلیم و تربیت، مثل مدیریت آموزشی، طراحی آموزشی، تولید محتوا، طراحی آزمون، اجرای تدریس و ارزشیابی آموزشی، به نحوی که تفکیک هوش مصنوعی و آموزش غیر ممکن به نظر برسد.

کلامی گه

* چکیده

در فرایند یادگیری، نقش معلم به عنوان تسهیل کننده و راهنما اساسی است. جذابیت کلامی و غیرکلامی معلمان می تواند بر انگیزه مشارکت و نگرش دانش آموزان نسبت به یادگیری تأثیر قابل توجهی داشته باشد. در مقاله حاضر این تأثیرات و ارتباط بین مهارت‌های تعاملی معلمان و توسعه مهارت‌های اجتماعی و عاطفی دانش آموزان را بررسی می کنیم و با استفاده از نظرات کارشناسان، مثال‌های عینی و نمونه‌های حقیقی، نشان می دهیم معلمان چگونه می توانند با بهبود مهارت‌های ارتباطی خود، انگیزه و نگرش مثبت دانش آموزان را تقویت کنند.

* مقدمه

توانایی معلم با مدیر در برقراری ارتباط مؤثر، نه تنها یک مهارت، بلکه سنگ بنای فرایند آموزش و پرورش است. تأثیرگذاری بر انگیزه، مشارکت و یادگیری دانش آموزان به طور مستقیم با «جذابیت ارتباطی» فرد مسئول گره خورده است. این جذابیت شامل دو بعد حیاتی است: جذابیت کلامی (آنچه می گوییم) و جذابیت غیرکلامی (چگونه می گوییم و رفتار می کنیم). موفقیت در کلاس درس در گرو درک عمیق این ابعاد و کاربرد هوشمندانه آن‌هاست.

از طرف دیگر، یادگیری فرایندی پیچیده و چندوجهی است که تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد. یکی از این عوامل، نحوه ارتباط معلمان با دانش آموزان است. دانیل گولمن در کتاب «هوش هیجانی» بیان می کند که «توانایی برقراری ارتباط مؤثر با دیگران یکی از کلیدهای موفقیت در هر زمینه‌ای است». این جمله نشان دهنده اهمیت جذابیت کلامی و غیرکلامی در فرایند یادگیری است.

جذابیت کلامی شامل توانایی بیان مفاهیم به صورت واضح و مؤثر است، در حالی که جذابیت غیرکلامی به زبان بدن، حرکت‌ها و حالت‌های چهره اشاره دارد. در این مقاله چگونگی تأثیر این دو نوع جذابیت بر انگیزه مشارکت و نگرش دانش آموزان نسبت به یادگیری را بررسی می کنیم.

۱. جذابیت کلامی: انتخاب کلمه‌ها و سبک بیان

جذابیت کلامی شامل لحن صدا، انتخاب واژگان، سرعت صحبت، وضوح گفتار و استفاده مؤثر از ابزارهای زبانی است. کلام معلم باید فراتر از انتقال اطلاعات، اشتیاق را به موضوع تزریق کند و ذهن دانش آموز را به چالش بکشد.

/ مؤلفه‌ها و نمونه‌های عملی:

/ وضوح بیان: توانایی انتقال اطلاعات به صورت قابل فهم و شیوا.
/ تغییر لحن و تنوع صدا: برای جلوگیری از خستگی و جلب توجه به نکات کلیدی، معلم باید از یکنواختی بپرهیزد. برای مثال، هنگام بیان یک کشف علمی مهم یا یک قانون بنیادین، تغییر ناگهانی لحن از آرام به هیجان زده، توجه دانش آموزان را به آن نکته متمرکز می کند.

/ استفاده از حکایت‌ها و قصه‌ها: برای فعال سازی نیمکره راست مغز و تقویت حافظه بلندمدت، استفاده از روایت‌های جذاب ضروری است. برای مثال، شروع تدریس یک فصل جدید تاریخ یا ادبیات با یک داستان کوتاه یا حکایت مرتبط، زمینه ذهنی لازم برای یادگیری را فراهم می آورد.

۲. جذابیت غیرکلامی:

زبان بدن. قوی ترین پیام

جذابیت غیرکلامی شامل زبان بدن، تماس چشمی، حالت‌های چهره و نحوه استفاده از فضاست و غالباً قدرتمندتر از کلام عمل می کند. این بعد، حس اعتماد



عکاس: عباس عاشوری

/ پرسش‌های تفکربرانگیز (سقراطی):

معلم باید پرسش‌ها را طوری طرح کند که دانش آموز را به تفکر عمیق وادارد. به جای پرسش‌های مبتنی بر حافظه (چه کسی پایتخت را بنا کرد؟)، باید پرسید: «اگر شما به جای آن پادشاه بودید، با توجه به منابع محدود، چه تصمیمی می گرفتید و چرا؟»

/ استفاده از واژگان مثبت و تشویقی: جمله‌های

معلم باید به طور پیوسته انگیزه درونی دانش آموزان را تقویت کند. استفاده از عبارت‌هایی مانند: «ایده فوق العاده‌ای است!»، «همین مسیر درسته، ادامه بده!»، یا «قدر تلاشت برای حل این مشکل را می دانم»، به طور مستقیم بر عزت نفس می افزاید. توانایی معلم در بیان مطالب به صورت واضح، گیرا و متناسب با نیازهای دانش آموزان، هنر جذاب آموزش است.

نقش تعاملات کلامی و غیرکلامی در ایجاد فضای یادگیری

«هرا سادات الطافی»
کارشناس فرهنگی و فعال رسانه‌ای،
دکترای مدیریت رسانه

مشارکت

می‌سازد

/ تأثیر بر انگیزه: از انگیزه بیرونی تا انگیزه درونی
جذابیت ارتباطی معلم باید بر تبدیل انگیزه بیرونی (مانند ترس از نمره پایین) به انگیزه درونی (مانند علاقه به یادگیری) متمرکز باشد. این فرایند از طریق ایجاد حس ارتباط، شایستگی و خودمختاری در دانش‌آموزان انجام می‌شود.

/ ایجاد حس ارتباط و تعلق: معلمان و مدیران جذاب این پیام را به دانش‌آموز می‌دهند که جایگاه تو در این مدرسه مهم است. به عنوان نمونه، مدیر مدرسه می‌تواند در مراسم صبحگاهی، با قامتی متین اما چهره‌ای متبسم (غیرکلامی)، حس امنیت را القا و در سخنان کلامی خود، حتی در زمان تذکر انضباطی، از عبارت‌هایی استفاده کند که پشتیبانی و حمایت مدرسه را منتقل کند، نه فقط سرزنش.

معلم نیز باید نام دانش‌آموزان را با لفظ‌هایی شایسته و عزت‌آفرین صدا بزند و از کلمه‌هایی استفاده کند که تفاوت‌های فردی آن‌ها را به رسمیت بشناسد: «روش حل مسئله تو بسیار نوآورانه بود.» (جذابیت کلامی). تحقیقات نشان می‌دهند، معلمان با مهارت‌های ارتباطی قوی می‌توانند بر انگیزه دانش‌آموزان بیفزایند. وقتی معلم توانایی بیان مفاهیم و انتقال صحیح را داشته باشد، دانش‌آموزان بیشتر تمایل دارند در کلاس مشارکت کنند.

/ پرسش‌های تعاملی: طرح سؤال‌هایی که به تفکر و پاسخ‌دهی نیاز دارند، می‌تواند بر مشارکت بیفزاید. بعلاوه سطح معلومات دانش‌آموزان، افکار و حس آن‌ها نسبت به موضوع آموزش را نشان می‌دهند.

/ تأثیر جذابیت تعاملی بر نگرش دانش‌آموزان
زبان بدن معلم می‌تواند احساسات مثبتی را منتقل کند که بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به یادگیری تأثیر می‌گذارند. وقتی معلم با انرژی و اشتیاق در کلاس حاضر شود، این احساس به دانش‌آموزان منتقل می‌شود. برای مثال:

/ حرکات مثبت: معلمانی که با حرکات‌های دست و چهره شاداب سخن می‌گویند، معمولاً دانش‌آموزان را بیشتر جذب می‌کنند.

/ تماس چشمی: حفظ تماس چشمی با دانش‌آموزان حس اعتماد را تقویت و آن‌ها را به مشارکت تشویق می‌کند.

/ تأثیر افزایش تعاملات بر یادگیری
/ ایجاد فضای یادگیری مثبت:
جذابیت کلامی معلم می‌تواند فضایی مثبت برای یادگیری ایجاد کند. وقتی معلمان با انرژی و اشتیاق صحبت می‌کنند، این

(حتی برای پاسخ‌های نیمه‌درست) از اضطراب دانش‌آموز می‌کاهد و حس پذیرش را تقویت می‌کند.

/ حرکت در فضای کلاس: حرکت کردن بین ردیف‌ها هنگام تدریس، فضای رسمی و کسل‌کننده را می‌شکند. لحظه‌ای توقف کنار میز دانش‌آموزی که با تمرکز مشغول کار است، یک پیام غیرکلامی قوی مبنی بر توجه و پشتیبانی ارسال می‌کند.

/ بهره‌مندی از فضای فیزیکی: نحوه چیدمان کلاس و ایجاد فضایی دلپذیر از جمله چیدمان یو شکل یا گروهی دانش‌آموزان، در فضای آموزش تعامل تصاعدی ایجاد خواهد کرد.

* تأثیر جذابیت کلامی و غیرکلامی بر انگیزش در یادگیری

پس از آشنایی اجمالی با موارد فوق که البته در شماره‌های پیشین به تفصیل بررسی شده است، به سراغ بحث اصلی، یعنی تأثیر این توانمندی‌ها بر مشارکت در یادگیری می‌رویم. این تأثیرات دایره وسیعی از تعاملات را شامل می‌شوند که به چند مورد مهم اشاره می‌کنیم:

و امنیت روانی را در کلاس ایجاد می‌کند؛ همان‌گونه که جان دیویی معتقد است، «آموزش باید تجربی باشد.» بخشی از این تجربه‌ها شامل تعاملات مثبت بین معلم و دانش‌آموزان هستند که تحت تأثیر جذابیت‌های غیرکلامی قرار دارند.

/ مؤلفه‌ها و نمونه‌های عملی:

/ تماس چشمی فعال و فراگیر: معلم باید هنگام صحبت یا گوش دادن، نگاه خود را به صورت عادلانه و چرخشی بین همه دانش‌آموزان (حتی ردیف‌های انتهایی) بچرخاند تا به همه حس اهمیت فردی را منتقل و از حواس پرتی جلوگیری کند.

/ استفاده از حالت (ژست)‌های باز و پویا: استفاده از دست‌های باز هنگام توضیح، اعتمادبه‌نفس و شفافیت را منتقل می‌کند، در حالی که قراردادن دست‌ها در جیب یا قفل کردن بازوها، فضایی بسته و تدافعی ایجاد می‌کند.

/ حالت‌های چهره (لبخند و

تأیید): هنگام گوش دادن به پاسخ دانش‌آموزان، یک لبخند ملایم یا تکان دادن سر به نشانه تأیید



نبی اله اشکیود

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

سیده حمیده سیدیان

آموزگار چندپایه دبستان دولتی

زرین آباد سفلی

موسی بنی اسد

آموزگار چندپایه دبستان دولتی

زرین آباد سفلی

❁ مقدمه

در دنیای امروز رشد علم و ظهور فناوری‌ها موجب شده است نظام آموزشی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شود. کشورهای توسعه‌یافته بر این باورند که یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت آن‌ها، توجه خاص و ویژه به نظام توسعه سرمایه انسانی است که معلمان در رأس توجه این نظام قرار دارند (Spino, 2020). معلم محور هرگونه تحول در نظام آموزشی است و سرمایه‌گذاری برای تربیت معلم یا افزایش توانمندی‌های معلمان، نه فقط موجب پیشرفت نظام آموزشی، بلکه در توسعه و پیشرفت همه‌جانبه جامعه نیز مؤثر خواهد بود (ابراهیم و

احساس به دانش‌آموزان منتقل می‌شود و آن‌ها را به یادگیری بیشتر تشویق می‌کند. به عنوان مثال عملی، این نمونه‌ها قابل تأمل هستند.

❁ استفاده از فن‌های متنوع آموزشی: معلمان می‌توانند برای جلب توجه دانش‌آموزان از روش‌هایی مانند بحث گروهی، کارگاه‌های عملی و بازی‌های آموزشی استفاده کنند. ❁ بازخورد مثبت: دادن بازخورد مثبت به دانش‌آموزان، بر اعتمادبه‌نفس و تمایل آن‌ها به مشارکت می‌افزاید.

❁ تقویت ارتباط عاطفی در سایه‌سار تعاملات آموزشی

زبان بدن معلم می‌تواند ارتباط عاطفی قوی‌تری با دانش‌آموزان برقرار کند. حرکات مثبت و حالت‌های چهره می‌توانند احساس امنیت و اعتماد را در دانش‌آموزان ایجاد کنند. برای مثال، حرکت به سمت دانش‌آموزان و نزدیک شدن به آن‌ها هنگام صحبت کردن (بدون لمس مستقیم) می‌تواند حسن نزدیکی و ارتباط بیشتری ایجاد کند.

❁ نتیجه‌گیری

در پایان یادآوری این نکته ضروری است که معلم صرفاً انتقال‌دهنده اطلاعات نیست، بلکه رهبر ارتباطی است که مهارت‌های کلامی و غیرکلامی‌اش نقشی محوری در پویایی و مشارکت کلاس ایفا می‌کند. جذابیت کلامی (شامل لحن پرانرژی، صدای رسا، استفاده مؤثر از شوخ طبعی و قدرت قصه‌گویی) باعث می‌شود مطالب درسی از حالت خشک و انتزاعی خارج و برای دانش‌آموزان معنادارتر و قابل دسترس شوند. این شرایط به طور مستقیم بر سطح مشارکت کلامی (پرسشگری، بحث و ارائه نظر) می‌افزاید، زیرا معلم با بیان شیوا، کنجکاوی و انگیزه درونی برای سخن گفتن را در دانش‌آموز بیدار می‌کند. در بُعد دیگر، جذابیت غیرکلامی (مانند تماس عادلانه چشمی، لبخند مداوم، حالت‌های باز و مثبت، و تحرک هدفمند در کلاس) نوعی زیرساخت حیاتی برای یادگیری فعال ایجاد می‌کند؛ این رفتارها امنیت روانی را در محیط کلاس بالا می‌برند و به دانش‌آموز پیام می‌دهند که مورد احترام و پذیرش است. در نتیجه، ترس از قضاوت و خطا کردن، که بزرگ‌ترین مانع مشارکت است، کاهش می‌یابد و حتی دانش‌آموزان خجالتی نیز جرئت می‌کنند در فعالیت‌ها و بحث‌ها شرکت کنند.

در نهایت، مهم‌ترین نکته، هم‌افزایی این دو عامل است: معلمانی که قادرند محتوای جذاب را با زبان بدن پویا و پذیرنده ترکیب کنند، در تبدیل کلاس به فضای تبادل فعال و دوطرفه بیشترین بازدهی را دارند و البته انتظار می‌رود نظام آموزشی نیز برای ارتقای این مهارت‌ها در تربیت و آموزش ضمن خدمت معلمان سرمایه‌گذاری کند. ❁

منابع

۱. دانیل گولمن. هوش هیجانی. ترجمه غلام‌حسین مازندرانی (۱۴۰۲). انتشارات آرایان. تهران.
۲. جان دیویی. تجربه و آموزش. ترجمه سید اکبر میرحسینی (۱۳۷۰). مرکز ترجمه و نشر. تهران.
۳. علی اکبر حسن‌زاده (۱۳۹۰). مهارت کلامی در ارتباط مؤثر. نشر پلک. تهران.



معلم

مدیر

آینده

بررسی شاخص‌های
شایستگی دیجیتال و ضرورت
توانمندسازی معلمان در
مواجهه با تحولات فناورانه

همکاران، ۱۴۰۰: ۲۲۶). اما نظام آموزش و پرورش زمانی می‌تواند از این سرمایه ارزشمند خویش استفاده کند که شایسته‌ترین معلمان را داشته باشد تا بتواند رسالت خود را که همان تعلیم و تربیت صحیح و همگانی است، به‌طور مطلوب به انجام برساند (تنها و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۰۷). بنابراین، به کار گماردن توانمندترین و شایسته‌ترین افراد به حرفه معلمی، حیاتی‌ترین مسئله در نظام تعلیم و تربیت است (تقیه و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۲۲).

این موضوع با توجه به رشد تغییرات آموزشی مبتنی بر به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات، اهمیت بیشتری نیز یافته است. در واقع، با توجه رشد و پیشرفت فناوری‌های دیجیتال آموزشی و استفاده از آن‌ها در حوزه‌های گوناگون همچون تدریس، معلم باید شایستگی‌ها و مهارت‌های لازم را برای به‌کارگیری این روش آموزشی داشته باشد. این شایستگی‌ها که به شایستگی‌های دیجیتال معلمان تعریف شده‌اند، در سال‌های اخیر، در نتیجه جامعه و محیط کار مبتنی بر فناوری، به‌مرکز اصلی سیاست‌های آموزشی تبدیل شده‌اند (پارسانیان و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۹). شایستگی دیجیتال شامل مجموعه‌ای از مهارت‌ها، دانش، نگرش‌ها و راهبردهاست که شهروندان را قادر می‌سازد از فناوری‌های دیجیتالی به‌گونه‌ای اخلاقانه، انتقادی، معنادار و مسئولانه در تمامی زمینه‌های زندگی استفاده کنند (Kargar, 2022). شایستگی دیجیتال شامل استفاده مطمئن از فناوری اطلاعات، تبادل اطلاعات و ارتباطات و مشارکت از طریق شبکه‌های اینترنتی است. بنابراین آشنایی معلمان با شایستگی‌ها به استفاده و بهره‌برداری از این مهارت‌ها و همچنین کسب و تقویت آن می‌انجامد (Dorotheos Karsiani, 2022). اگر معلمان در آموزش شایستگی دیجیتالی کافی را نداشته باشند، نمی‌توانند فعالیت‌های کلاسی را به‌درستی پیش ببرند و دانش لازم را به دانش‌آموزان منتقل کنند (زارع و جوادی‌پور، ۱۴۰۱: ۱۷۶).

با توجه به مطالب یادشده، برای رسیدن به وضعیت مطلوب و پیش‌بینی آینده‌ای روشن در حوزه آموزش و پرورش، عوامل زیادی باید تغییر پیدا کنند؛ نظیر دانش‌آموز، معلم، خانواده و فرهنگ جامعه. ولی چیزی که بیش از همه باید به آن توجه شود، معلم است. زیرا دانش‌آموز به‌طور مستقیم تحت تأثیر معلم قرار دارد و اگر قرار باشد به معلم بها داده نشود، در واقع به آینده‌سازان یک کشور بها داده نشده است. بنابراین، معلمان در این عصر که سرشار از فناوری‌های نوین در حوزه آموزش



دانش آموزان است، باید از شایستگی های مطلوبی برخوردار باشند تا به واسطه آن بتوان زمینه بهبود عملکرد دانش آموزان را فراهم کرد. این امر می طلبد ابتدا شایستگی های موجود معلمان را بررسی و با استفاده از داده ها، نسبت به بهبود وضع موجود تلاش کرد. لذا برای شایستگی های دیجیتال معلمان باید معیارهای دقیق و مشخصی طراحی شوند. رسیدن به این مهم جز با مطالعات دقیق و همه جانبه موضوع میسر نمی شود. اما سوال آن است که معیارهای شایستگی های دیجیتال

معلمان چیست؟ پاسخ به این سوال می تواند بستر رشد کیفیت آموزش و همچنین تحقق اهداف نظام آموزشی را فراهم کند. بر این اساس، این پژوهش درصدد پاسخ به این سوال کلی است که شایستگی های دیجیتال معلمان در عصر دیجیتال کدام اند؟ با توجه به ارزیابی های به عمل آمده از طریق

نتیجه گیری

تسلط بر نرم افزارهای مرتبط با یادگیری دیجیتال، سطح مهارت تدریس در محیط مجازی، توانایی ارائه بازخورد به دانش آموزان، تسلط بر محتوای آموزشی ارائه شده، سطح مهارت های آی سی دی ال و اینترنت، آشنایی با اصطلاحات دیجیتال، آشنایی با دستگاه های جانبی، آشنایی با سخت افزار و نرم افزار، تسلط بر نرم افزارها و پشتیبانی فناوریانه، تعهد الکترونیکی، تسلط بر محتوای آموزشی، توانایی استفاده از نرم افزارهای آموزش برخط، یافتن منابع برای پشتیبانی از فناوری، توانایی طراحی فرایند آموزش دیجیتال، توانایی ایجاد فعالیت تیمی و گروهی، تهیه برنامه درسی با توجه به ویژگی های کلاس برخط، طراحی فعالیت های یادگیری، شناسایی نیازهای دیجیتال، شناسایی شکاف های دیجیتال، توانایی راهنمایی یادگیرندگان برای حل مسائل، توانایی استفاده از پایگاه اطلاعاتی، ارتقای مهارت دیجیتال یادگیرنده

فردی



کلاسی



محتوایی



عاطفی



شایستگی های دیجیتال

توانایی مدیریت و تشویق دانش آموزان، توانایی مدیریت آموزش دیجیتال، زیر نظر گرفتن فعالیت ها و تعاملات دانش آموزان، توانایی مدیریت زمان، تعیین چهارچوب و قوانین کلاسی، کنترل و نظم کلاس، هدایت کلاس درس برخط، ارائه توضیحات روشن در مورد اهداف و تکالیف هر دوره، رشد انگیزه فراگیرندگان در محیط یادگیری دیجیتال، توانایی ایجاد فضاهای بحث و گفت و گو، مهارت برگزاری آزمون برخط، ارزشیابی فرایند یادگیری دیجیتال، تعامل و مذاکره دیجیتال، پاسخ دهی به موقع به بحث ها و تکالیف دانش آموزان، فعالیت تیمی دیجیتال، خلاقیت و نوآوری دیجیتال.

سازمان دهی محتوای الکترونیکی، مدیریت منابع الکترونیکی، تشخیص منابع معتبر و غیرمعتبر، طراحی و توسعه مواد آموزشی دیجیتال، اعتبارسنجی اطلاعات، ارزیابی محتوا و مطالب آموزشی، تولید و تغییر منابع دیجیتال.

تعهد و احساس مسئولیت در قبال دانش آموزان، پشتیبانی از دانش آموزان شرکت کننده، توجه به تفاوت های فردی، احترام به دانش آموزان، تاثیر بر ناخود آگاه دانش آموزان، ترغیب دانش آموزان به تأمل و تفکر، داشتن صلاحیت های عاطفی در فرایند آموزش.

منابع

۱. ابراهیم، احترام؛ حیدری، محمدحسین؛ گلستانی، هاشم (۱۴۰۱). بررسی و نقد صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمی از منظر رویکرد پست‌مدرن با تأکید بر آرای هنری ژيرو، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۱۶۰-۱۷۷، (۸)۵.
۲. پارسائیان، مریم؛ ماندگاری، فاطمه؛ موسوی، لعلیا (۱۴۰۲). نقش میانجی معماری دانش منابع انسانی در رابطه بین شایستگی دیجیتال و عملکرد نوآورانه معلمان مقاطع ابتدایی شهرستان یزد، نشریه فناوری و دانش پژوهی در تعلیم و تربیت، (۱)۳.
۳. تقيه، نرجس؛ لیاقدار، محمدجواد؛ زمانی، بی‌بی‌عشرت (۱۴۰۰). بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان درس مهارت‌های زندگی در مقطع متوسطه بر اساس رویکرد ارزشیابی دانش‌آموزان، مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۱۴(۶).
۴. تنها، حدیثه؛ فتحی، لیلا؛ احقر، قدسی (۱۴۰۰). ارائه الگوی صلاحیت حرفه‌ای دبیران زن؛ فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۱۲(۱).
۵. زارع، سیده فاطمه؛ جوادی پور، محمد (۱۴۰۱). تجارب زیسته معلمان ابتدایی از شایستگی‌های دیجیتالی موردنیاز برای دوران پساکرونا: یک مطالعه پدیدارشناسی، مجله پژوهش‌های برنامه‌درسی، ۱۲(۲).
6. Dorostkarsiani, M, R. Nosrati Hashi, K. Ahmadi Hedayat, H (2022). Examining the lived experiences of virtual education of sixth grade teachers in Isfahan in the academic year of 2019-2022. Quarterly Journal of Research in Teacher Education, 5(1), 68-85.
7. Kargar Shouraki, M., Vares, H., & ghaffari, A. (2022). Digital Sustainability Competencies of Business Leaders to Implement Industry 4. 0. Iranian journal of management sciences, 17(67), 103-133.
8. Espino-Daz, L., Fernandez-Caminero, G., Hernandez-Lloret, C. M., Gonzalez-Gonzalez, H., & Alvarez-Castillo, J. L. (2020). Analyzing the impact of COVID-19 on education professionals. toward a paradigm shift: ICT and neuroeducation as a binomial of action. Sustainability, 12(14), 5646.

دانش‌آموزان را تشویق به یادگیری کنند. شایستگی بعدی، شایستگی محتوایی است. این شایستگی به شایستگی‌هایی از معلم مربوط است که به محتوای درس‌های ارائه‌شده اشاره دارد. در واقع، شایستگی محتوایی اذعان دارد که معلمان باید در حوزه محتوا و مطالب ارائه‌شده در کلاس‌های آموزش دیجیتال یا برخط مهارت داشته باشند تا بهترین و مناسب‌ترین محتوا ارائه شود. برخی از شایستگی‌های محتوایی شامل سازمان‌دهی محتوای الکترونیکی، مدیریت منابع الکترونیکی، تشخیص منابع معتبر و غیرمعتبر است. بدون شک، اگر معلم بر محتوا مسلط نباشد و نتواند آن را مدیریت کند، فرایند تدریس و یادگیری به‌درستی شکل نمی‌گیرد و سبب انتقال نادرست مفاهیم یا ضعف اطلاعاتی دانش‌آموزان می‌شود. در نهایت هم شایستگی‌های عاطفی قرار دارد که به جنبه‌های احساسی فرایند تدریس و یادگیری مربوط است. شایستگی عاطفی اذعان دارد، معلمان باید در عرصه دیجیتال همانند روش‌های سنتی نسبت به دانش‌آموزان احساس مسئولیت و از آن‌ها حمایت کنند. اگر این شایستگی‌ها در معلمان وجود نداشته باشند، ممکن است دانش‌آموزان از فرایند تدریس برخط دوری کنند. *

شایستگی‌های فردی به ویژگی‌هایی مربوط است که به معلم باز می‌گردند و او در حوزه آموزش‌های دیجیتال باید از آن‌ها بهره‌مند باشد. این شایستگی‌ها شامل تسلط بر نرم‌افزارهای مرتبط با یادگیری دیجیتال، سطح مهارت تدریس در محیط مجازی و غیره می‌شوند که معلم باید در رابطه با هر یک توانمند باشد تا بتواند تدریسی مؤثر و اثربخش را اجرایی کند. اگر معلمان به لحاظ فردی نتوانند از شایستگی‌های لازم برخوردار باشند، نمی‌توانند به‌طور کامل بر آموزش دیجیتال مسلط باشند و مطالب را به‌درستی ارائه کنند. شایستگی بعدی، شایستگی‌های کلاسی قرار دارد که به شایستگی‌هایی مربوط می‌شود که معلمان باید در کلاس درس از آن‌ها بهره‌مند باشند و برای مدیریت کلاس از آن‌ها استفاده کنند. این شایستگی‌ها شامل توانایی مدیریت و تشویق دانش‌آموزان، توانایی مدیریت آموزش دیجیتال و غیره است تا آن‌ها بتوانند برای کلاس‌های دیجیتال و برنامه‌ریزی کنند، زمان را مدیریت و



لحظه ای که

خطا

به می شود تبدیل فرصت

ایستادم و گفتم: خیلی زیبا کشیده شده است، خیلی. کاش امروز تخته را لازم نداشتیم و تا آخر زنگ بارها آن را می دیدم! حتی اگر این کاریکاتور را داشتم، خیلی خوش حال می شدم. با این همه باید تخته را پاک کنم. دست یکی از بچه ها بالا رفت: آقا اجازه! من آن را کشیده ام. اگر یک عکس ۴×۶ بدهید، در منزل خوشگل تر از این را هم می کشم.

دستی که بالا رفته بود، همان دانش آموزی بود که لحظه آخر ورودم به کلاس دود و سر جایش نشست؛ یعنی امید یگانه؛ کسی که کاریکاتور زیبایش را هنوز در منزل دارم. کلاس آن روز ما با بهره گیری از اصل تغافل، بدون کوچک ترین اضطراب و خلل، پیش رفت. سال ها بعد، از سر تصادف، اسم امید یگانه را به عنوان تصویرگر یک کتاب کودک دیدم. به ناشر زنگ زدم و با او صحبت کردم. خودش بود. می گفت ماجرای همان کاریکاتور من، او را به هنر گرافیک و تصویرسازی علاقه مند کرده و پس از تغییر موقعیت های کاری، از کشیدن کاریکاتور و طراحی جلد کتاب، به تصویرسازی برای کودکان رسیده است. بازار کار و درآمد خوبی هم دارد.

این بار لذت معلمی از طریق دانش آموزی که تصویرگر شده بود، به سراغم آمد. مثل همیشه چه لذت پر حلاوت و شیرینی!

بگوئید آن روز در کلاس کار خطای او را دیده اید و چون او را دانش آموز محترم و خوبی می دانید، چیزی نگفته اید. سپس از او می خواهید همواره مطابق شأن و جایگاه دانش آموزی خودش رفتار کند. در حال ورود به کلاس بودم. در کلاس باز بود. دانش آموزی که او را شناختم، با عجله گچ را پرت کرد و دوان دوان به سر جای خود رفت. تمام روی تابلو را کاریکاتور رنگی بسیار زیبایی از من پوشانده بود. آن روزها من تقریباً چاق بودم و در کشیدن کاریکاتورم، عناصر فراوانی بودند که می توانستند در اغراق تصویر، که ابزار اصلی کاریکاتور است، مورد استفاده قرار گیرند.

لحظه عجیبی بود. قدری مکدر شده بودم. می دانستم بچه ها هم حال خوشی ندارند؛ به ویژه دانش آموزی که در لحظه ورود به کلاس او را دیده بودم. می توانستم حتی اگر دانش آموز مذکور را ندیده بودم، به بچه ها بگویم: می دانم چه کسی این کاریکاتور را کشیده است. بیاید بیرون و خودش را معرفی کند. می توانستم همان دانش آموز و اگر کسی را ندیده بودم، فرد دیگری را قربانی کنم و حتی می توانستم بدترین نوع تنبیه یعنی جریمه گروهی را اعمال کنم، که یا مردانه می پذیرفتند یا یکی با ناجوانمردی، بیرون از کلاس، دوستش را لو می داد!

اصل تغافل به سراغم آمد و در همان جلسه هم جواب داد. آن روزها داشتن گوشی تلفن همراه شایع نشده بود. بردن دوربین عکاسی به مدرسه هم با سلام و صلوات و برنامه ریزی قبلی همراه بود. جلوی تخته

فرض کنید یکی از قواعد کلاس درستان این باشد که خوردن و آشامیدن در کلاس درس، تحت شرایط و در زمانی خاص آزاد، ولی جویدن آدامس غدغن باشد. در حین تدریس، دانش آموزی را می بیند که تکه بزرگی آدامس را در دهانش گذاشته و با سر و صدا مشغول جویدن آن است، ولی به غیر از شما، کسی از دانش آموزان متوجه این اقدام غیر متعارف او نیست. چه می کنید؟ تدریستان را قطع می کنید و به دانش آموز مذکور تذکر می دهید؟ او را از کلاس محروم می کنید؟ یا حتی حرف نامناسبی می زنید و خدای ناکرده آدامس جویدن او را با لطف کردن شتر مقایسه می کنید؟

همه این موارد وضعیت کلاس را بغرنج و بحرانی می کنند. شما با این رفتار به دست خود روند مثبت کلاس را بر هم می زنید.

یعنی یک رفتار نامناسب را در عمل نادیده بگیریم؟ خیر. اصل اساسی تغافل که از اصول مهم تعلیم و تربیت است، راه دیگری را پیشنهاد می کند. طبق این اصل، در لحظه وقوع خطا، خودتان را به غفلت می زنید و وانمود می کنید رفتار غلط را ندیده اید، ولی در یک موقعیت مقتضی، غلط بودن رفتار دانش آموز را به او یادآور می شوید. فرض کنید در حین تماشای یک مسابقه ورزشی یا یک نمایش دانش آموزی، از سر تصادف، کنار همان دانش آموز قرار می گیرید. حالا بهترین فرصت است که به او

* مقدمه: وقتی سکوت کنید... دیگر کافی نیست

سلام به همکاران عزیز و معلمان دغدغه‌مند. بیایید صادق باشیم؛ چالش‌های کلاس‌داری امروز از سطح «پر حرفی» و «شلوغی» فراتر رفته است. بسیاری از معلمان که قبلاً دغدغه «نظم عمومی» را داشتند، حالا با بحران‌های عمیق‌تری دست‌وپنجه نرم می‌کنند: دانش‌آموزی که در چشم معلم نگاه می‌کند و می‌گوید «خب که چی؟» دانش‌آموزی که آشکارا پر خاشگیری می‌کند، یا والدینی که به جای همکاری، طلبکارانه وارد دفتر مدرسه می‌شوند.

ما از سطح «همهمه» عبور کرده‌ایم و به هسته «بحران اقتدار» رسیده‌ایم. سؤال‌های امروز معلمان، فریاد کمک برای بازیابی جایگاه از دست‌رفته‌شان است: «اقتدارم را از دست داده‌ام و رویم باز شده!» «فن بیانم را مسخره می‌کنند!» «چطور با دانش‌آموز گستاخ برخورد کنم؟»

در این مقاله قرار نیست ۳۰ راهکار پراکنده ارائه دهیم که مثل مسکن موقتی عمل کنند. هدف ما این است که شما را از نقش «آتش‌نشان کلاس» (که دائم در حال دویدن برای خاموش کردن بحران‌های ناگهانی است) خارج و به «معمار کلاس» (که سامانه‌ای طراحی می‌کند تا بحران اصلاً رخ ندهد) تبدیل کنیم. برای این معماری، به سه ستون استوار نیاز داریم:

دکتر محمد نیرو
دکترای برنامه‌ریزی درسی

از «آتش‌نشان» به «معمار»

راهنمای عملی مواجهه معلمان با بحران‌های رفتاری دانش‌آموزان در کلاس درس





* ستون اول: معماری اقتدار (مهربان مقتدر)

پرتکرارترین سؤال در کارگاه‌های مدیریت کلاس این است: «چطور هم صمیمی باشیم و هم جذبه داشته باشیم؟» بسیاری از معلمان در تله‌ایک «دوگانه اشتباه» گرفتار می‌شوند:

معلم سخت‌گیر (دیکتاتور): نظم دارد، اما رابطه ندارد (بچه‌ها از او متنفرند).

معلم مهربان (رفیق): رابطه دارد، اما نظم ندارد (بچه‌ها او را جدی نمی‌گیرند).

خبر خوب این است که اقتدار، اخم کردن و دادزدن نیست. اقتدار یعنی ثبات و شفافیت. شما می‌توانید لبخند بزنید، اما مقتدرترین فرد اتاق باشید.

فن ۱: «مرزهای گرم»^۱

راز معلمان دارای نفوذ (کاریزماتیک) در این فن نهفته است. «مرز گرم» یعنی شخصیت شما گرم و پذیراست، اما قوانینتان سرد و غیرقابل تغییرند.

سناریوی شکست (معلم منفعل): دانش‌آموز وسط حرف می‌پرد. معلم با خنده و التماس می‌گوید: «عزیزم بذار حرفم تموم شه دیگه، ...» (پیام به دانش‌آموز: قانون قابل مذاکره است).

سناریوی شکست (معلم پرخاشگر): «حرف نزن! بی‌تربیت!» (پیام به دانش‌آموز: معلم دشمن من است).

سناریوی پیروزی (مرز گرم): معلم با چهره‌ای آرام (بدون خشم) تدریس را متوقف می‌کند، سکوت می‌کند، مستقیم به چشم دانش‌آموز نگاه می‌کند و با لحنی محکم اما مؤدب می‌گوید: «علی جان، وقتی من صحبت می‌کنم، انتظار شنیدن دارم.» و بلافاصله به تدریس بر می‌گردد.

در اینجا شما به شخصیت او حمله نکردید (گرم)، اما اجازه تخطی از قانون را هم ندادید (مرز).

فن ۲: بازگشت به تنظیمات کارخانه^۲

برای معلمی که می‌گوید «اقتدارم را از دست داده‌ام»، تذکراتی دیگر فایده ندارند. سامانه عامل شما ویروسی شده و نیاز به «بازگردانی» دارد. نترسید؛ هیچ وقت برای شروع دوباره دیر نیست.

شیوه نامه اجرایی بازگردانی کلاس:

جلسه بعد بدون کتاب وارد کلاس شوید. بایستید و با لحن جدی و صادق بگویید: «بچه‌ها، من چندروزه دارم به کلاس‌مون فکر می‌کنم. احساس می‌کنم فضایی که الان داریم، اون فضایی نیست که شما بتونید توش

خوب یاد بگیرید و من بتونم خوب درس بدم. همه‌ی زیاده و احترام‌ها داره کم‌رنگ می‌شه. من مسئول این کلاس‌م و نمی‌تونم اجازه بدم این وضعیت به ضرر شما تموم بشه. بنابراین، از امروز، ما به سه قانون طلایی کلاس‌مون برمی‌گردیم و من در اجرای اون‌ها بسیار جدی خواهم بود...»

نکته حیاتی: ۳ روز اول بعد از این سخنرانی، روزهای آزمون شماست. دانش‌آموزان حتماً شما را آزمایش می‌کنند تا ببینند آیا این حرف‌ها واقعی بودند یا نه. در این سه روز، حتی از کوچک‌ترین خطایی نگذرد (با فن مرز گرم).

فن ۳: مدیریت تمسخر (خروج از میدان)

وقتی دانش‌آموزی شما را مسخره می‌کند، هدفش خنداندن کلاس نیست، بلکه «به چالش کشیدن قدرت شما» است.

اشتباه مهلک این است که عصبانی شوید یا توجیه کنید. اگر عصبانی شوید، او برنده شده است. فرمول چهار مرحله‌ای مواجهه با تمسخر:

توقف کامل: هر کاری را که دارید انجام می‌دهید، رها کنید.

سکوت سنگین: سه تا پنج ثانیه فقط نگاه کنید. (سکوت، اضطراب طرف مقابل را بالا می‌برد).

بیان قانون: «در کلاس من، شوخی توهین‌آمیز جایی نداره.» (کوتاه و سرد).

ارجاع به بعد: «آخر کلاس بمون، باهات کار دارم.» (این جمله قدرت را دست شما نگه می‌دارد و تماشاچیان را از او می‌گیرد).

* ستون دوم: کالبدشکافی

رفتارهای بحرانی (جنگجویان کلاس)

حالا که ستون خودمان را محکم کردیم، بیایید سراغ دانش‌آموزان برویم. ما با ۳۰ مدل بی‌نظمی روبه‌رو نیستیم، بلکه با سه ریشه اصلی مواجهیم که به شکل‌های «پرخاش، لجبازی و گستاخی» ظاهر می‌شوند.

بحران ۱: پرخاشگری فیزیکی و کلامی (ریشه: کمبود مهارت)

دانش‌آموزی که مشت می‌زند یا فحش می‌دهد، ذاتاً «شور» نیست؛ او «ناتوان» است. او برای بیان خشمش مهارت کلامی ندارد. پس از بدنش استفاده می‌کند.

اشتباه رایج: نصیحت کردن در لحظه دعوا («خجالت بکش! مگه تو وحشی هستی؟»). مغز در حالت خشم، نمی‌شنود.

راهکار «سپر آرام»: در لحظه بحران، شما معلم نیستید، «پلیس حافظ صلح» هستید. فقط جدا کنید و امنیت را برقرار کنید. «علی دست‌ها پایین! سارا برو اون سمت!»

درمان ریشه‌ای: این دانش‌آموز به آموزش «سواد عاطفی» نیاز دارد. او باید یاد بگیرد بگوید «من عصبانی‌ام»، جای اینکه لگد بزند.

بحران ۲: گستاخی، لجبازی و «نه» گفتن (ریشه: جنگ قدرت)

دانش‌آموزی که در چشم شما نگاه می‌کند و می‌گوید «نمی‌نویسم!» به دنبال انجام ندادن تکلیف نیست؛ او به دنبال «احساس قدرت» است. می‌خواهد ثابت کند شما نمی‌توانید اختیارش را در دست بگیرید (کنترلش کنید).

تله مرکباز: اگر بگویید «مگه دست خودته؟ به زور می‌نویسی!» شما وارد میدان مبارزه او شده‌اید و باخت‌ه‌اید.

راهکار «خروج هوشمندانه»: توپ را در زمین او بیندازید، اما با شرایط خودتان.



عکاس: اعظم ال‌ریچانی

دانش آموز: «من دیگه نمی نویسم!»

معلم (آرام): «می بینم که عصبانی هستی (درک احساس). اما نوشتن این تمرین وظیفه کلاسه (بیان قانون). می تونی الان بنویسی یا زنگ تفریح کاملش کنی. انتخاب با خودته.» (دادن انتخاب محدود). شما با دادن «حق انتخاب»، نیاز او به قدرت را ارضا کردید، اما کار خودتان را هم پیش برده اید.

بحران ۳: مقاومت پنهان باهوش ها (ریشه: کمبود چالش)

دانش آموز باهوشی که معلم را سؤال پیچ می کند، ایراد می گیرد یا دیگران را تحقیر می کند. مشکلش «بی ادبی» نیست؛ مشکل او «سررفتن حوصله» است. کلاس برای او کند است.

راهکار: انرژی تخریبی او را به انرژی سازنده تبدیل کنید.

فن «دستیار ویژه»: «سینا، تو که این مبحث رو سریع گرفتی، مسئولیت گروه سه با تو. بررسی کن ببین همه متوجه شدن؟» به او نقش رهبری بدهید تا نیازش به دیده شدن و چالش ارضا شود.

ستون سوم: مدیریت زیست بوم (دبیلپلماسی با والدین و مدیر)

شاید سخت ترین بخش ماجرا دانش آموزان نباشند، بلکه بزرگ سالانی باشند که قرار است حامی باشند، اما به مانع بدل شده اند.

مدیریت والدین معترض (فن ساندویچ همدلی - داده)

وقتی والدی با عصبانیت وارد می شود که «چرا به بچه من تذکر دادید؟»، حالت دفاعی نگیرد.

لایه اول (همدلی): «خانم محمدی، خیلی خوشحالم اومدید. اینکه این قدر روی روحیه پسرتون حساسید، نشون می ده مادر دلسوزی هستید.» (خلع سلاح کامل والد).

لایه دوم (داده های عینی): بحث را از «احساسات» به «مستندات» ببرید. «ما اینجا یک مشکل داریم. علی در سه روز گذشته، چهار بار نظم کلاس رو به هم ریخته. این هم گزارش هاش. این رفتار باعث شده هم خودش یاد نگیره و هم بقیه.»

لایه سوم (مشارکت): «حالا به نظرتون ما (من و شما) چطور می تونیم کمک کنیم علی رفتارش رو اصلاح کنه؟» (تبدیل تقابل به تعامل).

مدیریت مدیر سنتی (فروش نتایج)

اگر مدیری دارید که با روش های تعاملی شما مخالف است و کلاس ساکت خشک و بی روح می خواهد، با او بحث فلسفی نکنید. مدیران زبان «آمار و نتیجه» را می فهمند.

گفت وگو: «آقای مدیر، درک می کنم نگران سر و صدای کلاس در ساعت کار گروهی هستید. اما خواستم نتیجه این روش رو ببینید. میانگین نمره های کلاس در این ماه دو نمره رشد داشته و غیبت بچه ها کمتر شده. این شلوغی صدای یادگیری، نه صدای بی نظمی.»

سخن پایانی: شما درمانگر نیستید!

در پایان، یک واقعیت تلخ اما راهایی بخش را باید بپذیریم: شما معلم هستید، نه روان درمانگر.

بسیاری از معلمان زیر بار مشکلات خانوادگی دانش آموزان (طلاق والدین، فقر و اختلال نقص توجه درمان نشده) له می شوند. دلسوزی شما قابل تحسین است، اما وظیفه شما «درمان» این مشکلات نیست، وظیفه شما «مدیریت محیط کلاس» است، به گونه ای که حتی آن دانش آموز آسیب دیده هم بتواند در آن نفس بکشد و یاد بگیرد.

اگر دانش آموزی با اختلال رفتاری شدید، امنیت کلاس را به خطر می اندازد، وظیفه شما «تحمل قهرمانانه» نیست، وظیفه شما ارجاع تخصصی به مشاور و مدیریت و پیگیری با دبلماسی داده محور است. از نقش «آتش نشان» خسته و دود گرفته به نقش «معمار» باهوش و طراح تغییر وضعیت دهید. این مسیر سخت، اما ممکن است.

پرسش های متداول

با دانش آموزی که جلوی جمع عذرخواهی نمی کند، چه کنیم؟

هرگز، تکرار می کنم هرگز، دانش آموز را به عذرخواهی در جمع مجبور نکنید. این کار فقط لجبازی را به کینه بدل می کند. به او بگویید: «من دنبال عذرخواهی نیستم، دنبال جبرانم. رفتار تو کلاس رو خراب کرد. فکر کن بین چطور می تونی جبران کنی؟» این رویکرد مسئولانه است.

اگر والدین همکاری نکردند و گفتند «وظیفه شماست»، چه؟

اینجا باید «مسئولیت پذیری» را شفاف کنید. بگویید: «من در کلاس تمام تلاشم را می کنم (تدریس، تشویق و تذکر). اما تربیت و اصلاح ریشه ای رفتار، بدون حمایت خانه ممکن نیست. اگر این روند در خانه پیگیری نشود، متأسفانه من به تهایی نمی توانم تضمینی برای پیشرفت تحصیلی او بدهم.» این هشدار محترمانه، معمولاً والدین را به فکر می اندازد.

آیا فن «سکوت» در برابر تمسخر نشانه ضعف نیست؟

خیر. فریاد زدن نشانه ضعف است، چون نشان می دهد کنترل خود را از دست داده اید. سکوت همراه با نگاه مستقیم، قدرتمندترین پیام غیرکلامی است که می گوید: «من آن قدر بر خودم مسلطم که حرف تو حتی نمی تواند مرا تکان دهد.»

بی نوشتها

1. Warm Boundaries
2. The Class Reset

* مقدمه

سنجش در آموزش به فرایند جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات درباره یادگیری دانش‌آموزان گفته می‌شود. این اطلاعات شامل توانایی‌ها، پیشرفت‌های یادگیری و اثربخشی تدریس معلمان است. سنجش نه تنها به معلمان کمک می‌کند نقاط قوت و ضعف یادگیری را شناسایی کنند، بلکه روش‌های تدریس را اصلاح و آموزش را بهبود می‌بخشد.

ایده اولیه این فن از روش «بازی‌وارسازی» (گیمیفیکیشن)، یعنی استفاده از عناصر بازی و فن‌های طراحی بازی در زمینه‌های غیربازی از جمله آموزش (Su & Cheng, 2015) گرفته شده است. بازی‌وارسازی مفهومی جدید است که به منظور بالا بردن سطح درگیری افراد در رفتارهای فردی و اجتماعی، از مؤلفه‌های بازی در موقعیت‌های غیر از بازی بهره می‌گیرد (Sangkyun & al, 2018). صرف نظر از مخاطبان و موضوع آموزش، به کارگیری بازی در آموزش می‌تواند به معلمان کمک کند سرفصل‌های آموزشی خود را هیجان‌انگیزتر، آموزنده‌تر و سرگرم‌کننده‌تر طراحی کنند (Ziani & Tajfar, 2017).

این روش با نیت کاهش فشار عصبی دانش‌آموزان در زمان سنجش طراحی شده است تا فضای ارزیابی برای آن‌ها دوستانه‌تر و دلگرم‌کننده‌تر باشد. برای مرور مطالب و انجام ارزیابی‌های اولیه بسیار مناسب است، اما به تنهایی برای سنجش‌های عمیق‌تر کافی نیست و بهتر است در کنار سایر روش‌های ارزیابی مانند پرسش و پاسخ کلاسی، خودارزیابی یا بازخوردهای کتبی به کار گرفته شود. همچنین، اگر معلم زمان و منابع کافی در اختیار داشته باشد، می‌تواند این فن را به عنوان فعالیت منظم و ثابت هفتگی در برنامه کلاس بگنجانند تا تأثیر آن در تثبیت یادگیری و افزایش مشارکت دانش‌آموزان بیشتر شود.

کلیدواژه‌ها:

سنجش، سنجش تکوینی، فرایند یاددهی یادگیری، بازخورد

* سنجش تکوینی چیست؟

سنجش تکوینی به عنوان ارزیابی مستمر در فرایند یاددهی یادگیری شناخته می‌شود. این نوع سنجش در طول فرایند تدریس انجام می‌شود و هدف از آن فراهم آوردن بازخورد مناسب برای بهبود عملکرد دانش‌آموزان و اصلاح روش‌های تدریس معلم است. در سنجش تکوینی، هدف از ارزیابی، شناسایی مشکلات یادگیری به صورت زود هنگام و رفع آن‌هاست تا فرایند یادگیری به بهترین شکل ادامه یابد (سیف، ۱۴۰۲). فنی که در این مقاله به آن اشاره

خواهد شد، می‌تواند در سنجش تکوینی مورد استفاده قرار گیرد.

* ویژگی‌های سنجش تکوینی

فرایندی و مستمر: سنجش تکوینی به طور پیوسته و در طول فرایند یاددهی یادگیری انجام می‌شود.

بازخوردمحور: یکی از ویژگی‌های برجسته این نوع سنجش، ارائه بازخوردهای مستمر به دانش‌آموزان است تا بتوانند نقاط ضعف خود را بشناسند و در رفع آن‌ها بکوشند.

انعطاف‌پذیر: سنجش تکوینی به معلم امکان می‌دهد در طول مسیر یاددهی، به تناسب نیازهای یادگیری دانش‌آموزان، روش‌های تدریس را اصلاح کند.

متمرکز بر پیشرفت: به جای تمرکز بر ارزیابی نهایی، بیشتر بر پیشرفت‌های دانش‌آموزان در طول فرایند یادگیری تأکید دارد (سیف، ۱۴۰۲).

* روش انجام فن

آغاز فرایند ارزیابی: پس از پایان تدریس یک مبحث مشخص، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد آماده ارزیابی شوند. به آن‌ها اطلاع می‌دهد که در جلسه بعدی از مطالب تدریس شده ارزیابی خواهند شد. این اطلاع‌رسانی به دانش‌آموزان امکان می‌دهد مطالب را مرور کنند و برای ارزیابی آماده شوند.

* نوشتن کلمه‌های کلیدی: در ابتدا

از دانش‌آموزان خواسته می‌شود در مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه کلمه‌های کلیدی یا مفاهیمی را که از مبحث تدریس شده به یاد دارند، روی کاغذ بنویسند. این کلمه‌ها باید شامل مفاهیم اصلی و اساسی باشند که در تدریس به آن‌ها پرداخته شده است. معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد این کلمه‌ها را یادداشت کنند.

* شمارش کلمه‌های نوشته‌شده: پس از پایان

زمان، از دانش‌آموزان خواسته می‌شود تعداد کلمه‌هایی را که نوشته‌اند بشمارند و اعلام کنند. معلم این تعداد را در فهرستی که برای خود دارد، یادداشت می‌کند. در صورتی که لازم باشد، او می‌تواند برخی از کاغذها را برای راستی آزمایی بررسی کند.

امتیازدهی به تعداد کلمه‌ها: سپس معلم به دانش‌آموزی که بیشترین تعداد کلمه را نوشته است، امتیاز ویژه می‌دهد. این امتیازدهی به طور غیررسمی به عنوان تشویقی برای دانش‌آموزان ایجاد انگیزه می‌کند تا به مطالب توجه بیشتری داشته باشند.

تقسیم‌بندی به گروه‌های کوچک: پس از این مرحله، معلم دانش‌آموزان را به گروه‌های چهارپنج نفره تقسیم می‌کند. هر گروه باید به طور مشترک روی توضیح کلمه‌ها و مفاهیم نوشته‌شده کار کند. برای هر گروه، یک نفر

بازی با

سنجش

پیشنهاد براساس



به عنوان سرگروه انتخاب می شود که مسئول هدایت گروه در فرایند توضیح و ارائه پاسخ ها خواهد بود.

شروع توضیح گروه ها: برای شروع، معلم یک گروه را به طور تصادفی یا از طریق قرعه انتخاب می کند. از گروه منتخب خواسته می شود یکی از کلمه های نوشته شده را انتخاب کند و یک نفر از گروه آن کلمه را توضیح دهد. اگر توضیح دقیق و کامل باشد، معلم ۲ امتیاز برای آن گروه ثبت می کند. این امتیاز به گروه ها انگیزه می دهد برای توضیح صحیح و کامل تلاش کنند.

ادامه توضیح گروه ها: پس از توضیح گروه اول، نوبت به گروه های دیگر می رسد. معلم می تواند این روند را به طور تصادفی یا قرعه کشی برای سایر گروه ها ادامه دهد تا همه یک دور شرکت داده شوند. همچنین می تواند برای گروه هایی که بتوانند مثال هایی عملی از مفاهیم بیاورند، امتیاز بیشتری در نظر بگیرد.

بررسی و ارائه تمام کلمه ها: تا زمانی که تمام کلمه های نوشته شده توسط دانش آموزان توضیح داده شوند، این فرایند ادامه می یابد. پس از پایان توضیح ها، معلم امتیازهای گروه ها را جمع بندی می کند. گروه هایی که بیشترین امتیاز را کسب کرده اند، اعلام می شوند.

پاداش: در پایان، گروه های برتر با گرفتن امتیاز تقدیر می شوند.

* پیشنهادهایی برای اجرای مؤثرتر یک فن سنجشی بر اساس تجربه زیسته

افزافه کردن مثال های عملی: برای عمیق تر شدن درک مفاهیم، از دانش آموزان بخواهید مثال هایی عملی از کاربرد مفاهیم در زندگی روزمره یا پروژه های عملی بیاورند.

بازخورد گروهی: می توان از سایر اعضای گروه خواست نظر خود را در مورد توضیح هم کلاسی ها بیان کنند تا به تقویت یادگیری و همکاری گروهی کمک کند.

استفاده از روش های امتیازدهی خلاق: برای جذاب تر شدن فرایند ارزیابی، می توان از روش های امتیازدهی متنوعی استفاده کرد که هم گروهی و هم فردی باشند.

* مزیت های این نوع فن ارزیابی

ارزیابی اولیه از یادگیری دانش آموزان: این نوع سنجش به معلم کمک می کند متوجه شود کدام مفاهیم برای دانش آموزان قابل فهم ترند و کدام بخش ها به توضیح بیشتر نیاز دارند.

تشویق به مشارکت فعال: این نوع فن سنجشی از دانش آموزان می خواهد به طور فعال در فرایند یادگیری مشارکت کنند و مسئولیت توضیح و ارائه مفاهیم را بر عهده بگیرند. این مشارکت به تقویت مهارت های ارتباطی و همکاری گروهی کمک می کند.

پویایی در توضیح مفاهیم: توضیح مفاهیم به زبان خود دانش آموزان، به آن ها کمک می کند آن ها را عمیق تر درک کنند و مهارت های انتقال اطلاعاتشان تقویت شود.

رقابت سالم و انگیزه بیشتر: با استفاده از سامانه های امتیازدهی و رقابت میان گروه ها، انگیزه دانش آموزان برای یادگیری بیشتر می شود.

* پیشنهاد های عملی و اجرایی برای معلمان

اجرای هفتگی یا پایان هر پودمان: معلم می تواند یک بار در هفته یا در پایان هر مبحث، دانش آموزان را به گروه های چهار پنج نفره تقسیم کند و از آن ها بخواهد کلمه های کلیدی را یادداشت کنند و توضیح دهند.

امتیازدهی و رقابت سالم: با ثبت تعداد کلمه ها و کیفیت توضیحات، امتیازدهی گروهی و فردی انجام شود تا انگیزه دانش آموزان افزایش یابد.

افزافه کردن مثال های عملی: دانش آموزان تشویق شوند

مفاهیم را با مثال های زندگی واقعی یا پروژه های عملی توضیح دهند تا درک عمیق تری حاصل شود.

بازخورد مستمر: معلم پس از هر فعالیت، بازخوردی کوتاه و تشویقی بدهد تا دانش آموزان نقاط ضعف خود را شناسایی و اصلاح کنند.

ترکیب با سایر روش های ارزیابی: این فن را می توان همراه با پرسش و پاسخ کلاسی، خودارزیابی و بازخورد کتبی به کار بُرد تا سنجش جامع تر و مؤثرتری انجام شود.

* نتیجه گیری

سنجش تکوینی یک ابزار فوق العاده برای بهبود کیفیت آموزش و یادگیری است. فنی که در این مقاله توضیح داده شد، فقط یک نمونه از روش های خلاق برای سنجش مداوم دانش آموزان است. اجرای این روش در کلاس به تنظیم جزئیاتی نیاز دارد که باید با توجه به شرایط، سطح و فضای یادگیری کلاس در نظر گرفته شوند. بنابراین، معلمان می توانند با توجه به شناختی که از فراگیرندگان خود دارند، این روش را تغییر دهند، ساده تر یا پیچیده تر کنند و با سبک تدریس خودشان هماهنگ کنند. ترکیب این روش با شیوه های دیگر سنجش می تواند باعث مشارکت فعال تر، درک بهتر و تدریس مؤثرتر شود. یادگیری زمانی عمیق و پایدار می شود که خود دانش آموزان در ساختن آن نقش داشته باشند و سنجش تکوینی دقیقاً این فرصت را فراهم می کند.

منابع

- سیف، علی اکبر. (۱۴۰۲). «اندازه گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی». انتشارات دوران. تهران.
- آزمون ساز، حسن (۱۳۹۹). «ارزشیابی پیشرفت تحصیلی». انتشارات سمت. تهران.
- مک میلان، جیمز. ارزشیابی آموزشی. ترجمه دکتر خسرو باقری و همکاران (۱۴۰۱). آوای نور. تهران.
- Su, C-H. & Cheng, C-H. (2015). "A mobile gamification learning system for improving the learning motivation and achievements". Journal of Computer Assisted Learning, 31.
- Sangkyun, k., Kibong, S., Barbara., L., Burton. J. (2018). "Gamification in learning and education". Cham, Switzerland: Springer, International publishing.
- Ziani. M, Tajfar.Hoosang. (2017). "Effect of gamification on behavioral outputs of instructional learner". First national conference on advances and opportunities.

شیمای مظفری
کارشناس ارشد علوم تغذیه
و رژیم درمانی

تغذیه

ارشد کارشناس

این شماره را با خانم دکتر سمیه فتاحی، متخصص تغذیه، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، و پژوهشگر و مشاور تغذیه در «مرکز تحقیقات گوارش، کبد و تغذیه بیمارستان کودکان مفید»، به گفت و گو می‌نشینیم. می‌خواهیم از دیدگاه‌ها و تجربه‌های ارزشمند ایشان برای افزایش آگاهی تغذیه‌ای آموزگاران عزیز در زمینه تغذیه کودکان و نوجوانان بهره‌مند شویم.

خانم دکتر، در ابتدا خطاب به معلمان محترمی که این مطلب را می‌خوانند، بفرمایید چرا تغذیه سالم در دوران کودکی و نوجوانی تا این حد اهمیت دارد؟

بدن کودک در دوران رشد نه تنها برای ساخت سلول‌های جدید، بلکه برای شکل‌گیری مسیرهای عصبی و هورمونی و عملکرد صحیح دستگاه ایمنی به مواد مغذی کافی نیاز دارد. در واقع، تغذیه سالم در این سال‌ها زیربنای سلامت کل عمر است. کمبود آهن، ید، روی یا ویتامین D ممکن است اثرات منفی ماندگاری بر رشد قد، عملکرد مغز و حتی خلق و خو بگذارد. از سوی دیگر، عادات‌های غذایی دوران کودکی معمولاً تا بزرگسالی پایدار می‌مانند. بنابراین، اگر کودک انتخاب آگاهانه غذا را یاد بگیرد، بخش زیادی از سلامت آینده‌اش تضمین می‌شود.

برخی معلمان می‌گویند، دانش‌آموزان در ساعات‌های ابتدایی مدرسه بی‌حال یا کم‌تحرک‌اند. آیا این مسئله که از معضلات رایج کلاس‌های درس است، ممکن است به تغذیه یا حذف صبحانه مربوط باشد؟

کاملاً مرتبط است. مغز برای یادگیری به تأمین پایدار گلوکز نیاز دارد. وقتی کودک بدون صبحانه به مدرسه می‌رود، قند خون پایین می‌ماند و در نتیجه تمرکز، حافظه کوتاه‌مدت و قدرت تصمیم‌گیری کاهش می‌یابد. کودکانی که صبحانه کامل می‌خورند، در آزمون‌های حافظه و ریاضی عملکرد بهتری دارند. البته فقط «خوردن صبحانه» مهم نیست، «کیفیت» آن تعیین‌کننده است. صبحانه‌های سرشار از قندهای ساده، مثل کیک و نوشیدنی‌های شیرین، در ابتدا انرژی می‌دهند، اما خیلی زود باعث افت شدید قند خون و بی‌حالی می‌شوند.



بدن کودک در دوران رشد نه تنها برای ساخت یاخته‌های جدید، بلکه برای شکل‌گیری مسیرهای عصبی و هورمونی و عملکرد صحیح دستگاه ایمنی به مواد مغذی کافی نیاز دارد. در واقع، تغذیه سالم در این سال‌ها زیربنای سلامت کل عمر است



شما فقط درس نمی‌دهید؛ سبک زندگی را منتقل می‌کنید. وقتی دانش‌آموز می‌بیند معلمش آب همراه دارد، میان وعده سالم می‌خورد یا درباره اهمیت صبحانه صحبت می‌کند، همان رفتار را الگو می‌گیرد

از دید شما، صبحانه مطلوبی که معلمان می‌توانند آن را به دانش‌آموزان خود پیشنهاد بدهند، باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

صبحانه باید ترکیبی از سه گروه اصلی باشد:

- / کربوهیدرات‌های پیچیده مثل نان سبوس‌دار یا جوی دوسر برای پایداری انرژی؛
 - / پروتئین باکیفیت مانند تخم‌مرغ، لبنیات یا مغز دانه‌ها برای حفظ تمرکز؛
 - / مقداری چربی مفید مثل گردو یا کره بادام‌زمینی.
- همان‌طور که معلمان عزیز به خوبی می‌دانند، نوشیدنی‌های شیرین یا شیرکاکائوهای صنعتی بهتر است حذف شوند. به جای آن‌ها می‌توان از شیر ساده، شیرموز یا شیرآمیزهای (میلک‌شیک‌های) خانگی استفاده کرد. در کودکان کم‌اشتها، افزودن میوه خردشده یا کمی عسل طبیعی به جوی دوسر می‌تواند بر اشتها بیفزاید.
- صبحانه نباید فقط «سیرکننده» باشد، باید «تغذیه‌کننده مغز» هم باشد.

آموزگاران مصرف کدام میان‌وعده‌ها را به دانش‌آموزان خود توصیه کنند؟

معلمان عزیز لطفاً این نکته را به یاد داشته باشید که نه تنها برای دانش‌آموزان، که برای تمام افرادی که ساعت‌های زیادی را بیرون از منزل سپری می‌کنند، میان‌وعده باید سبک، قابل حمل و مغذی باشد. برای کودکان دوره ابتدایی، گزینه‌هایی مانند نان و پنیر و گردو، تخم‌مرغ آب‌پز با خیار و گوجه، ذرت پخته، میوه خردشده، و برش‌های سیب با کره بادام‌زمینی خوب هستند. برای نوجوانان، میان‌وعده‌های پروتئین‌دارتر مناسب‌ترند؛ مثل: ماست یونانی با میوه، نرم‌نوش (اسموتی) خانگی؛ لقمه نان سبوس‌دار با مرغ و سبزی. در واقع هدف از میان‌وعده فقط رفع گرسنگی نیست، بلکه این وعده‌ها باید قند خون را ثابت نگه دارند تا تمرکز افراد در طول روز تحصیلی و کاری حفظ شود.

کدام مواد غذایی و خوراکی آسیب بیشتری به سلامت می‌زنند و بهتر است اصلاً در برنامه غذایی افراد نباشند؟

خوراکی‌های حاوی قند ساده، چربی ترانس و افزودنی‌های مصنوعی باید خط قرمز باشند؛ مانند: برگک (چیپس)، پفک، بیسکویت‌های کرم‌دار، شکلات‌های صنعتی، نوشابه و نوشیدنی‌های انرژی‌زا. این مواد، علاوه بر کالری زیاد و ارزش تغذیه‌ای کم، در میکروبیوم روده اختلال ایجاد می‌کنند و تحریک‌پذیری،

بی‌خوابی و کاهش تمرکز را در پی دارند. در تغذیه دانش‌آموزان، مشکل اینجاست که در تبلیغات، این خوراکی‌ها را به عنوان «جایزه» در ذهن کودک جا انداخته‌اند؛ در حالی که اثر بلندمدت آن‌ها برعکس است: التهاب بیشتر و کارایی ذهنی کمتر.

بعضی خانواده‌ها به دلیل مشغله، سراغ میان‌وعده‌های صنعتی می‌روند. آیا انتخاب سالم‌تری در میان آن‌ها وجود دارد؟

بله، هرچند انتخاب‌ها محدودند، اما امکان‌پذیر است. پیشنهاد می‌کنم برچسب تغذیه‌ای محصولات دقیق خوانده شوند. محصولات با این ویژگی‌ها بهترند:

- / دارای فهرست کوتاهی از مواد؛
- / بدون چربی ترانس؛
- / کمتر از ۵ گرم قند در هر سهم.

برای نمونه، بیسکویت سبوس‌دار ساده و برگ سبزی‌های بدون افزودنی یا نوشیدنی‌های بدون شکر افزوده، انتخاب‌های موقت مناسبی هستند. خانواده‌ها می‌توانند چند میان‌وعده خانگی ساده را برای چند روز آماده کنند:

- / ساندویچ کوچک نان و پنیر و گردو؛
- / ذرت پخته یا کم‌روغن؛
- / سیب یا موز خردشده با بادام یا کشمش؛
- / نان لواش با خرما و کنجد.

این گزینه‌ها هم اقتصادی‌ترند و هم ارزش تغذیه‌ای بیشتری دارند.

دوران بلوغ معمولاً با تغییرات اشتها همراه است. در این باره معمولاً راهنمایی‌های معلمان می‌تواند بسیار مفیدتر و هدایتگرتر از سایر افراد باشد. شما به عنوان متخصص تغذیه، برای تغذیه سالم در این سن چه توصیه‌هایی دارید؟

در این دوران نیاز به انرژی و ریزمغذی‌ها، به‌ویژه آهن، روی، کلسیم، ویتامین D و پروتئین، افزایش می‌یابد.

توصیه می‌کنم خانواده‌ها از رژیم‌های محدودکننده پرهیز کنند و به جای تمرکز بر وزن، به کیفیت و تعادل تغذیه نوجوان توجه کنند. نوجوانان به علت رشد سریع، گاهی احساس گرسنگی مداوم دارند. بهتر است این نیاز با میان‌وعده‌های سالم تأمین شود، نه غذاهای فوری (فست‌فود).

همچنین، آموزش «تصویر بدنی مثبت» اهمیت زیادی دارد و معلمان می‌توانند به‌خوبی و به شیوه‌های مستقیم یا غیرمستقیم آن را برای دانش‌آموزان خود جا بیندازند. باید بدانیم، تغییر شکل بدن در دوره بلوغ طبیعی است. مقایسه با الگوهای مجازی می‌تواند اعتمادبه‌نفس و رابطه نوجوان با غذا را خدشه‌دار کند.

اما به موضوعی رسیدیم که دغدغه خیلی از والدین و معلمان است. لطفاً درباره ارتباط تغذیه مناسب و کیفیت خواب کودکان و نوجوانان بگویید.

کتاب



کیفیت خواب ارتباط مستقیم با تغذیه دارد. غذاهای سنگین، پرچرب یا پرقلند در شب باعث تأخیر در خواب و کاهش کیفیت آن می‌شوند. مصرف نوشیدنی‌های کافئین‌دار، مثل چای پررنگ، نوشابه یا شکلات داغ در عصر نیز چرخه خواب را مختل می‌کند.

کمبود موادی مانند منیزیم، ویتامین ب ۶ و تریپتوفان نیز می‌تواند تولید ملاتونین را مختل کند.

به‌طور معمول، شام سبک شامل کربوهیدرات پیچیده و پروتئین، مثل برنج قهوه‌ای با مرغ و سبزی‌ها یا عدسی با نان سبوس‌دار، مناسب است. یک لیوان شیر گرم پیش از خواب نیز به آرامش کمک می‌کند.

نکته مهم دیگر، ساعت مناسب خواب است؛ برای تنظیم هورمون رشد توصیه می‌شود کودکان و نوجوانان حدود ساعت ۱۰ شب به خواب بروند.

بسیاری از نوجوانان تحت تأثیر فضای مجازی سراغ رژیم‌های لاغری یا بدن‌سازی می‌روند. آموزگاران چگونه می‌توانند با این روند به‌طور علمی مواجه شوند و دانش‌آموزانشان را در تصمیم‌گیری بهتر راهنمایی کنند؟

این یکی از چالش‌های مهم امروز است. الگوبرداری از افراد مشهور، بدون درک تفاوت‌های بدنی و نیازهای فردی، ممکن است باعث سوءتغذیه، کم‌خونی و اختلال هورمونی شود. خانواده‌ها باید با گفت‌وگوی آگاهانه، نه با انتقاد مستقیم، نوجوان را همراهی کنند و در صورت نیاز از متخصصان معتبر کمک بگیرند.

معلمان هم می‌توانند در جلسه‌های آموزشی کوتاه یا پروژه‌های کلاسی، درباره تغذیه سالم، مهارت «تفکر انتقادی» را در دانش‌آموزان تقویت کنند تا آن‌ها هر ادعای فضای مجازی را بدون منبع علمی نپذیرند. باید از «ممنوع‌کردن» عبور کنیم و به «فهمیدن و تحلیل» برسیم.

در پایان، اگر برای معلمان سراسر کشور، درباره اهمیت تغذیه سالم پیام کوتاهی داشته باشید، آن پیام چیست؟

همیشه به معلم‌ها می‌گویم، شما فقط درس نمی‌دهید؛ سبک زندگی را منتقل می‌کنید. وقتی دانش‌آموز می‌بیند معلمش آب همراه دارد، میان‌وعده سالم می‌خورد یا درباره اهمیت صبحانه صحبت می‌کند، همان رفتار را الگو می‌گیرد.

تغذیه سالم به امکانات خاص نیاز ندارد. همین که در کلاس بچه‌ها را تشویق کنید میان‌وعده‌های خانگی بیاورند یا چند دقیقه درباره خوراکی‌های مفید صحبت کنید، از بسیاری کارگاه‌ها اثرگذارتر است. و مهم‌تر از همه، خود معلم‌ها نیز باید مراقب تغذیه‌شان باشند. معلمی شغلی پر مسئولیت است؛ بدون «سوخت سالم»، خستگی ذهنی و فرسودگی زودپدید می‌شوند.

سه عادت ساده، اما مؤثر:

✓ مصرف آب کافی؛

✓ وعده‌های منظم؛

✓ میان‌وعده‌های مغذی.

این‌ها حال معلم را بهتر و به‌سلامت نسل آینده کمک می‌کنند. ✨

داران

کوچک



خدیجه غلامپور

آشنا شوند. هفته‌ها می‌گذشت و اشتیاق دانش‌آموزان بیشتر و بیشتر می‌شد؛ به‌گونه‌ای که پیش از آنکه کتاب‌ها را به من برگردانند، تک‌تک می‌آمدند و درخواست کتاب با نام مشخصی را می‌کردند؛ مثلاً از سه‌شنبه تأکید می‌کردند: «خانم، لطفاً قورباغه می‌ترسد را فردا به من بدهید» و...

برخی چهارشنبه‌ها، متن بعضی از کتاب‌ها را هم به‌صورت نمایش کلاسی یا طرح «صامت‌خوانی» اجرا می‌کردیم. اگر در کتاب یا مجله‌ای بازی بود، بازی آن را هم اجرا می‌کردیم.

در اسفندماه، که بچه‌ها به توانایی بسیار خوبی در خواندن رسیده بودند، در گروه مجازی کلاس، مسابقه کتاب‌خوانی برگزار کردیم. مسابقه این‌گونه بود که همه بچه‌ها یک هفته می‌توانستند شرکت کنند و کتاب بخوانند و فیلم یا صوت آن را در گروه ارسال کنند. همگی باید با تشویق، فیلم‌ها را می‌دیدند و سپس در نظرسنجی به کتاب‌خوانی دوستانشان رأی می‌دادند. نفرات برگزیده، یک روز «بدون تکلیف» به‌عنوان پاداش داشتند. مسابقه به‌خوبی و با شور و شوق برگزار شد. این طرح تا پایان سال ادامه داشت و هر روز اشتیاق بچه‌ها بیشتر می‌شد.

در پایان سال، هنگامی که بچه‌ها کتاب‌ها را برمی‌گرداندند، بسیار ناراحت بودند و درخواست ادامه طرح را داشتند.

چند پیشنهاد در پایان

- ایجاد کافه کتاب یا باشگاه کتاب با کمک انجمن اولیا و مربیان در مدرسه؛
- مطالعه گروهی کتاب در مدرسه و فعال‌سازی گروه‌های مطالعه و کتاب‌خوانی دانش‌آموزان با حضور اولیا در عصرها و روزهای تعطیل؛
- عضویت در کتابخانه‌های محله‌ای و آشنایی با فرهنگ امانت کتاب؛
- به‌روزرسانی کتاب‌های کتابخانه‌های محله.

روی برگه نوشتیم «کتابدار» و گفتم هر هفته کتابدار تغییر می‌کند. در حین بازی، درباره نگهداری از کتاب‌های امانت گرفته‌شده و شیوه خواندن داستان و زبان، نکاتی را برای بچه‌ها بازگو می‌کردم. کتابدار یک نفر را برای خواندن انتخاب کرد و پس از پایان خواندن، بچه‌ها را بسیار تشویق کردم. اسم هر کتاب را هم که بچه‌ها انتخاب می‌کردند با اشتیاق می‌گفتم: «کتاب خوبی است.»

در یک جلسه، از کتابدار کتابخانه شهر دعوت شد و پنج نفر از بچه‌ها کتاب‌هایی را که از پیش برده بودند خواندند و تشویق شدند و کتاب و تقدیرنامه هدیه گرفتند. در گام بعد، به دلیل علاقه دانش‌آموزان به فعالیت گروهی، به فکر ساخت کتاب به‌صورت گروهی و نقاشی گروهی درباره کتاب افتادم. یک چهارشنبه هم با کمک بچه‌ها و به‌صورت گروهی، کتاب داستان درست کردیم و به‌صورت گروهی نقاشی کتاب‌خانه و کتاب‌خوانی را کشیدند (به انتخاب گروه) و در کلاس نمایشگاه کتاب برگزار کردیم. از دانش‌آموزان خواستم همگی عضو کتابخانه شهر شوند تا با محیط کتاب‌خانه

با دیدن ضعف دانش‌آموزان در روان‌خوانی، به فکر دلایل و راه‌چاره بودم. تصمیم گرفتم روزهای چهارشنبه را، چون آخر هفته است، به کتاب و کتاب‌خوانی اختصاص دهم. در گام نخست، با کمک دانش‌آموزان کتاب‌خانه کوچکی درست کردیم. اولی، چون بچه‌ها خواندن جمله‌ها را خوب بلد نبودند، کار سخت بود و تمایل کمی نشان می‌دادند؛ اما با بازی مفهوم را به بچه‌ها رساندم. از دانش‌آموزان خواستم هر چهارشنبه، با سلیقه خودشان، کتابی را انتخاب کنند و یک هفته به امانت ببرند. در هفته بعد، دو نفر را انتخاب می‌کردم که متن داستان را برای کل کلاس بلند بخوانند.

بچه‌ها در هفته نخست تمایلی به خواندن نشان ندادند. دو هفته اول، خودم کتاب داستان را با اشتیاق می‌خواندم و برای شخصیت‌ها صداهای گوناگون می‌گذاشتم. لحسن را تغییر می‌دادم و از حرکت‌های بدن استفاده می‌کردم. برای هفته بعد، بازی «کتابدار» را درست کردم. یک نفر را به‌عنوان کتابدار انتخاب کردم. کتاب‌ها را روی میز چیدم و شغل کتابدار را معرفی کردم. او باید کتاب‌ها را سر جایشان می‌گذاشت، اسم امانت‌گیرنده و هر کتاب را می‌نوشت و تاریخ می‌زد.

دستور زبان
آموزش
جذاب‌سازی
برای
رویکردی ترکیبی

از هزار

و

تجربه

تاثیر

شانس

* مقدمه

آموزش دستور زبان انگلیسی همواره یکی از دشوارترین بخش‌های فرایند یادگیری دانش‌آموزان محسوب می‌شود. بسیاری از آنان دستور را خشک، غیرجذاب و بی‌ارتباط با زندگی واقعی می‌دانند. این مسئله باعث می‌شود انگیزه یادگیری کاهش یابد و معلمان ناگزیر به جست‌وجوی روش‌های نوین و خلاقانه برای تدریس شوند. یکی از رویکردهای مؤثر در این زمینه، یادگیری ترکیبی^۱ است؛ رویکردی که با ترکیب روش‌های سنتی، فناوری‌های آموزشی و فعالیت‌های تعاملی، تجربه‌ای متفاوت و معنادار را برای دانش‌آموزان رقم می‌زند.

در این مقاله، الگویی عملی و قابل تعمیم برای آموزش دستور زبان انگلیسی ارائه می‌شود که بر پایه تجربه‌ای موفق در تدریس مبحث گذشته است. استمراری شکل گرفته است. این تجربه در بیستمین جشنواره الگوهای برتر تدریس، در بخش تجربه‌های موفق دبیران زبان انگلیسی، موفق به کسب رتبه نخست کشوری شده و نشان داده است که چگونه می‌توان با طراحی فعالیت‌های متنوع، بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال و تلفیق روش‌های سنتی با فناوری‌های نوین، کلاس دستور را به محیطی پویا، لذت‌بخش و اثربخش تبدیل کرد. رویکردهای به‌کاررفته در این تجربه، به یک ساختار دستوری خاص محدود نیستند و می‌توان آن‌ها را در آموزش انواع مباحث دستوری به کار گرفت. این الگو برای تمامی دبیران زبان انگلیسی که به دنبال ارتقای کیفیت تدریس دستور و افزایش مشارکت دانش‌آموزان هستند، قابل استفاده و اجرا در کلاس‌های درس با شرایط و سطح‌های متفاوت است.

✳️ طراحی و اجرای فعالیت‌ها

/ ایجاد زمینه و استفاده از فناوری

در آغاز، با استفاده از متن‌های کتاب درسی، زمینه‌ای برای معرفی ساختار دستوری فراهم شد. سپس نرم‌افزار «پرسی»^۲ به‌عنوان ابزار ارائه‌ای غیرخطی و پویا به کار گرفته شد. این ابزار با جلوه‌های بصری و قابلیت‌های تعاملی خود، فضای کلاس را از حالت سنتی خارج و توجه دانش‌آموزان را به‌طور کامل جلب کرد. پس از توضیح ساختار و کاربردها، تمرین‌هایی فردی ارائه شدند و بخشی از خطاها از طریق بازخورد هم‌تایان اصلاح شد.

/ داستان‌گویی خلاق

با توجه به اینکه یکی از کاربردهای دستور، درس در روایت داستان است، فعالیتی گروهی طراحی شد. دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک، بر اساس موقعیت‌های داستانی مشخص، جمله‌های خود را در گذشته استمراری ساختند و سپس داستان‌شان را برای کلاس بازگو کردند. این فعالیت علاوه بر تقویت خلاقیت، به آن‌ها نشان داد چگونه می‌توان از این ساختار در موقعیت‌های واقعی ارتباطی استفاده کرد.

**یادگیری ترکیبی
رویکردی است که
با ترکیب روش‌های
سنتی، فناوری‌های
آموزشی و
فعالیت‌های
تعاملی، تجربه‌ای
متفاوت و معنادار را
برای دانش‌آموزان
رقم می‌زند**

ایمان میرنیا
کارشناس ارشد آموزش
زبان انگلیسی، بجنورد



! بازی‌های تعاملی و فناوری محور در خدمت

یادگیری دستور

یکی از مؤثرترین راهکارها برای افزایش انگیزه و مشارکت دانش آموزان در یادگیری دستور، استفاده از بازی‌های آموزشی است. بازی‌ها با ایجاد فضایی رقابتی، هیجان انگیز و در عین حال هدفمند، به دانش آموزان کمک می‌کنند مفاهیم دشوار را در قالبی سرگرم کننده و تعاملی تجربه کنند. این بازی‌ها هنگامی که با ابزارهای دیجیتال و فناوری‌های نوین ترکیب شوند، علاوه بر جذابیت بیشتر، امکان بازخورد فوری، تمرین مکرر و مشارکت فعال تر را نیز فراهم می‌آورند.

در این تجربه، مجموعه‌ای از بازی‌های سنتی بازطراحی شده و فعالیت‌های دیجیتال نوآورانه به کار گرفته شد تا دانش آموزان بتوانند ساختار دستور را نه صرفاً به صورت نظری، بلکه در موقعیت‌های واقعی و شبیه سازی شده تمرین کنند. این رویکرد باعث شد فرایند یادگیری از حالت خشک و تکراری خارج و به تجربه‌ای پویا، لذت بخش و ماندگار تبدیل شود. برای افزایش انگیزه در دانش آموزان، غنی سازی یادگیری و ایجاد تنوع در فرایند آموزش، از بازی‌های آموزشی متنوعی استفاده شد. این فعالیت‌ها نه تنها جنبه سرگرمی داشتند، بلکه به طور مستقیم با اهداف آموزشی کتاب همسو بودند:

! نسخه‌ای تغییر یافته از مار و پله که در آن دانش آموزان با پاسخ به پرسش‌های دستوری در بازی پیش می‌رفتند.

! بازی دیجیتال «جعبه را باز کن!»^۳ که در آن هر جعبه شامل پرسشی تصادفی در خصوص ساختار دستوری بود و هیجان زیادی در کلاس ایجاد کرد.



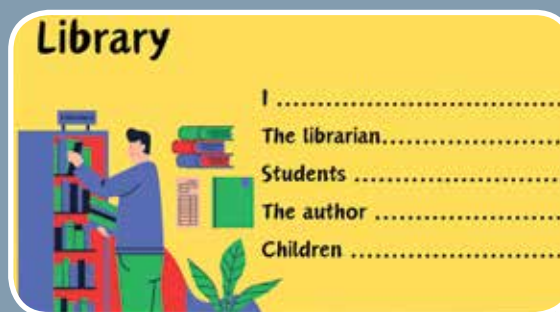
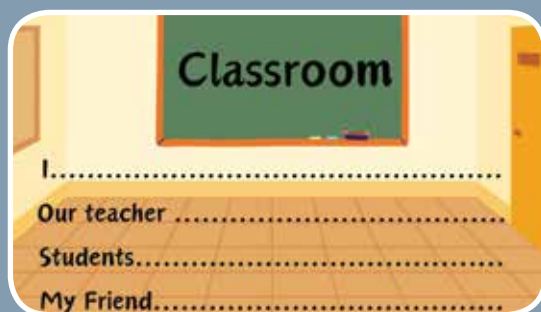
! بازی «چرخ شانس»^۴ که در آن از یک چرخنده دیجیتال استفاده شد و پرسش‌های چالش برانگیز، امکان مرور و تمرین بیشتری را فراهم آورد.

یکی از بخش‌های جذاب این تجربه، استفاده از بازی‌های آموزشی دیجیتال بود که در افزایش انگیزه و مشارکت دانش آموزان نقش مهمی ایفا کرد. در این میان، وبگاه Wordwall به عنوان یک ابزار کارآمد به کار گرفته شد. این سکو امکان طراحی فعالیت‌های متنوع را فراهم می‌کند و به معلمان اجازه می‌دهد مفاهیم درسی را در قالب بازی‌های تعاملی ارائه دهند. در این کلاس، دو بازی پرهیجان «جعبه را باز کن» و «چرخ شانس» از طریق وبگاه Wordwall اجرا شدند. این بازی‌ها با ایجاد فضایی رقابتی و سرگرم کننده، دانش آموزان را ترغیب کردند ساختار دستوری را بارها تمرین کنند، به پرسش‌ها پاسخ دهند و در عین لذت بردن از فعالیت، یادگیری عمیق تری را تجربه کنند. بهره گیری از این ابزارها نشان داد، فناوری‌های آموزشی می‌توانند در ارتقای کیفیت یادگیری نقش مؤثری ایفا کنند و فرایند آموزش را به تجربه‌ای فعال، انگیزه بخش و معنادار بدل کنند.

مزیت اصلی Wordwall در سادگی استفاده، بازخورد فوری و قابلیت تمرین فردی است. دانش آموزان می‌توانند حتی پس از کلاس نیز به بازی‌ها دسترسی داشته باشند و ساختارهای دستوری را در فضایی سرگرم کننده و رقابتی مرور کنند. این ویژگی‌ها فرایند یادگیری را پویا تر، مشارکتی تر و برای زبان آموزان معنادارتر می‌کنند.

! فعالیت نمایشی

در ادامه، بازی «حدس بزن چه کار می‌کردم» اجرا شد. دانش آموزان با انتخاب کارت‌ها و اجرای بی صدا، موقعیت‌هایی را نمایش دادند. هم کلاسی هایشان موظف بودند با



به معلمان، به‌ویژه معلمان زبان انگلیسی پیشنهاد می‌شود:

- / از ابزارهای دیجیتال مانند پرزی، کاهوت، کانوا یا وردوال برای ایجاد تنوع در ارائه‌ها استفاده کنند.
- / فعالیت‌های خلاق مانند داستان‌گویی، بازی‌های نمایشی و پروژه‌های گروهی را در برنامه درسی بگنجانند.
- / از بازخورد همتایان به‌عنوان ابزار اصلاح خطاها و تقویت یادگیری مشارکتی بهره بگیرند.
- / همواره میان اهداف کتاب درسی و فعالیت‌های خلاق پیوند برقرار کنند تا یادگیری هدفمند باقی بماند.

* جمع‌بندی

هر کلاس آموزشی می‌تواند فراتر از یک محیط تکراری و محدود باشد و به تجربه‌ای پویا، الهام‌بخش و ماندگار تبدیل شود. با بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی، فناوری‌های آموزشی و فعالیت‌های خلاق می‌توان فضایی ساخت که در آن یادگیری نه تنها مؤثر، بلکه لذت‌بخش و ماندگار باشد. این تجربه نشان داد که در عصر حاضر، کلاس درس دیگر به چهار دیوار محدود نیست، بلکه دریچه‌ای است به سوی فرصت‌های بی‌پایان یادگیری و رشد.

برای آشنایی بیشتر با جزئیات این تجربه و مشاهده فضای واقعی کلاس می‌توانید ویدئوی کامل این فرایند را با پویش «رمزینۀ پاسخ‌سریع» زیر تماشا کنید. این ویدئو با تصویری روشن از شور و شوق یادگیری در کلاس نشان می‌دهد که چگونه روش‌های ترکیبی می‌توانند آموزش را به تجربه‌ای متفاوت و ماندگار تبدیل کنند.*



ویدئوی تجربه
کلاس یادگیرنده



استفاده از دستور درس، فعالیت را حدس بزنند و در قالب جمله بیان کنند. این بخش با مشارکت و اشتیاق زیاد دانش‌آموزان همراه بود.

/ تکلیف پایانی

برای تثبیت یادگیری، از طریق فضای پیام‌رسان شاد، کاربرگ‌هایی شامل تمرین‌ها و پرسش‌های دستوری در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت تا در منزل کامل کنند.

* تحلیل نتایج

- / افزایش انگیزه و مشارکت: دانش‌آموزان با اشتیاق در فعالیت‌ها شرکت کردند و حتی کسانی که معمولاً در کلاس منفعل بودند، درگیر شدند.
- / یادگیری معنادار: داستان‌گویی و بازی‌ها باعث شدند دانش‌آموزان کاربرد واقعی دستور را در زندگی و گفت‌وگوها درک کنند.
- / تقویت مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی: کار گروهی و بازخورد همتایان بر مهارت همکاری، تعامل و اعتمادبه‌نفس در دانش‌آموزان افزود.
- / یادگیری پایدار: ترکیب فناوری، بازی و فعالیت‌های خلاقانه زمینه تثبیت مطالب در حافظه بلندمدت دانش‌آموزان شد.

* نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این تجربه نشان داد که ترکیب روش‌های سنتی با فناوری‌های نوین و فعالیت‌های خلاقانه می‌تواند آموزش دستور را به فرایندی جذاب، معنادار و مشارکتی تبدیل کند. زبان‌آموزان نه تنها درک عمیق‌تری از مفاهیم دستوری پیدا کردند و با کاربرد عملی آن آشنا شدند، بلکه مهارت‌های همکاری، خلاقیت و اعتمادبه‌نفس آن‌ها نیز تقویت شد.

پی‌نوشت‌ها

1. Blended Learning
2. Prezi
3. Open the Box
4. Spin the Wheel





دکتر عباسعلی مظفری

آراهایش



حکمت ۱۹۶ نهج البلاغه

به سخنان گهربار
دکتر محمدعلی انصاری
گویش فرادهدید.

امام علی (ع) در کلام پر معنایی به نکته مهمی درباره سرمایه‌ها و اموال اشاره کرده است. او می‌فرماید: «آنچه از مال تواز دست می‌رود و مایه پند و عبرت می‌شود، در واقع از دست نرفته است» (حکمت، ۱۹۶، نهج البلاغه).

اگر مال در مسیر اطاعت فرمان خدا و انجام کارهای مثبت مادی و معنوی قرار گیرد، بهترین وسیله به شمار می‌آید و اگر در مسیر عصبان و گناه و کارهای زیان‌بار به کار رود، بدترین وسیله است.

گاهی مال برای رفع نیازهای مادی به کار می‌رود و زمانی برای نیازهای غیر مادی، مثل آموختن علم یا جهاد فی سبیل الله. اما گاهی در راهی هزین می‌شود که ظاهر از بین می‌رود و فانی می‌شود. اما پندی به انسان می‌آموزد؛ پندی که گاهی انسان را از ضررهای بسیار در آینده زندگی حفظ می‌کند و منافع گران‌بهایی در بر دارد. این گونه اموال، اگر چه در ظاهر فانی شده‌اند، اما نه تنها از بین نرفته‌اند، بلکه بسیار پرسود بوده‌اند. تحلیل صحیح و بهره‌گیری از این کلام گهربار امام (ع) در تعلیم و تربیت بسیار اهمیت دارد.

البته این سخن به صرف مال و ثروت منحصر نیست. از دست دادن نعمت‌های دیگر که سبب بیداری و هشیاری انسان می‌شود نیز در واقع ضرر و زیان محسوب نمی‌شود.

اگر انسان اموالی را از دست می‌دهد و چیزی عاید او نمی‌شود جز اینکه بر این مصیبت صبر کند و شکر به جا آورد و پاداش شاکران را بگیرد، باز در واقع اموال او از دست

نرفته‌اند. از این رو، در غررالحکم، این جمله از امام (ع) نقل شده است: «لن يذهب من مالک ما وعظک وحاز لک الشکر»؛

آنچه از مال تواز بین می‌رود و تو را پند می‌دهد، در واقع از بین نرفته و جای شکر دارد. چرا ما در زندگی دچار نگرانی هستیم؟ چرا انواع ترس‌ها اجازه نمی‌دهند که ما با شادی عمیقی مواجه شویم؟ آیا به خاطر این است که ارتباط با خداوند را به شکل واقعی تجربه نمی‌کنیم و خود را به یک قدرت عظیم متصل نمی‌بینیم؟ چنین کسی می‌داند که رشته امور جهان دست این و آن نیست که دچار تشویش شود و حتی اگر مصیبتی به او برسد آن مصیبت آرامش عمیق درونی او را به هم نمی‌زند.

کسی که مدرسه می‌سازد یا انفاق می‌کند، زکات می‌دهد و... در ظاهر به نظر می‌رسد از داشته‌های او کم می‌شود، اما وقتی کسی با حقیقت این اعمال آشنا شود، احساس می‌کند هر کمکی به دیگران، در واقع کمک به خود اوست.

آیه ۲۳ سوره شریفه حدید می‌فرماید: «لِكَيْلا تَأْسَوْا عَلَى ما فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِما آتَاكُمْ».

این آیه به ما می‌گوید، به آنچه از دست می‌دهید زیاد اندوه نخورید و به خاطر آنچه به دست می‌آورید زیاد شادمان نشوید. اگر نعمتی از دست رفت، به جزع و فزع نیفتید. این طور نباشد که فکر کنید دنیا به آخر رسیده است.

انسان مؤمن آن قدر ظرفیت و سعه صدر دارد که حتی اگر دنیایش را هم از او بگیرند، می‌گوید من خدا دارم و رازق من خداست و او مرا رها نمی‌کند.

در آن سو، آیه تصریح می‌کند که اگر دنیا به شما رو کرد و به نعمتی رسیدید، نباید سرمست و مغرور شوید. این همان اعتدالی است که از آن سخن گفتیم. انسان مؤمن نه از به دست آوردن مغرور می‌شود و نه از دست دادن او را از پا می‌اندازد.

می‌توان گفت، تأمین شادی عمیق و ماندگار برای انسان زمانی ممکن است که خوراک مناسب برای روح خود فراهم کند. نه تنها در اسلام، که در همه ادیان، این خوراک‌های معنوی پیش‌بینی شده‌اند.

غم در قرآن با واژه «حزن» بیان شده است. سوره یونس در آیه‌های ۶۲ و ۵۸ از زیباترین نعمت‌های خداوند را شادی، مهر و محبت و عشق و ورزیدن می‌داند.

با الهام از آیات قرآن کریم و کلام گهربار امام علی (ع) در نهج البلاغه آموزش مدیریت هیجانات و احساسات شامل خشم، ترس، غم، شادی و... از مفاهیم مهمی است که در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان باید با اولویت و بهره‌گیری از روش‌های نوین مورد توجه قرار گیرد. (۱)

مدیریت هیجانات در نهج البلاغه

کشف دنایای کوچک

با

ذهنی بزرگ

عبدالرضا شیرکوند
دبیر علوم تجربی، شهرستان ورامین

از لمس برگ تا درک جهان: سفر آموزشی مونته‌سوری

بیش از صدسال پیش، خانم ماریا مونته‌سوری ایتالیایی، اولین پزشک زن اروپایی، رویکردی نوین و خلاق را در آموزش و پرورش کودکان بنیان نهاد. این مدل تربیتی به‌عنوان یکی از رویکردهای فعال و یادگیرنده محور در آموزش به فراگیرندگان، بر اساس احترام به توانایی‌های طبیعی آن‌ها، یادگیری خودآگاه و خودانگیخته، اصول کشف، تجربه و خودهدایت یادگیرندگان بنا شده است. در این الگوی تربیتی، دانش آموز موجود منحصر به فردی است که قادر به توسعه و رشد، امید و نوید بشر برای نشان دادن روند حقیقی انسان‌سازی و ساختن جهانی انسانی‌تر است (مونته‌سوری، ۱۹۳۳-۱۹۳۲ به نقل از لیالارد و امکوف، ۲۰۱۹). مونته‌سوری معتقد است که در رویکرد سنتی، فرایند آموزش به‌واسطه کمک‌رسانی زیاد به دانش آموز و محدود کردن آزادی او در فرایند اکتشاف، باعث محدودیت رشد او شده است، حال آنکه اساس نوآوری در فرایند آموزش مبتنی بر نظارت معلم، بر تلاش آزاد دانش‌آموزان برای کشف محیط، و نیز طراحی و آماده‌سازی محیط به نحوی است که پاسخ‌گوی نیازهای اکتشافی آن‌ها باشد (مونته‌سوری، ۲۰۱۷: ۲۷-۲۵).

در تجربه عملی کلاس ما، ابتدا مفاهیم برگ، گل و ریشه، با استفاده از روش سه مرحله‌ای مونته‌سوری^۱ به فراگیرندگان آموزش داده شد. در روش آموزش سه مرحله‌ای مونته‌سوری که برای آموزش مفاهیم رنگ‌ها، کشورها، عددهای انگلیسی و... به کار می‌رود، یادگرفتن بیش از سه عنوان جدید ممکن است برای دانش‌آموزان گیج‌کننده باشد. پس بهتر است با این روش بیش از سه عنوان آموزش داده نشود و تا یادگیری کامل مرحله موردنظر انجام نشود، نباید به مرحله جدید وارد شد.



مرحله اول نام‌گذاری است. در این مرحله، مربی نام مفهوم علمی موردنظر را به فراگیرندگان می‌گوید و از آن‌ها می‌خواهد آن را تکرار کنند. مرحله دوم شناسایی است. فراگیرندگان باید مفهوم را با نام آن مرتبط کنند. بدین ترتیب که ابتدا مربی نام آن مفهوم را بیان می‌کند و در ادامه از آن‌ها می‌خواهد آن شیء یا مفهوم موردنظر را به او نشان دهند. در گام سوم که یادآوری نامیده می‌شود، دانش‌آموزان باید بدون کمک مربی بتوانند نام شیء یا مفهوم علمی را به خاطر بیاورند و آن را شناسایی کنند.

مزیت‌های آموزش سه مرحله‌ای عبارت‌اند از: شفافیت، یادگیری فعال، انعطاف‌پذیری و انگیزش. در شفافیت، هر مرحله به‌وضوح برای فراگیرنده تعریف می‌شود تا بداند از او چه انتظاری می‌رود. در یادگیری فعال، دانش‌آموز درگیر فرایند یادگیری می‌شود و به جای آنکه فقط اطلاعات را دریافت کند، خود را درگیر شناسایی و یادآوری می‌کند. انعطاف‌پذیری می‌تواند برای آموزش مفاهیم گوناگون و با توجه به سطح‌های یادگیری فراگیرندگان مورد استفاده قرار گیرد. انگیزش باعث می‌شود یادگیرنده از یادگیری لذت ببرد و به یادگیری تمایل بیشتری داشته باشد.

اجرای عملی روش سه مرحله‌ای مونته‌سوری در کلاس به این صورت انجام می‌شود که مربی برای آموزش سه مفهوم دمبرگ، پهنک و دسته‌های آوندی، در مرحله اول که نام‌گذاری نام دارد، این سه کلمه را روی تخته کلاس می‌نویسد و از دانش‌آموزان می‌خواهد هر کدام از این کلمه‌ها را سه بار تکرار کنند. برای مثال، دانش‌آموزان کلمه دمبرگ را سه مرتبه به‌صورت متوالی تکرار می‌کنند. در مرحله شناسایی، مربی برگ را مقابل دیدگان فراگیرندگان می‌گیرد و از آن‌ها می‌خواهد سه قسمت دمبرگ، پهنک و دسته‌های آوندی را روی این برگ به او و سایر فراگیرندگان نشان بدهند. در مرحله یادآوری، معلم یا مربی بدون کمک و یاری به دانش‌آموزان، از آن‌ها می‌خواهد که کلمه‌های دمبرگ، پهنک و دسته‌های آوندی را به یاد بیاورند و روی نمونه واقعی برگ‌های آن‌ها را نشان بدهند. مثال: فرض کنید می‌خواهیم به دانش‌آموزان مفهوم پهنک برگ را آموزش دهیم.

/ نام‌گذاری: معلم می‌گوید این قسمت پهنک برگ است و دانش‌آموز تکرار می‌کند: «پهنک»

/ شناسایی: معلم می‌گوید «پهنک» و از دانش‌آموز می‌خواهد پهنک برگ را به او نشان دهد.

/ یادآوری: معلم از دانش‌آموز می‌پرسد این چیست؟ و دانش‌آموز باید بگوید «پهنک برگ».

با روش مونته‌سوری می‌توان مفهوم برگ، ویژگی و ساختار برگ‌های گوناگون گیاهان را به دانش‌آموزان آموخت. ادوارفر (۲۰۰۲) می‌گوید: ارتباط پویا و متقابل بین دانش آموز، محیط و مربی، وجه ممیز و ویژگی شاخص الگوی مونته‌سوری است. در همین راستا، ابتدا مربی از دانش‌آموزان می‌خواهد همگی به داخل حیاط مدرسه بروند و هر گروه به انتخاب خود یک برگ از یک درخت، بوته یا علف‌های موجود در فضای سبز مدرسه را جدا کند و به کلاس بیاورد. تعداد هفت برگ متفاوت روی میز مربی قرار داده می‌شود. از آنجایی که اساس کار مونته‌سوری در کلاس درس این است که به انتخاب شخصی در تحقیق و کار احترام گذاشته شود و بیشتر بر درس‌های گروهی یا راهنمایی بزرگسال تأکید می‌شود (ابوطالبی و همکاران، ۱۳۹۳)، در ادامه، مربی به فراگیرندگان حق انتخاب می‌دهد تا به دلخواه یکی از برگ‌های روی میز را بردارند و به داخل گروه خود ببرند. در روش آموزشی مونته‌سوری، آموزش فراگیرندگان از طریق دست‌کاری فعال^۲ مواد صورت می‌گیرد که بهترین شیوه آموزش است. با تکرار حرکت‌ها، برقراری ارتباط بین دست و مغز، روابط موجود بین این مواد آموزشی به‌صورت آموزش در ذهن او جای می‌گیرند (لوپاتا^۳ و همکاران، ۲۰۰۵).

در کلاس ما، بر همین اساس، یک عدد برگ گیاه در اختیار هر گروه قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد با دست‌کاری فعال، مشاهده ویژگی‌ها ظاهری، ساختاری و شکلی (رنگ، بو، اندازه، تعداد و...) برگ را شروع و حاصل مشاهده‌شان را روی برگه یادداشت کنند. سپس معلم از یک دانش‌آموز می‌خواهد نتایج مشاهده و یافته‌های هر گروه را به‌صورت مکتوب و به این صورت روی تخته کلاس یادداشت کند.

**دانش‌آموز موجود
منحصربه‌فردی
است که قادر به
توسعه و رشد،
امید و نوید بشر
برای نشان دادن
روند حقیقی
انسان‌سازی و
ساختن جهانی
انسانی‌تر است**



/ گروه اول: رگبرگ/ دُمبرگ/ آوند/ لبه‌های دندان‌های/ شاخه + ۲ برگ/ سبز/ زبری پشت برگ.

/ گروه دوم: پهن/ شبیه برگ شبدر/ آوند/ گوشه‌های دندان‌های/ دُمبرگ کوتاه/ تفاوت رنگ در دو طرف/ محل اتصال دُمبرگ به برگ قرمز/ یک دُمبرگ/ آوند منشعب/ سطح نرم/ شبیه برگ انگور.

/ گروه سوم: اشکی شکل/ براق/ دُمبرگ کوتاه/ رگبرگ نامتقارن/ حاشیه نامنظم/ اندازه متوسط/ پشت برگ مات/ رو (سبز پررنگ)/ پشت (سبز کمرنگ).

/ گروه چهارم: مدل انگشتی/ پهن/ سطح زبر/ پشت برگ روشن تر/ نازک/ دُمبرگ بلند ضخیم/ لبه‌های دندان‌های/ رگبرگ.

/ گروه پنجم: زبر/ سطح پشتی محملی/ رنگ متفاوت پشت و رو/ بوی تند/ گوشه‌های دندان‌های/ رگبرگ اصلی ضخیم و فرعی نازک/ مخروطی شکل/ شکل پر طاووس کشیده/ دُمبرگ/ رو سبز پررنگ و پشت سبز کمرنگ.

/ گروه ششم: سبز رنگ/ قرینه/ سطح ناهموار/ پشت برگ برجسته/ رگبرگ منشعب/ به سمت بالا رگبرگ نازک می‌شود/ دُمبرگ کوتاه/ برگ سالم/ نوک برگ باریک و خمیده/ نه ضخیم و نه نازک/ کشیدگی.

/ گروه هفتم: سبز تیره/ اشکی شکل/ رأس نوک تیز/ پشت زبر/ حاشیه دندان‌دار/ سطح صاف/ برگ پهن/ دُمبرگ/ قرینه/ رگبرگ میانی و فرعی/ برگ درخت توت.

داده‌ها نشان داد که روش مونتسوری از لحاظ خودتعلیمی و اصلاح خود بسیار موفق است. در این روش دانش آموزان با کارکردن و تجربه یاد می‌گیرند. همچنین، محیط مخصوص برای فراگیرندگان آماده می‌شود تا در با هم، با آزادی کامل، بدون مانع، هر چیزی را اندازه بگیرند و بدون خطر لمس و استفاده کنند (شرما، ۲۰۰۴).

در پایان، گروه‌ها درباره تفاوت‌ها و شباهت‌های بیان شده درباره ویژگی‌های برگ‌ها بحث و تبادل نظر می‌کنند و موارد روی تخته کلاس علامت زده می‌شوند. بدین ترتیب دانش آموزان با مشاهده مستقیم و تعامل گروهی، مفاهیم را به روش کاوشگری کشف و درونی خواهند کرد و با انواع برگ‌ها و ویژگی‌های آن آشنا می‌شوند. حتی اگر یافته‌های دانش آموزان کمبودها و ایرادهایی داشته باشد، پس از مراجعه‌شان به کتاب درسی، متوجه خواهند شد که برخی از ویژگی‌ها مختص گروهی خاصی از برگ‌ها هستند و برخی دیگر عمومیت بیشتری دارند، یا برخی ویژگی‌ها نادرست بیان شده‌اند. بدین ترتیب، در مدل آموزشی مونتسوری، خودگردانی و خویشتن‌آموزی فراگیرندگان در تعامل گروهی و برخورداری از ابزار برای تغییر و آفرینندگی اتفاق می‌افتد. در نهایت یادگیری اصیل، واقعی و مفهومی در دانش آموزان روی می‌دهد. امروزه این روش همچنان در برخی مدرسه‌های پیشرفته دنیا اجرا می‌شود. از بروندهای آن می‌توان افراد موفق و نام‌آوری را در سراسر جهان امروز برشمرد. ❁

پی‌نوشت‌ها

1. McHugh.
2. 3PL
3. Actively Manipulating.
4. Lopata, C.
5. Sharma.

منابع

۱. ابوطالبی شکور، آزاده؛ حسن‌زاده، رمضان؛ بخشی‌پور، باب‌الله (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش به روش مونتسوری بر مهارت‌های شنیداری، ادراک دیداری و کنترل حرکتی در کودکان پیش دبستانی. دومین کنفرانس ملی روان‌شناسی و علوم رفتاری. تهران.
2. Edwards, C. P. (2002). Three approaches from Europe: Waldorf, Montessori, and Reggio Emilia. Faculty publications, Department of Child, Youth, and Family Studies. 2. <https://digitalcommons.unl.edu/famconfacpub/2>.
3. Lillard, A. S. & McHugh, V. (2019). Authentic Montessori: The Dottoressa's view at the end of her life part II: The teacher and the child. Journal of Montessori Research, 5 (1): 19-34. <http://orcid.org/0000-0001-9697-6611>.
4. Lopata, C., Wallace, N. V., & Finn, K. V. (2005). Comparison of academic achievement between Montessori and traditional education programs. Journal of research in childhood education, 20(1). Retrieved December 13, 2008, from ERIC.
5. Montessori, M. (2017). The Montessori method. With an introduction by J. M.cV. Hunt and a new introduction by Jaan Valsiner, Rutledge.
6. Sharma, S.R. (2004). The concept of preschool education. New Delhi, publisher: mahmaya pub.



فرزانه نوراللهی
کارشناس و پژوهشگر آموزشی

ارائه

در فضای مدرسه و کلاس معرفی می‌کند. در این مثلث، ضلع سوم برون داد تعریف شده که به لحاظ کاربردی با مولفه دوازدهم طراحی آموزشی که همان جلوه ارائه و ارزشیابی است، هم‌جنس و یکسان است و به لحاظ اهمیت بسیار زیادی که این مولفه دارد، یکی از ضلع‌ها هم با این عنوان نام‌گذاری و بر آن تأکید شده است.

۱۲. جلوه ارائه و ارزشیابی: ترسیم برون دادهای مورد انتظار در قالب جمله‌هایی از جنس شایستگی و روشنگری درباره جایگاه مطلوبی که یادگیرنده در پایان فرایند یادگیری باید بدان دست یابد، از دیگر مشخصه‌های طراحی آموزشی کامل است و به دانش آموزان احساس آرامش می‌دهد. این کار در دوره غلبه و تسلط اهداف رفتاری بر فضای یادگیری هم انجام می‌شد اما تفاوت آن در نوع بینشی بود که بر تدوین اهداف آموزشی به صورت محدودکننده و مکانیکی در آن زمان حاکم بود.

ضلع سوم، ارائه آموخته‌ها توسط دانش آموزان: ضلع سوم مثلث ارتقای یادگیری، تأکید بر عرضه حاصل و برون داد یادگیری و دادن فرصت به دانش آموزان برای ارائه آموخته‌هاست. منظور از ارائه این است که دانش آموز دستاوردهای میانی یا نهایی خود از سیر و سفر یادگیری را نمایش دهد و به مؤثرترین شکل ممکن در اختیار دیگران بگذارد. (۱)

آیا توانمندی‌های دانش آموزان را می‌شناسید؟
آیا در کلاس شما فرصت تأمل و شناخت فردی وجود دارد؟
تابه حال فکر کرده‌اید چگونه می‌توان در فرصت‌های کم کلاسی، به‌ویژه در دوران متوسطه دوم، مسائل تربیتی را با موضوع‌های درسی تلفیق کرد و مهارت‌های دانش آموزان را ارتقا داد؟
آیا برای شناخت، رشد و توسعه تفاوت‌های فردی در کلاس برنامه خاصی دارید؟
آیا توجه کرده‌اید دانش آموزان، به‌ویژه کودکان دوران ابتدایی، چقدر از مهارت‌های عملی و فعالیت‌هایی که به مناسبت‌های گوناگون در کلاس و مدرسه انجام می‌شود استقبال می‌کنند؟
آیا تاکنون به قدرت معجزه‌آمیز ارائه اندیشیده‌اید؟

در شماره‌های قبل، چهارده مؤلفه از ضلع طراحی آموزشی را به‌طور کامل معرفی کردیم. طراحی آموزشی یکی از رکن‌های سه‌ضلعی‌ای بود که الگویی برای ارتقای کیفیت یادگیری



سفر یادگیری ← طراحی مسیر به منزله تعیین فعالیت‌های یادگیری

۱	نوشتن اهداف در قالب شایستگی	انتظار می‌رود دانش آموز در پایان فرایند یادگیری به چه نوع تولید ذهنی یا فکری برسد و چه توانمندی‌هایی از خود نشان دهد؟
۲	طراحی دقیق، رشددهنده، تدریجی، سیرمنطقی، پله‌های ارزشمند و قابل دستیابی	طی مسیر با پیمودن چه مسیرهایی امکان‌پذیر است؟ این پله‌ها (مجموعه فعالیت‌ها)، سناریوی یادگیری یا طراحی آموزشی قابل اجرا توسط معلم است.
۳	یک شروع خوب	چشم‌اندازی جذاب پیش روی دانش آموز گشوده می‌شود تا بداند مطالب یادگرفته شده در زندگی به چه صورت کاربرد دارد.
۴	توجه به پیش‌دانسته‌ها	معلم می‌تواند پیش‌دانسته‌های دانش‌آموزان را احصا کند و در صورت مشترک‌نبودن آن‌ها، فعالیتی را برایشان تدارک بیند تا نقطه شروع یادگیری‌شان یکی شود.
۵	انتخاب الگوی تدریس	الگوی بارش فکری، الگوی اعضای تیم، الگوی دریافت مفهوم، الگوی کاوشگری و ...
۶	یادگیری فعال، تولید مفهوم توسط یادگیرنده	فعالیت‌ها چگونه به تولید مفهوم توسط دانش‌آموزان می‌انجامد.
۷	یادگیری مشارکتی، اجتماعی و گروهی	چه حجمی از فعالیت عملی، بحث و گفت‌وگو، حل مسئله و امتحان به صورت گروهی همراه با تبادل نظر انجام می‌شود؟
۸	سطوح بالای عملکرد	آیا طرح مسئله پیچیده‌تر یعنی سطح عملکرد بالاتر (یا دشوارتر)؟
۹	کاربست آموخته‌ها در موقعیت جدید	توجه به وجه کاربردی و مفید بودن یادگیری
۱۰	توجه به تفاوت‌های فردی در یادگیری	توجه به هوش‌های چندگانه، سبک‌های یادگیری و وجوه شخصیتی و فرهنگی متفاوت دانش‌آموزان به صورت وجود فعالیت‌های موازی و انعطاف‌پذیر در طراحی آموزشی، توجه به فعالیت‌های یادگیری به شمار می‌آید.
۱۱	رویکرد تلفیقی	استفاده از یادگیری زمینه‌محور و رویکرد موضوعی (تماتیک) در سازمان‌دهی محتوای یادگیری از روش‌های پیشرفته برنامه‌ریزی درسی به شمار می‌آید.
۱۲	جلوه ارائه و ارزشیابی	در طراحی آموزشی جایگاه مطلوبی که یادگیرنده در پایان فرایند یادگیری به آن دست می‌یابد مشخص است.
۱۳	فعالیت‌های خارج از کلاس، کلاس معکوس	باید مسیری برای ادامه یادگیری در بیرون کلاس ترسیم شود که دقیقاً به سناریوی داخل کلاس مربوط می‌شود.
۱۴	فراشناخت	در پایان فرایند یادگیری بهتر است یادگیرنده نگاهی از فراز به سیر و سفر خود در مسیر یادگیری این درس بیندازد و چگونگی حرکت خود را در این مسیر بازشناسی و تحلیل کند.

شاید تصور شود توضیح شفاهی همان ارائه است، اما توضیح شفاهی و صحبت عادی با ارائه تفاوت‌هایی دارد که در اینجا می‌آوریم:

* تفاوت ارائه با صحبت عادی

ارائه	صحبت عادی
ساختارمند (مقدمه، بدنه، نتیجه) است	ساختار مشخص ندارد.
معمولاً مطالب از قبل آماده می‌شود.	معمولاً بداهه و بدون برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد.
مطالب غالباً همراه با پرده‌نگار یا تصویر و با کمک ابزارهای مختلف به نمایش گذاشته می‌شود.	بدون استفاده از ابزار صورت می‌گیرد.
در آماده‌سازی مطالب از تلفیق اطلاعات و انواع مهارت‌ها استفاده می‌شود.	به تلفیق دانش و مهارت نیازی نیست.
هدفمند و نتیجه‌محور است.	هدف مشخص ندارد.

حال ببینیم واژه ارائه و برون‌داد در فرهنگ آموزشی به چه معناست و چه تفاوت‌هایی با صحبت کردن عادی دارد؟

ارائه به زبان ساده یعنی «من چیزی می‌دانم و آن را به شکلی واضح، ساختارمند و جذاب به دیگران توضیح می‌دهم». در عمل هم به فرایند منتقل کردن منظم و هدفمند اطلاعات، ایده‌ها یا نتایج به یک یا چند نفر گفته می‌شود، به‌طوری که مخاطب موضوع را درک کند، قانع شود یا تصمیم بگیرد.

ارائه معمولاً به صورت شفاهی انجام می‌شود و غالباً با ابزارهای بصری مثل اسلاید، نمودار، تصویر یا ویدئو همراه است.

واژه «برون‌داد» در زبان فارسی به معنای خروجی یا نتیجه یک فریند، به‌ویژه در زمینه‌های علمی، فناوری و مدیریت اطلاعات استفاده می‌شود.

در این الگو منظورمان از ارائه یا برون‌داد، هر نوع خروجی یا نتیجه‌ای است که پس از پایان فرایند یادگیری، به‌منظور ارزشیابی پایانی، از دانش‌آموز گرفته می‌شود.

ارائه به منزله هدف و روش: اگر یک فرایند یادگیری به دستیابی مطلبی قابل ارائه منجر شد، می‌توان آن را یادگیری موفقیت‌آمیز تلقی کرد. باید تأکید کرد که ارائه آموخته‌ها به وسیله دانش آموز در سطح مدرسه، هم از نظر روش و هم از نظر هدف اهمیت ویژه دارد و فرایند آموزش و عینیت‌بخشی به هدف یادگیری را احیا می‌کند. از این رو بر ارائه باید بسیار تأکید کرد. اگر در فضای مدرسه به ارائه دانش‌آموزان اهمیت داده شود، آنان به این فضا دل‌بسته و علاقه‌مند می‌شوند و احساس آزادی عمل می‌کنند. دانش‌آموزانی که در مدرسه با فرصت‌های متعدد برای ارائه روبه‌رو می‌شوند، رشد می‌کنند، به خودباوری و اعتماد به نفس می‌رسند، نسبت به آموخته‌ها احساس مالکیت پیدا می‌کنند و انگیزه یادگیری‌شان مضاعف می‌شود. ارائه موفق در یک کلام موجب احساس موفقیت در یادگیرنده می‌شود، همان‌طور که یک ضرب‌المثل انگلیسی می‌گوید، هیچ چیز مانند موفقیت، موفقیت بعدی را نمی‌آفریند. (۲)



* اجزای اصلی ارائه

ارائه‌دهنده که همان دانش‌آموز است (به صورت فردی یا گروهی)؛ مخاطب در هر شرایطی متفاوت است. بسته به شرایط می‌تواند معلم و دانش‌آموزان کلاس، دانش‌آموزان کلاس‌های دیگر، معاون و مدیر مدرسه، اولیای دانش‌آموزان، دانش‌آموزان مدرسه‌های دیگر و عموم مردم باشد. پیام یا محتوا عموماً مطالب درسی، پروژه‌هایی که در پاسخ به پرسش‌های آموزشی شکل گرفته، نتیجه تحقیق‌ها و تحلیل‌ها، پرداختن به ارزش‌ها یا مسائل اجتماعی، ایجاد انگیزه و تغییر نگرش، و تمرکز بر خلاقیت همراه با اجرا و بیان حس است. ابزار ارائه مداد و کاغذ، مقوا، پادبیش و تکه فیلم، پرده نگار (پاورپوینت)، پوستر، تخته، ویدئو، مجله، بروشور، دست‌سازه، غرفه‌های دانش‌آموزی و نمایشگاه، نمایش، سرود، شعر، آهنگ و محصولات آماده است. سبک ارائه می‌تواند بصری، بداهه، داستان‌محور، داده‌محور، تعاملی یا چندرسانه‌ای باشد. هدف می‌تواند آموزش، متقاعدسازی، گزارش‌دهی، فروش و در کل بیان آنچه آموخته و دریافت شده است، باشد.

ترکیب فکورانه مهارت‌ها: به طور کلی، ارائه فعالیت است که از ترکیب مهارت‌های متفاوت دانش‌آموزان (مهارت‌های مکتوب، هنری و خلاق) به وجود می‌آید و بستری است برای اینکه آن‌ها بتوانند استعداد‌های نهفته خود را آشکار کنند. بنابراین، ارائه ماهیتی کاملاً تلفیقی و بسیار سازنده و رشد‌دهنده دارد. جنبه هدفی ارائه از همین ماهیت نشئت می‌گیرد. نوع ارائه دانش‌آموز باید فکورانه باشد، یعنی عناصری مانند خلاقیت، هنر، استفاده از رسانه‌های متنوع و استفاده از فن سواد رسانه‌ای را در برگیرد. هنگام ارائه همیشه از دانش‌آموزان پرسیده می‌شود چگونه می‌توانند یک مطلب یا موضوع را به صورتی جدید به دوستانشان عرضه کنند و این عرصه نوآوری و خلاقیت است. (۳)

به منظور بسترسازی این ترکیب فکورانه می‌توان سبک‌های ارائه را به صورت زیر هم دسته‌بندی کرد:

انواع سبک	مثال ارائه دانش‌آموزی در کلاس درس یا مدرسه
عقلانی - مفهومی	ارائه درباره چرخه آب در طبیعت با استفاده از نمودار و توضیح علمی در کلاس علوم، آموزش همراه با دست‌سازه یا نمودار برای درس ریاضی
غیرزبانی - فیزیکی	اجرای نمایش کوتاه درباره آداب معاشرت با استفاده از زبان بدن و حالت‌های چهره
تصویری - نمادین	طراحی پوستر درباره صرفه‌جویی در مصرف انرژی و ارائه آن با توضیح نمادها، طراحی دفترک (بروشور) درباره معرفی شخصیت‌های ادبی یا دانشمندان
شنیداری - موسیقایی	پخش قطعه‌ای از موسیقی سنتی و توضیح تأثیر آن بر فرهنگ ایرانی در کلاس هنر، پخش گفت‌وگوهای دوستانه به زبان‌های عربی یا انگلیسی که به صورت گروهی اجرا و ضبط شده‌اند.
نمایشی - اجرایی	اجرای نمایشی کوتاه درباره زندگی سعدی در کلاس ادبیات، با لباس و حرکت‌های نمایشی، نمایش‌های کوتاه برای مکالمه‌های درس عربی و زبان انگلیسی
دیجیتال - چندرسانه‌ای	ساخت پاورپوینت درباره سیاره‌ها با ترکیب تصویر، پویانمایی و صداگذاری در کلاس جغرافیا، تهیه پادبیش درباره خلاصه کتاب‌هایی که در مورد موضوع‌های درس پیام‌های آسمان خوانده می‌شوند.
نمادین - فرهنگی	ارائه درباره آیین شب یلدا با نمایش خوراکی‌ها، شعرخوانی و توضیح نمادهای فرهنگی
هنری - خلاقانه	خواندن شعر سروده‌شده توسط خود دانش‌آموز درباره طبیعت و توضیح احساسات پشت آن

در این شماره، با در نظر گرفتن این موضوع بسیار مهم آموزشی، یکی از کارگاه‌های آموزشی معلمان را به صورت وب‌نشست و برخط با عنوان ارائه برای ارائه اجرا کرده‌ایم تا کارکرد و شعاع عملیاتی این رکن آموزشی را به نمایش بگذاریم.

هدف از جنس شایستگی: مخاطبان با حضور مؤثر و مشارکت فعال در کلاس مجازی، فعالیت‌های خواسته‌شده را انجام می‌دهند و نسبت به پاسخ‌های یکدیگر تأمل می‌کنند و در موقع نیاز با تفکر روی پاسخ یکدیگر، به جمع‌بندی و بهترین پاسخ می‌رسند.

* ملاک‌های ارزشیابی

شیوه اجرا

ابتدا از همه معلمان می‌خواهیم تصویر خود را در کلاس فعال کنند. یادمان باشد، در هر یادگیری، اولین و مهم‌ترین رکن، برقراری ارتباط مؤثر است. در کلاس مجازی، این ارتباط از اهمیت بیشتری برخوردار است. به هر شکل ممکن باید برای آن وقت بگذاریم و برنامه‌ریزی کنیم و مطمئن باشیم تمام مخاطبان در کلاس حضور دارند و از فضای کلاس مجازی استفاده مفید می‌کنند.



باید تأکید کرد، ارزشیابی یادگیری محسوب می‌شود و با رویکردهای ارزشیابی در خدمت یادگیری سازگاری فراوان دارد



محاسبه یاد گرفته‌اند، در خرید نیازمندی‌های خانه به کار ببرند و در کلاس درس برای بقیه بچه‌ها شرح دهند و بی‌نهایت مثال کاربردی دیگر که می‌توان به تعداد دانش‌آموزان آن را توسعه داد.

در واقع، سؤال اساسی ما از همهٔ معلمان این است: برون‌دادهای متعددی که در کلاس درس، پس از آموزش و در پایان مسیر یادگیری از دانش‌آموزان برای ارائهٔ مفاهیم یادگرفته‌شده دریافت می‌کنید، به چه صورت و سبک‌هایی هستند؟ پاسخ این سؤال در ابتدای مقاله به صورت مبسوط آورده شده است.

حال از سه نفر از مخاطبان خواسته شد دریافت‌های خود از این جلسه را بازگو کنند. این مرحله نیز خود نوعی ارائهٔ آموخته‌هاست.

ارائه یعنی: من به روش‌های متفاوت بگویم چه یاد گرفته‌ام؟ برون‌داد یعنی مجموعه‌ای از روش‌های متعدد ارائه که می‌تواند فهم و یادگیری من از آن مطلب را به دیگران انتقال دهد.

نتیجه

ارزشیابی: باید تأکید کرد، ارزشیابی یادگیری محسوب می‌شود و با رویکردهای ارزشیابی در خدمت یادگیری سازگاری فراوان دارد. هنگامی که دانش‌آموزی یافته‌های خود را ارائه می‌کند، در واقع سطح کیفی فرایندی که پیموده و فرآورده‌هایی را که به دست آورده است، در معرض قضاوت دیگران قرار می‌دهد. از این طریق ادامهٔ مسیر او، جنبه‌هایی که نیازمند بهبود یا ترمیم هستند و عرصه‌هایی که قابلیت سرمایه‌گذاری و شکوفایی دارند، آشکار و بازخوردهای رشددهنده‌ای فراهم می‌شوند. بدین ترتیب، ضلع‌های این مثلث، یعنی طراحی آموزشی کارآمد، رسانه‌های یادگیری پرشمار و ارائه، فضایی به وجود می‌آورند که در آن همهٔ دانش‌آموزان می‌توانند به خوبی رشد کنند. (۴)

منابع

۱. مقاله یادگیری رشد دهنده، محمود امینی تهرانی، ضمیمه ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی معلم (ویژه‌نامه پایه یازدهم)، ۱۳۹۶.
۲. همان مقاله
۳. همان مقاله
۴. همان مقاله

نکته مهم در این قسمت که همهٔ مخاطبان باید به آن توجه کنند، علت تأثیرگذاری بوده است. پس از پایان پاسخ‌گویی می‌خواهیم دوستان به فصل مشترک این انتخاب‌ها اشاره کنند. هر کدام از این انسان‌های اثرگذار قادر بودند با رفتار یا ویژگی یا توانمندی خود، یک پیام ماندگار را در مخاطب خود نهادینه کنند. این اثر شامل رفتار، شعر، بیان حس، کتاب، تابلوی نقاشی، آواز، یک غذای خوشمزه و... بود. پس انسان‌های اثرگذار توانسته‌اند ارتباط بگیرند و به هر شکل ممکن نتیجهٔ اندیشه و یافته‌هایشان را به دیگران منتقل کنند. در اصل، شکل تأثیرگذاری آن افراد برون‌ریزی و نوعی برون‌داد از یافته‌ها و اندیشه‌هایشان است.

در این قسمت بخش‌های مهم مقاله یادگیری رشددهنده در خصوص جلوه‌های ارائه و برون‌داد (که در این شماره هم به آن ارجاع داده‌ایم) خوانده شد. تأکید کردیم که آنچه موجب یادگیری عمیق‌تر می‌شود، ارائه و حتی ارائه در قالب‌های متنوع است. چنانچه در بیان حال دیدیم که در پاسخ «حالتون چطوره» چه تنوعی در بیان پاسخ می‌تواند وجود داشته باشد و در اثر این تنوع چه رشدی در خلایق و شکوفایی استعدادهای نهفتهٔ افراد شکل می‌گیرد. حال از معلمان عزیز خواسته شد به روش‌های متعددی که در ارائه‌های دانش‌آموزان در کلاس و ارزشیابی پایانی استفاده می‌کنند اشاره کنند و موارد را نام ببرند. علاوه بر موارد مداد و کاغذی، به نمایشگاه دستاوردهای دانش‌آموزی و دست‌سازه‌های آن‌ها اشاره شد. حاصل این فعالیت، افزایش اعتمادبه‌نفس و روحیهٔ همکاری و مشارکت بین یکدیگر است.

از یک معلم ریاضی در پاسخ‌گویی به این پرسش کمک گرفته شد و پس از آن از معلمی که به درس ریاضی علاقه‌مند نبود خواسته شد علت بی‌انگیزگی خود را به این درس، ضمن مرور روش معلم‌های مدرسه در دوران تحصیلی خود، بازگو کند. طبیعی است ایشان در دوران دانش‌آموزی خود تجربهٔ سرخوردگی و حس حمایت‌نشدن از طرف معلم کلاس را داشت و تنها دلیل آن هم استفاده از روش‌های تکراری و تک‌بعدی در کلاس درس بوده است. اگر معلم کلاس به تفاوت‌های دانش‌آموزان توجه می‌کرد و از شیوه‌های متنوع برای آموزش و ارزشیابی استفاده می‌کرد، قطعاً این فرد حس بهتری از دوران یادگیری ریاضی در مدرسه داشت. به عنوان نمونه می‌توان ریاضی را با هنر نقاشی، خیاطی، آشپزی یا نجاری تلفیق کرد. یا از دانش‌آموزان خواست آنچه را از

از معلمان می‌خواهیم با سه روش متفاوت حال خود را بازگو کنند. هر کس زودتر پاسخ را بیان کند، این امتیاز را دارد که از روش‌های بدیع‌تر استفاده کند. در ضمن از همه خواسته می‌شود پاسخ‌های هر فرد را با ذکر نام یادداشت کنند، چون به آن‌ها ارجاع می‌دهیم.

چهره

حالت‌های بدن

لحن و جمله‌های بیان احوال به صورت معمول

چسبانش (استیکر)

بخش موسیقی یا پادپخش

حالت‌های متفاوت رفتاری

استفاده از عبارت‌ها یا شعرهایی که بیان حال باشد کاغذتا لبخند یا حرف زدن نمایش و ایمایش (پانتومیم) استفاده از عروسک یا صورتک (ماسک)



در نهایت، از مجموع روش‌های بیان حال و احوال نتیجه می‌گیریم به چه سبک‌های متفاوتی می‌توان یک مفهوم واحد را ارائه کرد.

سه فرد تأثیرگذار زندگی خود را نام ببرند (غیر از پدر و مادر و افراد خانواده) و به علت تأثیرگذاری این افراد اشاره کنند. چه ویژگی‌های شاخصی باعث این تأثیرگذاری شده است؟

در این مرحله، دوباره از تک‌تک افراد می‌خواهیم پاسخ این پرسش را به صورت صوتی بیان کنند. در موارد خاص، افرادی که امکان استفاده از صداب‌ر نداشته باشند، می‌توانند از نوشتن در قسمت گپ بهره بگیرند.



* چکیده

تعامل معلمان با والدین یکی از ارکان اساسی ارتقای کیفیت تحصیلی و اجتماعی دانش آموزان است. در میان والدین، گروهی وجود دارند که در برابر مشکلات تحصیلی یا رفتاری فرزندانشان هیچ واکنشی نشان نمی دهند یا در فرایندهای آموزشی کمتر مشارکت می کنند. این والدین که به عنوان «اولیای ساکت» شناخته می شوند، چالش هایی برای معلمان ایجاد می کنند. مقاله حاضر علل و تجربه های معلمان را در برخورد با این والدین و راهکارهای بهبود این تعاملات را بررسی می کند.

کلیدواژه ها:

مشارکت والدین، اولیای ساکت، پیشرفت تحصیلی

* مقدمه

در فرایند آموزش، مشارکت والدین در آموزش و پرورش فرزندانشان تأثیر بسزایی دارد. با این حال، برخی از والدین در ارتباط با معلمان و مدرسه ها کمترین مشارکت را دارند یا هیچ واکنشی نشان نمی دهند. این رفتار که به آن «والدین ساکت» گفته می شود، می تواند از عواملی مانند بی اطلاعی از مشکلات تحصیلی فرزند، نگرانی های شخصی، یا نبود اعتماد به نظام آموزشی نشئت بگیرد. معلمان برای مواجهه با چنین والدینی باید راهبردهای خاصی را به کار ببرند.

* تعریف اولیای ساکت

اولیای ساکت به والدینی اطلاق می شود که در تعاملات مدرسه کمترین اظهارنظر یا مشارکت را دارند. این والدین ممکن است در جلسه های ملاقات والدین و معلم کمتر صحبت کنند یا اصولاً ساکت باشند. این نداشتن مشارکت ممکن است مشکلاتی برای معلمان به وجود آورد، چرا که همکاری و درک متقابل والدین، از عوامل کلیدی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است (کاظمی، ۱۳۹۶).

* علل ایجاد رفتارهای ساکت در والدین

چندین دلیل می تواند موجب سکوت و مشارکت نکردن والدین در فرایندهای مدرسه ای شود:

۱/ ناآگاهی از مشکلات فرزند: والدینی که از وضعیت تحصیلی یا رفتاری فرزند خود آگاه نیستند، ممکن است تمایلی به اظهارنظر نداشته باشند (حسینی، ۱۳۹۷: ۷۳-۵۴).

۲/ نگرانی های شخصی یا فرهنگی: برخی از والدین به دلایل فرهنگی یا فردی به ابراز نظر در جمع یا در مورد مشکلات فرزندشان تمایل ندارند. آن ها ممکن است ترجیح دهند فقط نظرات معلمان را بشنوند، بدون اینکه نظرات خود را ابراز کنند (مظفری، ۱۳۹۸: ۴۲-۳۳).

۳/ بی اعتمادی به معلمان یا نظام آموزشی: والدینی که به دلایلی از جمله تجربه های منفی قبلی از معلمان یا مدرسه، نسبت به نظرات معلمان بی اعتماد هستند، ممکن است در جلسه ها هیچ واکنشی نشان ندهند (سالند، ۲۰۰۹).

۴/ فشار روانی و فشار روزمره: گاهی اوقات والدین به دلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی یا شخصی، قادر به تعامل با معلمان و مدرسه ها نیستند. این شرایط ممکن است به سکوت آن ها در جلسه ها منجر شود (نصیری و حسن زاده، ۱۳۹۴: ۴۸-۶۵).

نداشتن مشارکت ممکن است مشکلاتی برای معلمان به وجود آورد، چرا که همکاری و درک متقابل والدین، از عوامل کلیدی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است



* تجربه های معلمان در برخورد با اولیای ساکت

بسیاری از معلمان با والدین ساکت در تعامل هستند و تجربه های متعددی از این دست روابط دارند. برخی از معلمان این والدین را گروهی بی تفاوت می بینند، در حالی که برخی دیگر معتقدند این سکوت می تواند نشانه ای از ناآگاهی یا حتی نگرانی های عمیق تر باشد.

مثال ۱: معلمی گزارش می دهد که والدین یکی از دانش آموزان در جلسه های مشاوره همواره ساکت است و هیچ ارتباطی برقرار نمی کند. این معلم می گوید که برای جلب توجه این والدین تلاش های زیادی کرده، اما آن ها همچنان هیچ اظهارنظری نمی کنند.

مثال ۲: معلم دیگری به این نکته اشاره می کند که والدین ساکت، زمانی که برای ارائه گزارش پیشرفت تحصیلی یا مشکلات رفتاری فرزندشان به آن ها مراجعه می شود، تنها گوش می کنند و هیچ پاسخی نمی دهند. این حالت باعث می شود معلم احساس کند ممکن است والدین از مشکلات فرزندشان بی خبر باشند یا نگران وضعیت تحصیلی فرزندشان نباشند.

چالش معلمان در تعامل با والدین ساکت

حنا سرحسابی
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی
درسی

شناسایی

باید

روتی که

* راهکارهای مدیریت تعامل با اولیای ساکت

معلمان برای بهبود تعامل خود با والدین ساکت می‌توانند به روش‌های متعددی رفتار کنند:

ایجاد فضایی راحت و بدون فشار: معلمان می‌توانند با ایجاد فضایی راحت و دوستانه در جلسه‌ها، به والدین ساکت امکان بدهند که بدون نگرانی از انتقاد یا قضاوت، صحبت کنند (کاظمی، ۱۳۹۶).

استفاده از انواع راه‌های ارتباطی: علاوه بر جلسه‌های حضوری، معلمان می‌توانند از روش‌های ارتباطی دیگر مانند رایانامه، پیامک یا تماس تلفنی برای برقراری ارتباط با والدین استفاده کنند (حسینی، ۱۳۹۷: ۷۳-۵۴).

ارائه گزارش‌های واضح و مستند: معلمان برای نشان دادن وضعیت تحصیلی یا رفتاری دانش‌آموز می‌توانند از گزارش‌های واضح و مستند استفاده کنند تا والدین به‌وضوح متوجه وضعیت فرزندشان شوند و احساس نیاز به مشارکت پیدا کنند (سالند، ۲۰۰۹).

تشویق به مشارکت تدریجی: به جای انتظار برای مشارکت کامل و فعال در اولین جلسه‌ها، معلمان می‌توانند با پرسش‌های ساده و باز از والدین شروع و به تدریج آن‌ها را به مشارکت بیشتر ترغیب کنند (مظفری، ۱۳۹۸).

* نقش همکاران و مدیریت مدرسه در حمایت از معلمان

مدیران و همکاران معلمان می‌توانند با دادن مشاوره و راهنمایی‌های حرفه‌ای، در برخورد با والدین ساکت، از معلمان حمایت کنند. برگزاری دوره‌های آموزشی برای معلمان در زمینه ایجاد ارتباط مؤثر با والدین ساکت می‌تواند به آن‌ها کمک کند این چالش را بهتر مدیریت کنند (سالند، ۲۰۰۹).

* نتیجه‌گیری

تعامل میان معلمان و والدین از ارکان مهم در ارتقای تحصیل و رشد اجتماعی دانش‌آموزان است. والدین ساکت می‌توانند چالش‌هایی برای معلمان به وجود آورند. با این حال، معلمان با استفاده از راهبردهای مناسب می‌توانند این روابط را بهبود بخشند و والدین ساکت را به مشارکت بیشتر ترغیب کنند. استفاده از انواع روش‌های ارتباطی، ایجاد فضای راحت و گزارش‌های مستند می‌تواند بر همکاری والدین و در نهایت بهبود وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان بیفزاید.

منابع

۱. حسینی، ف. (۱۳۹۷). چالش‌های تعامل والدین و معلمان در مدارس ایران. تحقیقات آموزشی ایران، ۱۸(۴).
۲. سالند، س. ج. (۲۰۰۹). Creating inclusive classrooms: Effective and reflective practices. Pearson/Prentice Hall.
۳. کاظمی، م (۱۳۹۶). مدیریت ارتباطات معلمان و والدین در مدارس ابتدایی: چالش‌ها و راهکارها. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
۴. مظفری، م (۱۳۹۸). سبک‌های ارتباطی معلمان با والدین و تأثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. نشریه روان‌شناسی و آموزش، ۲۲(۱).
۵. نصیری، م؛ حسن‌زاده، م (۱۳۹۴). تأثیر همکاری والدین و معلمان بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. پژوهش در آموزش ابتدایی، ۱۵(۲).

* مقدمه

کلاس‌های درس در ایران غالباً با چالش‌های متعددی همراه هستند؛ از یک سو حجم بالای کتاب‌های درسی، و از سوی دیگر کم‌بودن انگیزه یادگیری در دانش‌آموزان. این شرایط، محیط آموزشی را خشک و پرتنش می‌کند و گاهی معلم را در موقعیت دشواری قرار می‌دهد. در چنین فضایی، طنز به عنوان ابزاری آموزشی و ارتباطی، می‌تواند کلاس را متحول کند. طنز نه تنها عامل شادی و نشاط است، بلکه بر اساس تحقیقات روان‌شناسی تربیتی، در کاستن از اضطراب یادگیری، افزایش توجه، تقویت ارتباط عاطفی و بهبود حافظه بلندمدت نقش مهمی ایفا می‌کند. به همین دلیل، بسیاری از پژوهشگران آموزشی معتقدند که طنز، اگر به درستی و حرفه‌ای استفاده شود، می‌تواند «چاشنی ضروری» هر کلاس درسی باشد (Garner, 2006).

کلیدواژه‌ها:

طنز آموزشی، کاهش اضطراب در کلاس، انگیزش دانش‌آموزان، نقش هیجان در یادگیری، فن‌های تدریس خلاق

* چارچوب نظری طنز در آموزش

برای آنکه طنز در کلاس به ابزاری مؤثر تبدیل شود، نیاز است معلم با پشتوانه علمی آن آشنا باشد. برخی از مهم‌ترین مزیت‌های استفاده از طنز در آموزش عبارت‌اند از:

کاهش اضطراب: طنز با ایجاد فضایی شاد و دوستانه، از اضطراب ناشی از امتحان یا سختی درس می‌کاهد. تحقیقات نشان داده‌اند، شوخی‌های ساده معلم، از فشار عصبی دانش‌آموزان، به ویژه در درس‌های دشوار مانند ریاضی و فیزیک، کم می‌کند (Ziv, 2010).

افزایش توجه: کلاس‌های طولانی و سنگین از تمرکز می‌کاهند. طنز همانند «وقفه‌ای شناختی» عمل می‌کند و توجه دانش‌آموزان را دوباره به موضوع اصلی بازمی‌گرداند (Meyer, 2000).

هیجان مثبت: خنده به افزایش دوپامین در مغز منجر می‌شود؛ ماده‌ای که در تقویت حافظه و یادگیری نقش مهمی دارد. بنابراین، شوخی‌های کوچک ممکن است باعث شوند مفاهیم برای مدت طولانی‌تری در ذهن دانش‌آموز بمانند (Garner, 2006).

یادگیری اجتماعی: معلمی که از طنز استفاده می‌کند، در نظر دانش‌آموزان انسانی‌تر و صمیمی‌تر به نظر می‌رسد. این حالت از فاصله قدرت میان معلم و شاگرد می‌کاهد و محیط یادگیری را تعاملی‌تر می‌کند (Wanzer & Frymier, 1999).

اصول حرفه‌ای استفاده از طنز

برای آنکه طنز کارکرد آموزشی خود را حفظ کند، رعایت چند اصل ضروری است:

هدفمندی: طنز باید در خدمت یادگیری باشد. اگر صرفاً برای خنداندن به کار رود، نظم کلاس مختل می‌شود.

مرزگذاشتن اخلاقی: شوخی نباید شامل تمسخر دانش‌آموزان، خانواده‌ها یا موضوع‌های فرهنگی و مذهبی باشد.

تناسب با سن و سطح درک: نوجوانان دبیرستانی به طنز موقعیتی و طعنه سبک علاقه دارند. این حالت باید کنترل شده باشد.

اعتدال: زیاده‌روی در طنز باعث می‌شود کلاس از هدف آموزشی دور شود. بهترین زمان استفاده از طنز، آغاز کلاس، لحظه‌های خستگی، یا هنگام توضیح مفاهیم دشوار است.

خودآشنایی کنترل‌شده: گاهی معلم می‌تواند با بیان تجربه‌های شخصی طنزآمیز، رابطه انسانی و صمیمانه‌تری با دانش‌آموزان برقرار کند.

فن‌های کاربردی برای معلمان

* استفاده از طنز در آغاز کلاس

شروع کلاس با طنز موقعیتی یا جمله‌ای خنده‌دار که با موضوع درس مرتبط باشد، چند اثر مهم دارد:

افزایش انگیزه و انرژی: طنز باعث آزادشدن اندورفین و دوپامین می‌شود که بر بهبود خلق و خو و انرژی دانش‌آموزان می‌افزاید.

تمرکز ذهنی: این طنز مانند «وقفه شناختی» عمل

الهام الیکایی



می‌کند؛ ذهن دانش‌آموزان از حالت خستگی یا بی‌توجهی خارج و آماده دریافت مطالب می‌شود (Meyer, 2000).

/ بهبود مشارکت: طنز در شروع کلاس حس صمیمیت ایجاد و دانش‌آموزان را برای شرکت در بحث‌ها و فعالیت‌ها آماده می‌کند.

/ نکات اجرایی

- / طنز باید با موضوع درس مرتبط باشد تا هم آموزشی باشد و هم سرگرم‌کننده.
- / طنز باید کوتاه و واضح باشد. طنز طولانی ممکن است باعث حواس‌پرتی شود.
- / طنز نباید توهین‌آمیز و نا محترمانه باشد تا هیچ دانش‌آموزی ناراحت نشود.
- / می‌توان از تجربه‌های شخصی معلم به شکل طنز استفاده کرد تا صمیمیت بیشتری ایجاد شود.

/ مثال عملی

/ فیزیک: «قانون اول نیوتن می‌گوید، جسم ساکن تمایل دارد ساکن بماند؛ دقیقاً مثل شما در صبح‌های شنبه!»

*** طنز برای توضیح مفاهیم دشوار**

استفاده از طنز هنگام توضیح مفاهیم پیچیده یا دشوار باعث می‌شود دانش‌آموزان راحت‌تر موضوع را درک کنند و آن را به خاطر بسپارند. طنز مفاهیم انتزاعی را ملموس و قابل فهم می‌کند. با ایجاد هیجان مثبت و ارتباط بین مفاهیم و تجربه‌های واقعی دانش‌آموزان، یادگیری عمیق‌تر می‌شود.

/ نکات اجرایی

- / طنز باید با مفاهیم درس مرتبط باشد و مثال‌ها ملموس باشند.
- / در طنز زیاده‌روی نشود. طنز کوتاه و

روشن بهترین نتیجه را دارد.

/ می‌توان از تشبیه‌های طنزآمیز یا مقایسه‌های روزمره استفاده کرد.

/ مثال عملی

/ زیست‌شناسی: «یاخته‌ها گاهی با هم دعوا می‌کنند. اگر اشتباه کنند و به سلول‌های خودی حمله کنند، اسمش می‌شود بیماری خودایمنی.»

*** طنز نمایشی**

ایفای نقش یا طنز نمایشی به دانش‌آموزان کمک می‌کند مفاهیم درس را در قالب تجربه تعاملی و نمایشی یاد بگیرند. این فن، حافظه فعال و یادگیری اجتماعی را تقویت می‌کند، چون در این حالت دانش‌آموزان نه تنها می‌شنوند، بلکه می‌بینند و تجربه می‌کنند.

/ نکات اجرایی

- / می‌توان شخصیت‌های تاریخی، علمی یا ادبی را به شکل طنزآمیز بازسازی کرد.
- / بهتر است نقش‌ها کوتاه و ساده باشند تا همه دانش‌آموزان بتوانند مشارکت کنند.
- / طنز نمایشی نباید شامل تمسخر یا تحقیر کسی شود.

/ مثال عملی

/ ادبیات: بازسازی صحنه‌ای از داستان با گفت‌وگوی طنزآمیز، برای فهم بهتر شخصیت‌ها و ماجراها.

*** طنز تصویری**

طنز تصویری شامل کاریکاتور، کمیک یا میم‌های آموزشی است. تصویرهای طنزآمیز حافظه تصویری را تقویت و درک مفاهیم را سریع‌تر می‌کنند. به این ترتیب کلاس جذاب‌تر می‌شود. این فن به‌ویژه برای دانش‌آموزان بصری بسیار مؤثر است.

/ نکات اجرایی

- / تصویرها باید با درس و محتوا مرتبط باشند.
- / طنز تصویری نباید شامل شوخی‌های توهین‌آمیز باشد.
- / از میم‌ها یا کاریکاتورهای ساده می‌توان برای توضیح مفاهیم علمی استفاده کرد.

/ مثال عملی

/ زیست‌شناسی: رسم تصویر طنزآمیز چرخه یاخته‌ای یا دستگاه ایمنی بدن برای فهم بهتر فرایندها.





دکتر لیلا میرزایی
دانش آموخته فلسفه
تعلیم و تربیت

تقویم

اسف

* هشتم اسفند، روز طلایه‌داران رشد و ایمان را گرامی می‌داریم.

هشتم اسفند یادآور تأسیس نهاد امور تربیتی است؛ روزی برای پاسداشت تلاش مربیان پرورشی که با ایمان، اخلاق و محبت، چراغ دل دانش‌آموزان را روشن می‌کنند. شهید رجایی و شهید باهنر این نهاد را برای تربیت انسان مؤمن، اندیشمند و مسئول پایه‌گذاری کردند. امام خمینی (ره) فرمودند: «هدف از تربیت اسلامی، ساختن انسان الهی است که جامعه را به‌سوی صلاح و کمال هدایت کند» (صحیفه امام، ج ۸). این روز روز آن‌هایی است که نه در پی نام، بلکه در جست‌وجوی ایمان و اخلاق در جان دانش‌آموزان‌اند. دست در دست محبت و نگاهشان به افق معرفت دوخته شده است. آنان معلمان دل‌اند، نه دفتر و کتاب؛ باغبانانی که گل‌های دل دانش‌آموزان را با عشق، صداقت و ایمان آبیاری می‌کنند. پرورش، هنر زنده نگهداشتن انسان است و این هنر در دستان پر مهر آنان جاری است.

* طنز تعاملی

طنز تعاملی دانش‌آموزان را به مشارکت فعال دعوت می‌کند و خلاقیت و مهارت‌های اجتماعی را پرورش می‌دهد. وقتی دانش‌آموزان مثال‌های طنز خود را می‌سازند، ارتباط عاطفی با درس و معلم تقویت و یادگیری معناوارتر می‌شود.

/ نکات اجرایی

- / دانش‌آموزان را تشویق کنید مثال‌های طنز مرتبط با درس بسازند.
- / فعالیت‌ها باید کوتاه و قابل مدیریت باشند تا نظم کلاس حفظ شود.
- / بازخورد مثبت به مثال‌های طنز داده شود تا انگیزه ایجاد شود.

/ مثال عملی

/ ریاضی: «احتمال اینکه بوفه مدرسه پول خرد داشته باشد، کمتر از آن است که کسی همه فرمول‌ها را بلد باشد!»

* چالش‌ها و محدودیت‌ها

- اگرچه طنز فایده‌های بسیاری دارد، اما استفاده نادرست ممکن است مشکلاتی ایجاد کند:
- / سوءبرداشت یا توهین ناخواسته؛
- / زیاده‌روی که باعث بی‌نظمی می‌شود؛
- / تفاوت درک طنز بین دانش‌آموزان (بر اساس فرهنگ یا شخصیت).
- راهکار: استفاده تدریجی و گرفتن بازخورد از دانش‌آموزان.

* نتیجه‌گیری

طنز در کلاس درس ابزار تزئین یا سرگرم‌کنندگی صرف نیست، بلکه ابزاری علمی و اثربخش در فرایند یادگیری است. اگر معلم آن را هدفمند، اخلاقی و با اعتدال به‌کار گیرد، می‌تواند کلاسی پرانرژی، انسانی و یادگیرنده بسازد. همان‌طور که غذا بدون نمک بی‌مزه است، آموزش بدون طنز هم خشک و کم‌اثر خواهد بود. طنز در کلاس برای خندانیدن نیست، برای فهماندن و به‌خاطر سپردن است.

منابع

1. Banas, J. A., Dunbar, N., Rodriguez, D., & Liu, S.-J. (2011). A Review of Humor in Educational Settings: Four Decades of Research. *Communication Education*, 60(1).
2. Frymier, A. B., & Wanzer, M. B. (2014). *Humor in the Classroom: A Guide for Language and Literature Teachers*. Routledge.
3. Garner, R. L. (2006). Humor in Pedagogy: How Ha-Ha Can Lead to Aha! *College Teaching*, 54(1).
4. Meyer, J. C. (2000). Humor as a Double-Edged Sword: Four Functions of Humor in Communication. *Communication Theory*, 10(3).
5. Wanzer, M. B., & Frymier, A. B. (1999). The Relationship Between Student Perceptions of Instructor Humor and Students' Reports of Learning. *Communication Education*, 48(1).
6. Ziv, A. (2010). The Social Function of Humor in Education. In *Humor and Education*.



ماه

سند

- ۵ اسفند / روز بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی و روز مهندس؛
- ۸ اسفند / روز امور تربیتی و تربیت اسلامی و آغاز هفته امور تربیتی و تربیت اسلامی؛
- ۹ اسفند / وفات حضرت خدیجه (س)؛
- ۱۴ اسفند / ولادت حضرت امام حسن مجتبی (ع)، روز اکرام و تکریم خیرین، روز احسان و نیکوکاری؛
- ۱۵ اسفند / روز درختکاری و روز آموزش همگانی حفظ محیط زیست؛
- ۱۶ اسفند / معراج حضرت رسول اکرم (ص)؛
- ۱۷ اسفند / اولین شب قدر؛
- ۱۸ اسفند / روز ضربت خوردن حضرت علی (ع) و روز نهج البلاغه؛
- ۱۹ اسفند / دومین شب قدر و فتح مکه؛
- ۲۰ اسفند / شهادت حضرت علی (ع) و روز راهیان نور؛
- ۲۱ اسفند / سومین شب قدر - روز بزرگداشت نظامی گنجوی؛
- ۲۲ اسفند / روز بزرگداشت شهدا و تأسیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی به فرمان امام خمینی (ره)؛
- ۲۵ اسفند / بزرگداشت پروین اعتصامی - بمباران شیمیایی حلبچه توسط ارتش بعث عراق؛
- ۲۸ اسفند / روز تکریم همسایگان؛
- ۲۹ اسفند / روز ملی شدن صنعت نفت ایران و سالروز مبارزه با پدیده شوم استعمار نژادی.

* میلاد امام حسن مجتبی (ع)، جلوه رحمت مبارک!

میلاد امام حسن مجتبی (ع)، دومین پیشوای شیعیان، از رخدادهای مهم تاریخ اسلام است. این میلاد فرخنده نه تنها آغاز حضور نخستین امام پس از پیامبر اکرم (ص) در تاریخ اسلام است، بلکه نشانه ای از استمرار خط هدایت الهی در قالب امامت نیز به شمار می آید (جعفریان، ۱۳۸۷: ۴۲).

* پانزدهم اسفند، روز درختکاری، یادآور پیوند انسان با طبیعت

درخت نماد زندگی، سرسبزی و امید است. روز درختکاری یادآور پیوند انسان با طبیعت و سیاستگزاری از نعمت های خداوند است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هر کس درختی بکارد، تا زمانی که انسان یا حیوانی از آن بهره مند شود، برای او صدقه محسوب می شود» (حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۳). درخت تنها سایه و میوه نمی دهد،

بلکه نشانه خرد انسان در پاسداشت زمین است. با کاشت هر نهال، پیامی از عشق به آینده و محیط زیست می فرستیم؛ پیامی که فرزندان ما آن را در هوای پاک و طبیعت زیبا خواهند خواند.

* قرار قدر

شب های قدر شب هایی است که درهای رحمت الهی گشوده می شوند و فرشتگان بر زمین فرود می آیند. در این شب ها انسان می تواند سرنوشت یک ساله خویش را با دعا، توبه و نیایش رقم بزند. قرآن کریم می فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (سوره قدر، آیه ۱). امام صادق (ع) فرموده است: در شب قدر، روزی بندگان تقسیم و سرنوشت ها نوشته می شوند (کلینی، الکافی، ج ۴). این شب ها فرصتی برای خودسازی و بازگشت به سوی پروردگارند؛ فرصتی که هر سال تکرار می شود تا بندگان بار گناهان را از دوش بپندازند و سبکالتر به راه ادامه دهند.

* امام علی (ع).

صدای عدالت در تاریخ بشریت

علی (ع) تجسم عدالت و انسانیت است و نوری که هرگز خاموش نمی شود. او نه فقط امام مؤمنان، که معلم عشق و آزادی است. در محراب عبادت، قطره ای اشک بر گونه هایش می غلتید و در میدان نبرد، شمشیر عدالتش بر ظلم فرود می آمد. «علی (ع) در عدالت چنان سخت گیر بود که حتی برای برادرش عقیل نیز استثنا قائل نشد» (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

در وصفش گفته اند: «او شمشیری است از آسمان، اما نیامش از مهر است.» ❀



معلمی و

ادب

زندگی



از زبان مؤلف آن بشنوید.
معرفی این کتاب را

نویسنده: لیلا سلیقه دار
ناشر: انتشارات فاطمی
سال انتشار: ۱۴۰۱

نکرده‌اند، اما چهارچوب‌های درستی را برای ارائه به دانش‌آموزان انتخاب می‌کنند، امکان فراگیری آداب زندگی را برای دانش‌آموزان فراهم آورده‌اند. برای مثال، معلم از تعارض جدید در زندگی شخصی خود استقبال نمی‌کند، اما یاد گرفته است از نیروی تعارض برای ایجاد موقعیت‌های چالش برانگیز و تجربه تعارض گرایشی - گرایشی در کلاس بهره‌مند شود. این کتاب تا حد امکان مثال محور است و تلاش شده است در هر مورد از نمونه‌های کلاسی استفاده شود. بنابراین، توجه به جزئیات مطرح شده در نمونه می‌تواند علاوه بر مقصودی که در کنار آن آمده، برداشت‌های بیشتری برای خواننده به عنوان معلم در پی داشته باشد. همچنین، قاعده عمده در ذکر مثال‌ها، مقایسه دو گروه از معلمان و کلاس‌های درس است. در یکی معلمی تصویر شده است که به آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان معتقد است و دیگری کلاسی است که در آن آموزش مهارت‌های زندگی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم اهمیتی ندارد تا با قضاوت و مقایسه درباره هر موقعیت به انتخاب درستی دست یابید.

«معلمان مؤثر، نه به نام، بلکه به تأثیرگذاری‌شان در زندگی، ماندگار هستند.»

در پیوند آداب زندگی با کلاس درس می‌توانیم سه حوزه را مورد توجه قرار دهیم:

معلم تا چه اندازه به این توانایی مسلط است؟

الگویی رفتاری که معلم در خصوص هر مهارت به دانش‌آموزان نشان می‌دهد، تا چه اندازه مناسب و درست است؟

معلم تا چه اندازه برای آموزش مهارت به دانش‌آموزان به صورت مستقیم اقدام می‌کند؟

نظریه حمایت‌کننده برای این موارد آن است که هر اندازه معلم در زمینه هر مهارت توانایی بیشتری داشته باشد، به همان نسبت می‌توان امیدوار بود که در صورت اقدام او به آموزش آداب و مهارت زندگی موفق باشد و موانع را بشناسد و راه رفته خود را درس و تجربه شایسته‌ای برای رهبری دانش‌آموزان قرار دهد. انکارناشدنی است که بسیاری از مهارت‌های زندگی از ضرورت‌های شخصی معلم هستند و لازم است معلمان پیش از انتخاب حرفه معلمی، در این زمینه مطالعه و تمرین داشته باشند و بر آن توانایی‌ها تسلط یابند.

معلمانی که تلاش می‌کنند در موقعیت‌های گوناگون مناسب‌ترین الگورا در رفتار خود نمایان کنند و گاهی کاملاً بر آن مهارت تسلط ندارند یا آن را در خود نهادینه

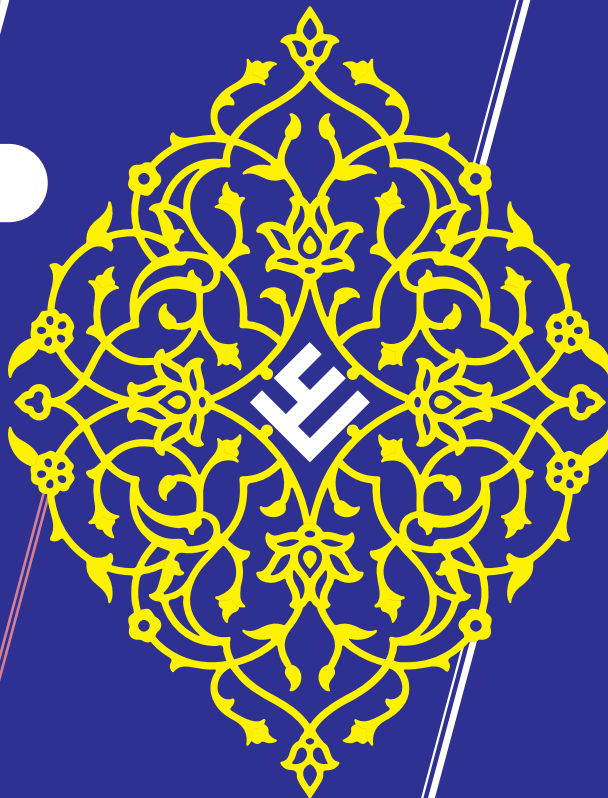
با تجربه چند دهه زندگی در حرفه و کسوت معلمی، هنگامی که از شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان سخن به میان می‌آید، انبوهی از گفته‌های ناگفته به ذهن می‌رسد. در این پهنه گسترده می‌توان دریافت، در هم تنیدگی شایستگی‌های معلمی و آداب زندگی به حدی است که می‌توان نتیجه گرفت شایستگی‌های معلمی از مهارت‌های زندگی جدایی ناپذیرند. همچنان که زندگی از موضوع توانایی‌های آن قابل جدا کردن نیست. حال به سبب اهمیت موضوع و درهم تنیدگی معلمی با آداب و مهارت‌های زندگی، چند رویکرد پشتوانه این کتاب قابل ملاحظه‌اند.

اگر باور داشته باشیم که آداب و مهارت‌های زندگی توانایی‌هایی برای زندگی کردن هستند، نمی‌توانیم آن‌ها را در جایی بیرون از زندگی یاد بگیریم یا آموزش دهیم. دانش‌آموزان در همه کلاس‌ها زندگی می‌کنند و نیازمند دریافت آموزش توانایی‌های زندگی هستند. بر این اساس، آموزش آداب زندگی چه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه توسط همه معلمان در ساعت‌های درسی رخ می‌دهد و تفاوت این است که گاهی معلمان به دلیل ناآگاهی، باورمندی یا ناتوانی، آموزشی نادرست و نامناسب از زندگی به دانش‌آموزان می‌دهند. با این نگاه، آداب و مهارت‌های زندگی از جمله شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان به شمار می‌آید. در متن کتاب سه دیدگاه مهم مورد نظر و تأکید است.

باد

حضرت علی (ع) تسلیت

شهادت مولای متقیان



سرچشمه نور

نویده نامجوفر
کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

علی نور است علی شور است علی قرآن مسطور است
علی آن ساقی کوثر نماد سوره طور است
علی علم است و ایمان است علی شوق یتیمان است
امیرالمؤمنین حیدر به باب العلم مشهور است
علی رافع، علی راکع، علی بر شعیان شافع
خوشا در جنت آن جانی که با ارباب محشور است
علی خورشید عالمتاب این دنیای خاموش و
علی روح بلند بندگی، سرچشمه نور است
به هنگام نمازش تیر از پایش جدا کردند
علی از زرق و برق عالم شوریده مهجور است
خوشا قلبی که منزلگاه عشق پاک مولا شد
خوشا آن دل که با یادش همیشه شاد و مسرور است



حلول ماه مبارک رمضان،
ماه مهمانی پروردگار
مهربان بر همه مسلمانان
مبارک باد.

